

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۲۸ شهریور ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۷۴

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

مجموعه تحولات بازتاب یافته در این گزارش، تصویری از هم‌زمانی فشارهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای در چند سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌دهد؛ وضعیتی که در آن تقریباً هیچ رویدادی به صورت منفرد بازنمایی نشده و هر موضوع، به سرعت به خطوط خبری دیگر متصل شده است.

در حوزه سیاست داخلی، اظهارات یوسف پزشکیان درباره سبک زندگی و صرفه جویی، ماراتن تهران و هم‌زمانی آن با رزمایش «جان فدایان» و پرونده مرخصی مصطفی تاج‌زاده، به بستر تشدید منازعات بر سر معیشت، حجاب، نافرمانی مدنی، عملکرد دولت و نحوه مواجهه نهادهای رسمی با منتقدان تبدیل شده‌اند؛ روندی که گزارش آن را در امتداد تشدید دو قطبی‌های سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند.

در حوزه امنیتی-نظامی، محور اصلی بر تداوم آمادگی بازیگران و بازآرایی نیروها استوار است؛ از جابه‌جایی جنگنده‌ها و تجهیزات آمریکا، استمرار پل هوایی و شبکه شناسایی و فرماندهی تا محدودیت‌های دریایی، آمادگی ایتالیا در باب المندب، سازماندهی نیروهای «جان فدا»، اختلاف بر سر تلفات و هزینه جنگ و بازخوانی خطای هدف‌گیری آمریکا در حمله به مدرسه میناب. در بخش رسانه‌های معاند و ضد انقلاب نیز رزمایش جان فدایان، ویدئوی برخورد با نوجوان تبریزی و بازگشت احتمالی برخی چهره‌های اپوزیسیون، به محورهایی برای روایت‌سازی پیرامون نظامی‌سازی جامعه، سرکوب، تناقض سیاست‌های اجتماعی و مشروعیت سیاسی تبدیل شده‌اند.

در حوزه اقتصادی، پرونده فروش نفت و تراستی‌ها در کنار مسکن، تحریم شبکه‌های مالی، گرانی کالاهای اساسی و آموزش، انرژی، بورس، طلا و ارز، بنزین، فیلترینگ، کالا برگ و منازعه درباره مدیریت اقتصادی دولت قرار گرفته است.

در سطح منطقه‌ای، تحولات یمن، عربستان، پاکستان، عراق، چین، هرمز و باب المندب و بحث تغییر ترتیبات امنیتی خلیج فارس برجسته است؛ در حالی که حوزه بین‌الملل بر دوگانه فشار و مذاکره آمریکا، هزینه‌های جنگ، گزارش سازمان ملل، تحریم‌ها و روایت رسانه‌های غربی از وضعیت داخلی و توان اقتصادی و نظامی ایران متمرکز شده است.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

- ❖ ترامپ روز پنجشنبه گفت که در جنگ ایران به نقطه‌ای حساس نزدیک می‌شود و باید تصمیم بگیرد آیا برای پایان دادن به درگیری، حملات گسترده را از سر بگیرد یا نه. (اکسیوس)
- ❖ ترامپ: جنگ ایران به زودی پایان خواهد یافت. (فاکس نیوز)
- ❖ ترامپ: ایران با همه روش‌ها اقتصادی و نظامی شکست می‌خورد. ایران می‌خواهد توافق کند. (فاکس نیوز)
- ❖ ترامپ: اگر مردم می‌توانستند بین قیمت پایین‌تر بنزین و اجازه دادن به ایران برای داشتن سلاح هسته‌ای رأی بدهند، فکر می‌کنم نتیجه با اختلاف بسیار زیادی روشن بود. مردم نمی‌خواهند ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد. (فاکس نیوز)
- ❖ ترامپ طرح قانون تحریم‌های روسیه و ایران را امضا کرد و آن را به قانون تبدیل کرد. (فاکس نیوز)
- ❖ روسیه و چین روز پنجشنبه، در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی ایالات متحده برای تمدید مأموریت هیات کارشناسان کمیته تحریم‌های ۱۷۳۷ علیه جمهوری اسلامی ایران را وتو کردند. (سی‌ان‌ان)
- ❖ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، جمعه به رسانه‌های مطرح آمریکایی (سی‌ان‌ان، ام‌اس‌ناو و پولیتیکو) حمله کرد و آن‌ها را به انتشار اخبار جعلی متهم و ورود آن‌ها به کاخ سفید را ممنوع کرد. (حساب تروث سوشال ترامپ)
- ❖ به نقل از مقام‌های آمریکایی: نیروهای جمهوری اسلامی ایران در روزهای اخیر دست کم دو پهپاد ام‌کیو-۱ آمریکا را سرنگون کردند. (سی‌بی‌اس)
- ❖ وزارت امور خارجه آمریکا با فروش احتمالی ۲.۷ میلیارد دلار تجهیزات و خدمات نظامی به اوکراین برای ارتقای توان پدافند هوایی این کشور موافقت کرد. (صدای آمریکا)
- ❖ رئیس‌جمهور فرانسه در پی افزایش قیمت انرژی اعلام کرد که برای یافتن پاسخی مشترک در میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی و دموکراتیک جهان، نشست گروه هفت، شامل هفت کشور بزرگ صنعتی جهان را برگزار خواهد کرد. (خبرگزاری فرانسه)
- ❖ رئیس‌جمهور کره جنوبی اعزام نیروی تجهیزات نظامی به خاورمیانه را در صورتی که به مشارکت سئول در جنگ منجر شود رد کرد، اما گفت کشورش ممکن است برای حفاظت از کشتیرانی تجاری و انتقال نفت در منطقه نقش بیشتری بر عهده بگیرد. (یونهایپ)
- ❖ وزارت خارجه فرانسه: حملات حوثی‌ها به سعودی را محکوم می‌کنیم و برای ادامه مشارکت در مأموریت «اسپیدس» در دریای سرخ آماده‌ایم. (العربیه)

❖ ترامپ اعلام کرد آمریکا با دانمارک و گرینلند به توافقی دست یافته است که کنترل دائمی امنیت و تمامی نیازهای دیگر در گرینلند را در اختیار آمریکا قرار می دهد و به تمامی نگرانی های متعدد ایالات متحده رسیدگی می کند. او گفت این توافق هیچ هزینه ای برای آمریکا نخواهد داشت. (حساب تروث سوشال ترامپ)

❖ واکنش وزیر جنگ آمریکا به خبر واشنگتن پست در مورد افزایش تعداد نظامیان کشته شده آمریکایی در جنگ علیه ایران: این واقعاً چندش آور و جعلی است. یک دروغ کامل. شرم بر واشنگتن پست؛ آنها از رسانه های دولتی ایران هم بدترند. (حساب ایکس پیت هگست)

❖ زلنسکی از ترامپ بابت امضای قانون تحریم ایران و روسیه تشکر کرد. (حساب ایکس زلنسکی)
❖ مکرون: برای دور زدن هرمز، خط لوله انتقال نفت و گاز عراق به اروپا را می سازیم. (خبرگزاری فرانسه)
❖ شماری از اعضای گروه های مدنی در کره جنوبی امروز در نزدیکی سفارت آمریکا در سئول تجمع کردند و علیه فشار دونالد ترامپ بر دولت این کشور برای اعزام نیرو به تنگه هرمز شعار دادند. (بی بی سی)

❖ وزیر خارجه دانمارک: توافق الزام آور با آمریکا درباره گرینلند به تقویت امنیت کمک می کند. (رویترز)
❖ ناتو: توافق میان آمریکا، گرینلند و دانمارک، امنیت در شمال اقیانوس اطلس را تقویت می کند. (خبرگزاری فرانسه)

❖ داده های شرکت های ردیابی نفتکش ها نشان می دهد سوپر نفتکش «مجستیک ایکس» که فروردین امسال در اقیانوس هند با ورود نیروهای نظامی آمریکا به عرشه آن توقیف شده بود، اکنون در مسیر تگزاس حرکت می کند. (صدای آمریکا)

❖ فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در گزارشی به کمیته های امنیت ملی کنگره اعلام کرده است که هزینه جنگ با ایران تا سوم سپتامبر به ۴۳ میلیارد ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است. (سی ان ان)
❖ کمیسیون اروپا اعلام کرده است قیمت بنزین و گازوئیل در اتحادیه اروپا این هفته رکورد زده است. کارشناسان بانک مرکزی اروپا به یورونیوز گفته اند حاشیه سود پالایش تا حدی مقصر است و حاشیه سود گازوئیل احتمالاتاً اکتبر به اوج می رسد و قیمت ها بالا می ماند. (یورونیوز)

❖ ولادیسلاو ماسلینیکوف، مدیر اداره امور اروپا در وزارت خارجه روسیه اعلام کرد سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به تازگی و «بدون توجیه»، حضور نظامی و رزمایش های خود را در منطقه شمالگان به سرعت افزایش داده است. (اسپوتنیک)

اخبار و تحركات محور عبری - منطقه ای

❖ نتانیا هو: دشمن ساکن و بی تحرک نیست و شرایط تغییر می کند. میل جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اش به نابودی دولت اسرائیل از بین نرفته، بلکه صرفاً تضعیف شده است. توان عملیاتی آن ها

برای تحقق این هدف به شدت کاهش یافته است؛ و اگرچه بخش عمده کار را ما انجام داده ایم، اما هنوز کارهایی باقی مانده که باید به سرانجام برسند، و ما آن ها را به سرانجام خواهیم رساند. ما حماس را نابود خواهیم کرد و پیش از هر چیز، رژیم ایران را شکست خواهیم داد. ما آن را سرنگون خواهیم کرد؛ آن رژیم سقوط خواهد کرد. (اسرائیل به فارسی)

❖ **یسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، نوشت کارزار نظامی اسرائیل هنوز پایان نیافته و این کشور «اهداف مهمی» در برابر ایران و جبهه های دیگر دارد. او گفت اسرائیل برای دستیابی به این اهداف «با قدرت نظامی و تدبیر سیاسی» اقدام خواهد کرد. (حساب ایکس کاتز)**

❖ **عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان از ایران خواسته تا برای مهار حملات حوثی ها به عربستان سعودی اقدام کند. (فایننشال تایمز)**

❖ **ترکیه مجوز فعالیت بانک ملت ایران را لغو کرد. (الجزیره)**

❖ **به گفته پلیس پاکستان، در پی یک حمله با خودروی بمب گذاری شده در شمال غربی این کشور دست کم ۱۶ نفر جان خود را از دست داده و ده ها نفر دیگر زخمی شده اند. (بی بی سی)**

❖ **وزارت دفاع پادشاهی عربی سعودی جمعه اعلام کرد که چهارمین نشست برنامه ریزی ائتلاف دریایی دفاعی چند ملیتی در شهر جدّه برگزار شد. در این نشست، ۱۵۴ نفر از فرماندهان نیروهای دریایی، برنامه ریزان، سفرا و نمایندگان اتحادیه اروپا از ۴۱ کشور مشارکت کردند. (العربیه)**

❖ **شورای امنیت سازمان ملل متحد روز شنبه با صدور بیانیه ای حملات حوثی ها به عربستان سعودی را به شدت محکوم و باریاض اعلام همبستگی کرد. در این بیانیه که همه ۱۵ عضو شورای امنیت آن را امضا کردند، بر حق عربستان برای دفاع از خود تاکید شده و از حوثی ها خواسته شده است فوراً به تشدید درگیری های نظامی پایان دهند. (العربیه)**

❖ **شاهدان عینی گفتند که «شعله های آتش» و «ابر قارچی بزرگی» در فرودگاه بین المللی ملک خالد در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، مشاهده شده است. (رویترز)**

❖ **بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه، همکاری های بین المللی و امور مصری های خارج از کشور، شامگاه جمعه در جریان یک تماس تلفنی با مسعود بولس، مشاور ارشد رئیس جمهوری آمریکا در امور عربی و آفریقایی، درباره تحولات منطقه ای، از جمله بحران ایران، سودان و لیبی گفت و گو کرد. (العربیه)**

❖ **شرکت نفتی سعودی آرامکو پس از حمله به خط لوله اصلی شرق به غرب عربستان، به دست کم دو پالایشگاه اروپایی اطلاع داده است که ماه آینده نفت خامی بر پایه قرارداد های بلند مدت دریافت نخواهند کرد. (بلومبرگ)**

❖ **به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی: با توجه به اینکه ترامپ روز سه شنبه و نتانیا هوروز پنج شنبه در**

سازمان ملل سخنرانی خواهند کرد، بعید است آنها هفته آینده در نیویورک بایکدیگر دیدار کنند. (المانیتور)

❖ دفاع مدنی عربستان سعودی روز شنبه، پس از صدور هشدار احتمال خطر برای دومین بار در ریاض و شهر خرج در شرق پایتخت، اعلام کرد وضعیت عادی است. (العربیه)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

❖ رزمایش بزرگ ۳۱۳ هزار جان فدای ایران از ساعت ۸ روز جمعه ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ با فرمان سردار حسن

حسن زاده فرمانده سپاه محمد رسول الله بارمز «لبیک یا خامنه ای» در تهران برگزار شد. (تسنیم)

❖ پاسخ قالیباف به ژنرال دن کین: آنچه روزی برایتان کابوسی وحشتناک بود، الان به یک واقعیت تبدیل شده است، با آن کنار بیایید. (حساب ایکس قالیباف)

❖ مولوی عبدالحمید: بیشتر اعدام های اخیر ماهیت سیاسی دارند. (دویچه وله)

❖ حکم اعدام خائن به کشور که اطلاعات سایت های موشکی اصفهان را در اختیار موساد قرار داده بود، اجرا شد. (میزان)

❖ شورای صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز در اطلاعیه ای از تعلیق کلیه فعالیت های آموزشی، پژوهشی و اجرایی این دانشگاه از شنبه ۲۸ شهریور تا اطلاع ثانوی خبر داد. (مملکت)

❖ سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان و محمد اسحاق دار معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه پاکستان ظهر امروز شنبه به صورت تلفنی گفتگو کرد. (ایرنا)

❖ در پی برگزاری مسابقه دوی ماراتن در بوستان ولایت که در این رقابت موازین قانونی و شرعی رعایت نشده بود، دادستانی تهران به موضوع ورود کرد و اقدامات قانونی لازم را در دستور کار قرار داد. (تسنیم)

❖ حکم اعدام حسین پدران، خائن به کشور که اطلاعات سایت های موشکی اصفهان را در اختیار موساد قرار داده بود، اجرا شد. (میزان)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ برجسته سازی اظهارات یوسف پزشکیان درباره الگوی زندگی یمنی و تبدیل آن به محمل بازتولید شکاف میان سبدهای نظام و دولت
- ❖ اعتبارزدایی از جایگاه فرزندان رئیس جمهور و طرح اتهام طلبکاری و قاحت آمیز از مردم توسط جریان اقلیت اصولگرا
- ❖ جابه جایی مرز انتقاد از حوزه تصمیم گیری کلان به مسئولیت پذیری مردم و فرسایش سرمایه اجتماعی دولت در میان حامیان سنتی
- ❖ تبدیل توصیه به ریاضت اقتصادی به عامل تشدید مطالبات سیاسی و افزایش فشار بر دولت برای مهار تورم و فساد
- ❖ هم زمانی مارا تن تهران با رزمایش جان فدایان و تبدیل رویداد ورزشی به الگوی نافرمانی مدنی مسالمت آمیز در برابر همایش سازمانی
- ❖ امنیتی سازی رویداد مارا تن توسط جریان اصولگرا با برچسب استحاله فرهنگی و مطالبه برخورد با مدیریت شهری و استانداری
- ❖ برجسته سازی موضوع نافرمانی مدنی و معرفی مارا تن به عنوان پیروزی جنبش زن زندگی آزادی توسط فعالان رادیکال اصلاح طلب
- ❖ تقابل راهبردی دو الگوی کنش جمعی؛ یکی متمرکز و ایدئولوژیک، دیگری غیرمتمرکز و خودجوش با هدف کم رنگ سازی وزن همایش های حکومتی
- ❖ عملیات رسانه ای اصلاح طلبان برای تبدیل محدودیت قانونی مرخصی تاج زاده به نماد بازی روانی با خانواده و فشار بر قوه قضائیه
- ❖ عاطفی سازی روایت همسر تاج زاده و القای اعلام دیر هنگام پرونده جدید به عنوان بهانه عمدی محرومیت از مرخصی
- ❖ بازتعریف وزن تاج زاده به عنوان اپوزیسیون شرافتمند و وطن پرست در برابر عوامل خارجی توسط فیاض زاهد و فیض الله عرب سرخی
- ❖ تلاش برای قضا زدایی از پرونده های امنیتی و افزایش هزینه سیاسی هر تصمیم قضایی در شرایط جنگ ترکیبی
- ❖ تقویت شکاف ملت - حکومت از طریق پیوند مطالبه مرخصی با گفتمان امید اصلاح و هشدار نسبت به توافق اجباری با مزدوران خارجی
- ❖ تشدید دو قطبی سازی سیاسی در سه عرصه معیشتی، فرهنگی و قضایی با هدف فرسایش تدریجی مشروعیت نهادهای رسمی و پایگاه اجتماعی دولت

رصد و تحلیل

برجسته سازی اظهارات اخیر یوسف پزشکیان پیرامون «جائنفدایان» همزمان با تقویت شکاف میان سبد حامیان نظام و دولت

یوسف پزشکیان، فرزند رئیس جمهور، در شبکه اجتماعی ویراستی با اشاره به فشار معیشتی بر مردم، از آنان خواست هزینه های زندگی را کاهش داده و «مانند مردم یمن» زندگی کنند. این اظهارات با واکنش گسترده رسانه ها و فعالان اصولگرا روبه رو شد. همزمان، رئیس جمهور در حاشیه تجمع جائنفدایان همان موضع را تکرار کرد و بر صرفه جویی در مصرف بنزین، گاز و برق تأکید کرد. دختر رئیس جمهور نیز در مصاحبه ای خود را «جائنفدای ایران» خواند، اما به پرسش درباره پذیرش ریاضت مورد اشاره برادرش پاسخ نداد.

محورهای مطرح شده (عموما توسط جریان اقلیت اصولگرا)

- ❖ نقد صلاحیت و جایگاه فرزند رئیس جمهور: میثم نیلی با کنایه از «دولت وفاق» خواست در صورت صدق ادعا، دوره مسئولیت را نصف کنند. کیهان بالحنی تند نوشت «این میزان طلبکاری از مردم، وقاحت است» و صلاحیت یوسف پزشکیان برای اظهار نظر را زیر سؤال برد. کانال حکمران نزدیک به یاسر جبرائیلی با استناد به آمار یمن، ادعای الگو بودن این کشور را به چالش کشید.
- ❖ اعتبارزدایی از عملکرد اقتصادی و طرح اتهامات مالی: امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس، مشکلات اصلی رانه مردم، بلکه ریخت و پاش های دولتی، حق مأموریت های لاکچری، سفرهای میلیاردری و انتصابات سیاسی دانست و نمونه هایی چون بودجه شرکت های دولتی، پاداش های نجومی و سفر یک میلیاردری وزیر راه به کیش را برشمرد.
- ❖ طرح ادعای تناقض رفتاری و رسانه ای: محمد جواد مولوی (سردبیر رجانیز) با استقبال از حضور دختر رئیس جمهور در جمع جائنفدایان، خواستار توجه او و همسرش به توصیه های برادر درباره سبک زندگی یمنی شد. در مقابل، کاربری نزدیک به اصلاح طلبان مدعی شد مشکل منتقدان با شخص روحانی یا یوسف پزشکیان نیست، بلکه با هر کس که خواست اکثریت مردم را مطرح کند، مخالفت می شود.

برآیند تحلیلی

- ❖ بازتولید دوگانه «ملت جائنفدا» در برابر «دولت»: اظهارات یوسف پزشکیان، به جای آنکه گفتگویی درباره اصلاح الگوی مصرف ایجاد کند، به محملی برای بازتولید شکاف میان بخشی از بدنه حامی نظام و دولت تبدیل شد. این منازعه، مرزهای انتقاد را از حوزه تصمیم گیری کلان به حوزه مسئولیت پذیری مردم جابه جامی کند.

❖ فرسایش سرمایه اجتماعی دولت در میان حامیان سنتی: در چنین فضایی، مطالبات معیشتی به سرعت رنگ سیاسی می‌گیرد و انتظارات از دولت برای مهار تورم و فساد را افزایش می‌دهد. هرگونه توصیه به ریاضت نیز به بی‌اعتباری کشانده می‌شود و شکاف میان حامیان نظام و دولت را عمیق‌تر می‌کند.

❖ عاملیت بحران زایی در آینده: تقویت این دوقطبی، عاملیت بحران زایی دارد؛ زیرا از یک سو فشار مطالباتی بر دولت افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، پاسخ‌های نمایشی یا سکوت، مشروعیت توصیه‌های حکمرانی را تضعیف می‌کند. اگر این گسل مدیریت نشود، احتمالاً به مطالبه‌ای فراگیر برای تغییر رویه حکمرانی بدل خواهد شد.

جمع‌بندی راهبردی:

مسئله اصلی نه شخص یوسف پزشکیان، بلکه نحوه مواجهه دولت با نارضایتی‌های عمومی (به خصوص در برابر پایگاه مخالفان خود) است که مهمترین خروجی آن «تقابل خواسته یا ناخواسته با سبد حامیان» است. تداوم این وضعیت، دولت را در معرض فرسایش تدریجی پایگاه اجتماعی خود قرار می‌دهد و فضای سیاسی کشور را به سمت قطبی‌تر شدن سوق می‌دهد.

تبدیل شدن موضوع ماراتن تهران و همایش جانفدایان به الگوی نافرمانی مدنی مسالمت آمیز در برابر همایش خیابانی سازمانی

صبح جمعه ۲۷ شهریور ۱۴۰۵، همزمان با رزمایش ۳۱۳ هزار نفره «جان فدایان» در تهران، دومین دوره مسابقه دوی ۱۰ کیلومتری در بوستان ولایت برگزار شد. این رویداد ورزشی با مجوز رسمی هیأت دوومیدانی استان تهران و تأیید استانداری، به صحنه‌ای برای آشکار شدن شکاف میان سیاست رسمی حجاب و رفتار اجتماعی زنان تبدیل شد. تصاویر منتشرشده از حضور زنان با پوشش‌های متفاوت، واکنش‌های متضاد دو جریان سیاسی داخلی را برانگیخت.

کنش و واکنش جریان اصولگرا (انقلابی)

جریان اصولگرا با محوریت رسانه‌هایی چون روزنامه نوبنیاد و کاربران توییتری، این رویداد را «هنجارشکنی عجیب» و «سازمان‌یافته» خواندند. روزنامه نوبنیاد با اشاره به مکان برگزاری (بوستان ولایت، زیرمجموعه شهرداری تهران) از مدیریت شهری خواست تا با این «هنجارشکنی» برخورد کند. کاربران اصولگرا نیز با تأکید بر همزمانی با رزمایش جان فدایان، آن را «توهین به ارزش‌ها» و «تضاد با نام‌آیدئولوژیک بوستان ولایت» دانستند. سند منتشرشده از استانداری تهران (نامه معاونت امنیتی به فرمانده انتظامی) توسط همین جریان برای اثبات «نظارت نکردن» استاندار و مطالبه برخورد با او استفاده شد. در نهایت، جریان حزب‌اللهی با ادبیات امنیتی‌تر، برگزارکنندگان را «همان تیم ماراتن

کیش» معرفی کرده و هشدار دادند این رویداد در حال «استحاله فرهنگی» و سرایت از کیش به تهران و مشهد است.

کنش و واکنش جریان اصلاح طلب

جریان اصلاح طلب با محوریت کانال مهدی محمودیان و مجتبی نجفی، روایتی کاملاً متفاوت ارائه داد. کانال مهدی محمودیان بالحنی خبری-تحلیلی، بررسی بودن رویداد، همکاری هیأت دوومیدانی، وعدم الزام حجاب در مقررات رسمی تأکید کرد. این کانال با مقایسه بالغو «ماهان ران» در کرمان و برخورد قضایی با «ماراتن کیش»، نتیجه گرفت آنچه در تهران رخ داد «محصول تغییر رسمی قوانین نیست»، بلکه نشان دهنده «فاصله میان مقررات و خواسته نهادهای حکومتی با رفتار روزمره زنان» است. مجتبی نجفی، فعال رادیکال اصلاح طلب نیز بالحنی احساسی، این رویداد را «پیروزی جنبش زن، زندگی، آزادی» و «نافرمانی مدنی مسالمت آمیز» خواند که در مکانی با نام ایدئولوژیک، حجاب اختیاری را به رسمیت شناخته است.

تحلیل راهبردی و آسیب شناسی پایانی

مسئله ماراتن تهران، فارغ از ابعاد مرتبط با حجاب که در درجه آخر اهمیت قرار دارد، نشان دهنده یک چرخش راهبردی در عرصه کنش جمعی است: گذار از اغتشاش به نافرمانی مدنی مسالمت آمیز که در تلاش است وزن و اثرگذاری همایش های نزدیک به حاکمیت را کم رنگ کرده و آن را «سازمانی» و «نمایشی» معرفی کند. همزمانی این رویداد با رزمایش جان فدایان، تصادفی نیست؛ بلکه یک تقابل راهبردی میان دو الگوی کنش جمعی است: یکی متمرکز، ایدئولوژیک و حکومتی، و دیگری غیرمتمرکز، مدنی و خودجوش.

آسیب شناسی این رفتارهای دوگانه نشان می دهد که تشدید دو قطبی ها میان جامعه حامی نظام و منتقد نظام، در عرصه های خیابانی به یک چرخه معیوب راهبردی تبدیل شده است. از یک سو، اصولگرایان با امنیتی کردن فضا و برچسب «استحاله فرهنگی»، هر رویداد اجتماعی را به «توطئه دشمن» تقلیل می دهند و از سوی دیگر، اصلاح طلبان با جشن گرفتن نافرمانی مدنی، آن را به «پیروزی جنبش» تبدیل می کنند. این دوگانه سازی، نه تنها فضای گفت و گوراز بین می برد، بلکه هزینه های اجتماعی را برای هر دو طرف افزایش می دهد.

راهبرد اساسی در این وضعیت، پرهیز از امنیتی کردن و سیاسی کردن افراطی رویدادهای مدنی و بازگشت به قانون مداری و پذیرش نسبی تکثر اجتماعی (فارغ از مسئله همزمانی با تجمع جانفدایان) است. در غیر این صورت، هر رویدادی به یک صحنه نبرد نمادین تبدیل خواهد شد که تنها شکاف ها را عمیق تر می کند و سرمایه اجتماعی را فرسایش می دهد.

عملیات رسانه‌ای اصلاح‌طلبان برای تبدیل محدودیت قانونی مرخصی تاج‌زاده به نماد «بازی روانی با خانواده وی» و فشار بر قوه قضائیه

فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر مصطفی تاج‌زاده، با انتشار روایتی از موافقت ضمنی رئیس قوه قضائیه برای مرخصی همسرش و سپس توقف آن به دلیل پرونده جدید «تبلیغ علیه نظام» با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی، فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان را فعال کرد. همزمان فیاض‌زاهد و فیض‌الله عرب‌سرخ‌ی در گفت‌وگو با «امتداد» این اقدام را ناسازگار با رأفت اسلامی و رفتار انسانی توصیف کرده و خواستار آزادی تاج‌زاده به عنوان «اپوزیسیون شرافتمند» شدند.

همگرایی اصلاح‌طلبان رادیکال با ادعاهای محتشمی‌پور

روایت محتشمی‌پور با تمرکز بر «موافقت ضمنی» و «اعلام دیر هنگام پرونده جدید» بستر عاطفی مناسبی برای القای «بازی روانی با خانواده تاج‌زاده» فراهم کرده است. اما فیض‌الله عرب‌سرخ‌ی با تأکید بر «زندانی بی جرم و گناه» و دفاع تاج‌زاده از کشور در برابر تجاوز خارجی، تلاش دارد تصویر زندانی سیاسی وطن‌پرست را تثبیت کند و هرگونه محدودیت را به بی‌توجهی حاکمیت نسبت به «امید اصلاح» نسبت دهد. فیاض‌زاهد نیز با پیوند موضوع به بازگشت چهره‌های خارج‌نشین، آزادی تاج‌زاده را «نشانه امید آفرین» معرفی کرده و هشدار داده که بی‌توجهی به چنین افرادی، نظام را ناگزیر به توافق با «مزدوران خارجی» می‌کند.

این کنش‌ها در دولایه عمل می‌کنند:

- ❶ نخست، عاطفی‌سازی و افزایش بار احساسی مطالبه مرخصی برای مشروعیت‌زدایی از رویه قضایی
- ❷ دوم، بازتعریف تاج‌زاده به عنوان نماد «اپوزیسیون نجیب» در برابر «عوامل خارجی»

تحلیل راهبردی

هدف مشترک کنش‌های مذکور، فشار بر دستگاه قضا برای قضا‌زدایی از پرونده‌های امنیتی و تبدیل محدودیت قانونی به نماد «بی‌رحمی ساختاری» است. با برجسته‌سازی «پرونده باز مرداد ماه» به عنوان بهانه ناگهانی، روایت «تأخیر عمدی برای محرومیت از مرخصی آخر هفته» ساخته می‌شود تا هزینه سیاسی هر تصمیم قضایی افزایش یابد. در شرایط جنگ ترکیبی و فشار معیشتی، این گفتمان‌سازی می‌تواند به تقویت شکاف ملت-حکومت و تضعیف اعتماد به نهادهای رسمی بینجامد. پاسخ قاطع و شفاف دستگاه قضا به اتهامات جدید، همراه با پرهیز از واکنش احساسی، تنها راه خنثی‌سازی این عملیات روانی است.

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ طرح موضوع آسیب‌پذیری زنجیره تأمین اف ۳۵ با مفقود شدن قطعات حساس در هنگ کنگ و گمانه‌زنی درباره احتمال بهره‌برداری اطلاعاتی چین
- ❖ برجسته‌سازی اختلاف آمار تلفات نظامیان آمریکایی با گزارش واشنگتن پست از کشته شدن دست‌کم ۲۲ تا ۲۳ نیرو در جنگ ایران
- ❖ پررنگ‌سازی افزایش هزینه جنگ ایران به بیش از ۴۳ میلیارد دلار با تمرکز بر مصرف مهمات و خسارت تجهیزات آمریکایی
- ❖ بازخوانی بلومبرگ از حمله آمریکا به مدرسه میناب به عنوان محصول اطلاعات منسوخ شتاب عملیاتی اتکای بیش از حد به هوش مصنوعی و تضعیف نظارت انسانی
- ❖ بازتاب درگیری مسلحانه زاهدان و استقرار نیروهای امنیتی در بستر باز نشر روایت‌های تأیید نشده درباره مجروحان و محدودیت‌های تردد
- ❖ برجسته‌سازی ورود دسته‌های تازه اف ۱۶ و اف ۳۵ آمریکا به اروپا در چارچوب گردش ناوگان و حفظ ظرفیت عملیاتی منطقه‌ای
- ❖ تأکید بر خروج اف ۱۵ و شماری از اف ۱۶‌های آمریکا از منطقه و تداوم ابهام درباره تراز نهایی استقرار جنگنده‌ها
- ❖ بازنمایی استمرار پل هوایی آمریکامیان اروپا و غرب آسیا با پروازهای ترابری به پایگاه‌های امارات اردن و عربستان
- ❖ پررنگ‌سازی حفظ شبکه شناسایی و فرماندهی آمریکا با حضور پهپادها و آواکس جنگ الکترونیک هواپیماهای شناسایی و گشت دریایی
- ❖ بازتاب انتقال تجهیزات و نفربرهای زرهی آمریکا از عراق به سمت مرز اردن به عنوان بخشی از بازآرایی منطقه‌ای نیروها
- ❖ تأکید بر استمرار محدودیت دریایی با افزایش شمار تجمعی کشتی‌های وادار شده به تغییر مسیر در گزارش‌های منتسب به سنتکام
- ❖ برجسته‌سازی آمادگی نیروی دریایی ایتالیا برای حفاظت احتمالی از کشتی‌های این کشور در باب المندب در صورت تشدید تهدیدات دریایی
- ❖ بازنمایی تداوم آمادگی دفاعی ایران با سازماندهی صدها هزار ثبت‌نام‌کننده پویش جان‌فدا و الحاق آنان به گردان‌ها و یگان‌های دفاعی

طرح موضوع احتمال دسترسی چین به فناوری حساس اف-۳۵ از مسیر مفقود شدن قطعات در هنگ کنگ

بر اساس گزارش اختصاصی پولیتیکو، محموله‌ای شامل قطعات جنگنده اف-۳۵ که برای تعمیر از استرالیا به آمریکا منتقل می‌شد، به طور غیرمنتظره به هنگ کنگ منحرف شده و بخشی از قطعات آن مفقود شده است؛ رخدادی که بررسی‌هایی را در پنتاگون و کنگره درباره احتمال افشای فناوری‌های حساس این جنگنده برانگیخته است.

طبق گزارش‌ها، در میان قطعات مفقود شده احتمالاً سایبان کابین اف-۳۵ نیز وجود داشته است؛ قطعه‌ای که بخشی از طراحی و مواد آن با قابلیت پنهان کاری جنگنده ارتباط دارد. وبگاه امنیت دفاعی آسیا مدعی شده حتی نمونه آسیب دیده یا غیر قابل استفاده این قطعه نیز می‌تواند برای بررسی مواد، پوشش‌ها و برخی ویژگی‌های فنی دارای ارزش اطلاعاتی باشد.

این رسانه همچنین حادثه را نشانه‌ای از آسیب‌پذیری احتمالی زنجیره تأمین جهانی اف-۳۵ دانسته است؛ شبکه‌ای که پنتاگون، لاکهید مارتین، مراکز تعمیر، انبارها و شرکت‌های حمل و نقل در کشورهای مختلف را به یکدیگر متصل می‌کند.

با این حال، تاکنون هیچ مدرک علنی درباره دستیابی دولت یا ارتش چین به قطعات مفقود شده منتشر نشده است و مشخص نیست تغییر مسیر محموله ناشی از خطای لجستیکی، نقص در فرایند حمل و نقل یا اقدامی هدفمند بوده است.

واشنگتن اگزومینر، تلگراف و تایمز اسرائیل نیز با بازتاب این موضوع، بر احتمال بهره‌برداری اطلاعاتی چین در صورت دستیابی به قطعات حساس تمرکز کرده‌اند.

اهمیت پرونده بیش از آنکه در اثبات دسترسی چین به فناوری اف-۳۵ باشد، در آشکار شدن یک آسیب‌پذیری امنیتی در زنجیره انتقال قطعات حساس است. در صورت اثبات دسترسی یک بازیگر خارجی به نمونه‌های واقعی، امکان مطالعه مواد و برخی ویژگی‌های طراحی افزایش می‌یابد؛ اما در شرایط فعلی، پیوند دادن مفقود شدن قطعات با دستیابی چین همچنان در سطح احتمال و گمانه‌زنی قرار دارد.

طرح ادعای پنهان ماندن بخشی از تلفات نظامیان آمریکایی در جنگ ایران از آمار رسمی پنتاگون

واشنگتن پست به نقل از شش مقام آمریکایی گزارش داده شمار نظامیان جان باخته آمریکا در خاورمیانه از آغاز جنگ ایران، بیش از آمار رسمی اعلام شده پنتاگون است. پنج منبع تعداد کشته‌ها

رأ دست کم ۲۲ نفر و منبعی دیگر ۲۳ نفر اعلام کرده‌اند؛ در حالی که پایگاه رسمی ثبت تلفات وزارت دفاع آمریکا تا روز جمعه تنها ۱۸ کشته را ثبت کرده است.

به نوشته این روزنامه، جزئیات مربوط به هویت، زمان، محل و علت مرگ برخی از این نیروها مشخص نیست و پنتاگون نیز به پرسش‌ها درباره اختلاف آماری پاسخ نداده است. سه پیمانکار آمریکایی مستقر در منطقه نیز از آغاز عملیات کشته شده‌اند.

واشنگتن پست یادآور شده دولت ترامپ پیش‌تر نیز به دلیل تغییر طبقه‌بندی و حذف موقت نام چهار نظامی کشته شده از آمار رسمی با انتقادهایی درباره شفافیت مواجه شده بود.

طبق داده‌های رسمی، بیش از ۸۲۰ نظامی آمریکایی زخمی شده‌اند و برآورد فرماندهی مرکزی آمریکا، هزینه جنگ تا اوایل سپتامبر را حدود ۴۳.۶ میلیارد دلار می‌داند که ۲۸ میلیارد دلار آن مربوط به مهمات مصرف شده است. این گزارش هم‌زمان با تشدید مخالفت‌ها در کنگره و کاهش حمایت افکار عمومی آمریکا از ادامه جنگ منتشر شده است.

برجسته‌سازی افزایش هزینه جنگ ایران به بیش از ۴۵ میلیارد دلار و تداوم ابهام درباره هزینه واقعی خسارت‌های آمریکا

انتشار برآوردهای تازه پنتاگون و فرماندهی مرکزی آمریکا، بار دیگر توجه رسانه‌ها را به روند افزایشی هزینه جنگ ایران معطوف کرده است. رقم جدید ۴۳.۶ تا ۴۵.۱ میلیارد دلار با برآورد ۳۳.۴ میلیارد دلاری گزارش قبلی بازرسی کل پنتاگون متفاوت است؛ زیرا گزارش بازرسی کل صرفاً هزینه‌های جنگ تا پایان ژوئن را پوشش می‌داد، در حالی که ارزیابی جدید هزینه‌ها را تا ۳ سپتامبر به روزرسانی کرده است. ادامه عملیات، افزایش مصرف مهمات، خسارت تجهیزات و هزینه‌های سوخت و پشتیبانی، مهم‌ترین عوامل رشد رقم اعلام شده هستند. با این حال، برآورد تازه نیز همچنان هزینه کامل تعمیر و بازسازی پایگاه‌ها و تأسیسات آسیب‌دیده آمریکا در منطقه را شامل نمی‌شود.

محورهای اصلی برآوردهای جدید درباره هزینه و پیامدهای مالی جنگ ایران

❶ سی‌ان‌ان گزارش داده پنتاگون هزینه جنگ را ۴۵.۱ میلیارد دلار اعلام کرده که شامل ۴۳.۶ میلیارد دلار هزینه تا ۳ سپتامبر و ۱.۵ میلیارد دلار هزینه اضافی سوخت است.

❷ واشنگتن پست رقم ۴۳.۶ میلیارد دلار را برآورد سنتکام دانسته و نوشته حدود ۲۸ میلیارد دلار آن صرف جایگزینی مهمات مصرف شده و بیش از ۴.۳ میلیارد دلار مربوط به تجهیزات آسیب‌دیده یا از دست رفته است.

❸ رشد هزینه مهمات از ۲۲.۳ میلیارد دلار در گزارش بازرسی کل تا پایان ژوئن به حدود ۲۸.۱ میلیارد دلار در اوایل سپتامبر، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش هزینه کل جنگ بوده است.

❖ واشنگتن تایمز نیز بر شتاب مصرف تسلیحات تمرکز کرده و نوشته هزینه مهمات طی مدت کوتاهی از ۲۱۰۷ به ۲۸۰۱ میلیارد دلار افزایش یافته و اکنون بیش از نیمی از هزینه جنگ را تشکیل می دهد.

❖ برآورد جدید همچنین از رقم ۳۸ میلیارد دلاری دفتر بودجه کنگره تا ابتدای اوت فراتر رفته است؛ نهادی که ادامه جنگ را ماهانه حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار هزینه زابراورد کرده بود.

جمع بندی

خط مشترک پوشش رسانه ای، حرکت از تمرکز صرف بر «هزینه عملیات» به سمت هزینه انباشته حفظ جنگ و بازتولید توان رزمی آمریکا است. افزایش مستمر هزینه جایگزینی مهمات، در کنار لحاظ نشدن بازسازی پایگاه های آسیب دیده، نشان می دهد ارقام کنونی همچنان برآوردی حداقلی از بار مالی جنگ محسوب می شوند.

بازخوانی زنجیره خطای آمریکا در حمله به مدرسه میناب با تمرکز بر اطلاعات منسوخ اتکای بیش از حد به هوش مصنوعی و تضعیف نظارت انسانی

در پی انتشار گزارش هیئت حقیقت یاب سازمان ملل، بلومبرگ در گزارشی با عنوان «درون زنجیره کشتار آمریکا که یک مدرسه ایرانی را نابود کرد» جزئیات تازه ای از تحقیقات داخلی پنتاگون درباره حمله به مدرسه شجره طیبه میناب منتشر کرده است. برخلاف گزارش هیئت حقیقت یاب که بر ابعاد حقوقی و مسئولیت آمریکا متمرکز بود، روایت بلومبرگ عمدتاً به چگونگی عبور یک هدف اشتباه از مراحل مختلف زنجیره هدف گیری ارتش آمریکا و مجموعه خطاهای انباشته ای می پردازد که نهایتاً به حمله انجامید.

به گفته مقام های درگیر در تحقیقات، محل مدرسه سال ها پیش به عنوان تأسیسات وابسته به سپاه در بانک اهداف آمریکا ثبت شده بود، اما با وجود تغییرات آشکار در کاربری و ساختار محل، طبقه بندی آن در پایگاه اصلی اطلاعاتی اصلاح نشد. حتی یک تحلیلگر آمریکایی از سال ۲۰۱۹ تغییرات این مجموعه را ثبت کرده بود، اما این اطلاعات در سامانه ای ذخیره شد که به پایگاه اصلی مورد استفاده در فرآیند هدف گیری متصل نبود.

بلومبرگ همچنین می نویسد در آستانه آغاز عملیات، فشار برای اجرای حمله ای گسترده و هدف قرار دادن بیش از هزار نقطه در روز نخست باعث شد برخی فرآیندهایی که در عملیات های پیشین ساعت ها زمان می برد، با استفاده از سامانه هوش مصنوعی «میون» ظرف چند دقیقه انجام شود. برخی نیروهای سنتکام نیز تصور می کردند این سامانه قادر است داده های قدیمی، تناقضات اطلاعاتی و نشانه های تغییر کاربری اهداف را به طور خودکار شناسایی کند؛ برداشتی که شرکت پالانتیر، سازنده این سامانه، مسئولیت آن را نپذیرفته و تأکید کرده کیفیت داده های ورودی همچنان

بر عهده دولت و نهادهای اطلاعاتی است.

هم‌زمان، کاهش حدود ۹۰ درصدی نیروهای واحدهای کاهش آسیب غیرنظامیان پنتاگون نیز یکی دیگر از لایه‌های نظارتی را تضعیف کرده بود. تیم مربوط به سنتکام از ۱۰ نفر به یک نفر کاهش یافته و بنا بر تحقیقات داخلی، هیچ عضو این واحد پیش از حمله مدرسه میناب را بررسی نکرده بود. **بلومبرگ سه عامل اصلی را در شکل‌گیری این خطای هدف‌گیری برجسته می‌کند:**

- ❖ فشار زمانی و شتاب عملیاتی: دستور دولت ترامپ برای اجرای یک حمله هوایی گسترده، زمان در دسترس برای بازبینی و به‌روزرسانی اطلاعات اهداف را به شدت محدود کرد.
- ❖ اتکای بیش از حد به هوش مصنوعی: بخشی از پرسنل نظامی به توانایی سامانه «میون» برای تشخیص نقص‌ها و تناقض‌های اطلاعاتی بیش از ظرفیت واقعی آن اعتماد کرده بودند.
- ❖ تضعیف نظارت انسانی: کاهش گسترده واحدهای بررسی آسیب غیرنظامیان در دوره وزارت پیت هگست باعث شد یکی از مهم‌ترین لایه‌های بازبینی مستقل پیش از حمله عملاً از چرخه تصمیم‌گیری کنار گذاشته شود.

جمع‌بندی

اهمیت گزارش بلومبرگ در آن است که یافته هیئت حقیقت‌یاب را از سطح صرفاً «انتساب مسئولیت حمله» به بحثی گسترده‌تر درباره نقص‌های ساختاری در فرآیند هدف‌گیری نظامی آمریکا منتقل می‌کند. برآیند تحقیقات داخلی توصیف شده نشان می‌دهد حادثه میناب نه حاصل یک تصمیم منفرد، بلکه نتیجه هم‌زمان اطلاعات منسوخ، شتاب در تصویب اهداف، کاهش ظرفیت‌های نظارتی و اعتماد بیش از حد به ابزارهای هوش مصنوعی بوده است. در این چارچوب، منتشر نشدن گزارش نهایی پنتاگون پس از گذشت چند ماه نیز به افزایش فشار کنگره برای روشن شدن سطح مسئولیت فرماندهی، کیفیت نظارت بر بانک اهداف و حدود اتکای ارتش آمریکا به هوش مصنوعی در تصمیمات مرگبار منجر شده است.

بازتاب و برجسته‌سازی درگیری مسلحانه زاهدان در بستر نارضایتی‌های محلی و باز نشر خبرهای امنیتی سیستان و بلوچستان

درگیری مسلحانه بامداد ۲۷ شهریور در زاهدان، با انتشار گزارش‌هایی از تداوم تیراندازی، استقرار نیروهای امنیتی و مجروح شدن شماری از افراد همراه شده است. **حال‌وش** (رسانه معاند پوشش دهنده اخبار منطقه سیستان و بلوچستان)، با انتشار روایت‌هایی از محل درگیری و محدودیت‌های تردد ارائه کرده است؛ با این حال، بازتاب این اخبار در کنار حوادث پیشین سیستان و بلوچستان و مواضع **مولوی عبدالحمید**، دامنه بازتاب حادثه را به مباحث سیاسی و امنیتی استان گسترش داده است.

درگیری شبانه در محدوده خیابان دانشگاه

بر اساس گزارش حال ووش، تیراندازی حدود ساعت ۳ دقیقه بامداد جمعه، در محدوده خیابان دانشگاه و اطراف خیابان دانشگاه آغاز شده و نزدیک به دو ساعت ادامه داشته است. این رسانه در ابتدا از درگیری نیروهای نظامی و امنیتی با سرنشینان یک پژوه ۴۰۵ خبر داده و سپس با انتشار تصاویر آثار اصاب ت گلوله بر بدنه خود و ویدئوهای دیگری از این درگیری حضور آمبولانس و انتقال مجروح رابه تصویر کشیده است.

روایت های تأیید نشده از مجروحان و محدودیت تردد

رسانه های معاند، استقرار نیروها در خیابان ها، ایجاد ایست های بازرسی و محدود شدن موقت برخی ورودی ها و خروجی های زاهدان را گزارش کرده اند. در روایت های بعدی، از مجروح شدن یک فرد مسلح، سه نیروی امنیتی و دوزن رهگذر سخن گفته شده است؛ حال ووش در گزارش اولیه خود، نبود اطلاعات موثق درباره هویت طرف های درگیری، علت تیراندازی و شمار تلفات را تصریح کرده بود. دژ تی وی نیز، تصاویر و گزارش های این منابع محلی را با ادبیاتی سیاسی و تقابلی بازنشر کرده است.

پیوند بازتاب حادثه با پیشینه تنش در استان

هم زمان، با گزارش حال ووش برخی رسانه های محلی درباره تیراندازی ۲۰ شهریور در محدوده رودماهی، با ادعای کشته شدن چهار نیروی منتسب به فاطمیون، و ویدئویی مربوط به ۲۴ شهریور با ادعای انتقال موتورسیکلت به پایگاه این منطقه بر بازنشر کرده اند. در سطح سیاسی نیز مولوی عبدالحمید در نماز جمعه، با انتقاد از وضعیت معیشتی و شیوه مواجهه با مطالبات، بر اعتماد سازی و اتکا به مردم محلی برای تامین امنیت منطقه تأکید کرده است.

جمع بندی و تحلیل

اهمیت امنیتی حادثه زاهدان، علاوه بر خود درگیری، به نحوه اتصال آن به نارضایتی های محلی و پیشینه تنش در استان مربوط است. انتشار تصاویر تیراندازی و استقرار نیروها، در شرایط فقدان روایت روشن از علت حادثه، زمینه گسترش برداشت های متفاوت را فراهم می کند. با این حال، تجمیع حوادث متعلق به زمان های مختلف مبنای کافی برای نتیجه گیری درباره گسترش هم زمان ناامنی در کشور و منطقه جنوب شرق نیست.

جایگزینی ناوگان هوایی آمریکا و تداوم آمادگی نظامی از پایگاه های منطقه تا باب المندب

تصویر کلی وضعیت

برآیند گزارش های موجود از جابه جایی جنگنده ها، استمرار پروازهای ترابری و حفظ استقرار

هواپیماهای پشتیبانی آمریکا، بیشتر با جایگزینی چرخشی نیروها و حفظ ظرفیت عملیاتی در منطقه سازگار است. خروج بخشی از جنگنده‌ها هم‌زمان با اعزام دسته‌های تازه به پایگاه‌های واسط اروپایی صورت گرفته؛ با این حال، رسیدن هواپیماها به اروپا، به تنهایی تأییدکننده استقرار نهایی آن‌ها در خاورمیانه نیست. انتقال تجهیزات زمینی آمریکا از عراق به سمت اردن، استمرار محدودیت دریایی، آماده‌سازی نیروی دریایی ایتالیا و سازماندهی نیرو در ایران نیز از تداوم آمادگی بازیگران حکایت دارد. مجموعه گزارش‌های آشکار از تحرکات نظامی آمریکا در منطقه، نشانه روشنی از پایان مأموریت‌های نظامی ارائه نمی‌کند، اما برای نتیجه‌گیری درباره افزایش خالص نیروها یا قریب‌الوقوع بودن حمله جدید نیز کافی نیست.

مؤلفه هوایی ورود دسته‌های تازه در کنار خروج جنگنده‌های مستقر

❖ بر اساس گزارش‌های موجود، روز ۲۹ اوت، ۱۲ فروند اف ۱۶ اسی بلاک ۴۲ متعلق به وینگ ۱۸۰ از پایگاه گارد ملی هوایی تولدوبه لاکس پرتغال رسیدند. مقصد نهایی این دسته خاورمیانه و احتمالاً اردن عنوان شده است.

❖ روز ۸ سپتامبر، هشت فروند اف ۱۵ ای در دو دسته چهارتایی با پشتیبانی سه هواپیمای سوخت‌رسان وارد لیکن‌هیث شدند. چهار فروند از این مجموعه به وینگ ۱۱۵ مستقر در تروکس نسبت داده شده‌اند. گزارش‌های آشکار، این انتقال را در چارچوب جایگزینی هشت اف ۱۵ ای روایت می‌کند که پیش‌تر از اردن خارج شده بودند؛ با این حال، زمان استقرار نهایی دسته جایگزین در منطقه روشن نیست.

❖ روز ۱۴ سپتامبر، ۱۲ فروند اف ۱۶ اسی بلاک ۴۲ متعلق به وینگ ۱۳۸ با همراهی شش سوخت‌رسان به اسپنگدالم آلمان منتقل شدند. در سامانه‌های آنلاین، گزارشی از ادامه مسیر این دسته به خاورمیانه وجود ندارد، اما برخی از نظامی‌نویسان معتقدند این جنگنده‌ها به خاورمیانه منتقل شده‌اند.

❖ روز ۱۵ سپتامبر، دسته‌ای شامل ۱۲ فروند اف ۱۶ اسی جی وایلدویزل، با احتساب دو فروند ذخیره، از وینگ ۱۴۸ دولوت راهی اروپا شد. طبق گزارش‌های منتشر شده، ده فروند روز ۱۶ سپتامبر در لاکس فرود آمدند و سپس با مقصد اعلامی خاورمیانه، احتمالاً اردن، برخاستند. حضور این گونه جنگنده، از منظر حفظ ظرفیت مقابله با پدافند هوایی اهمیت دارد؛ اما مأموریت مشخص دسته اعزامی اعلام نشده است.

مؤلفه گردش نیرو و خروج هواپیماها و ابهام در تراز نهایی استقرار

❖ در سوی دیگر برخی از گزارش‌ها از خروج ۱۲ فروند اف ۱۵ ای از منطقه و ورود آن‌ها به لیکن‌هیث در ۱۶ سپتامبر خبر می‌دهد. این هواپیماها به استقرار در موفق السلطی اردن نسبت داده شده‌اند و قرار

است به آمریکا بازگردند. جایگزینی آن‌ها با دسته‌ای تازه، از سوی نظامی نویسان به صورت مشکوک و غیرقابل تایید مطرح شده و هنوز نباید رخدادی قطعی تلقی شود.

❖ همچنین، خروج دست کم ۲۴ فروند اف ۱۶ با یگان نامشخص گزارش شده است. هم‌زمانی خروج‌ها با حرکت دسته‌های تازه، فرضیه گردش ناوگان را تقویت می‌کند.

❖ شاخص اصلی ارزیابی، تراز ورود و خروج تأیید شده و استمرار مأموریت‌هاست. شمار هواپیماهای مشاهده شده در اروپا به تنهایی نشان نمی‌دهد چه تعداد وارد منطقه شده‌اند یا چه میزان ظرفیت عملیاتی جایگزین شده است.

مؤلفه پشتیبانی استمرار پل هوایی و ثبات نسبی سوخت‌رسان‌ها

❖ مسیر ترابری آمریکا، اروپا و غرب آسیا، بنابر اطلاعات ارائه شده، طی هفته‌های اخیر فعال مانده است. از جمله در ۱۴ سپتامبر، پنج فروند سی ۱۷ ای از دولوث به اسپنگدالم رسیده‌اند و پروازهایی به پایگاه‌های الظفره امارات، شاهزاده حسین اردن و شاهزاده سلطان عربستان گزارش شده است. ❖ درباره هواپیماهای سوخت‌رسان نیز تغییر محسوسی در شمار کلی مستقر در منطقه و اروپا گزارش نشده و تحرکات عمدتاً به جابه‌جایی میان پایگاه‌های میزبان نسبت داده شده است.

مؤلفه شناسایی و فرماندهی احفظ شبکه پشتیبان عملیات

❖ برخی از رصدگران حوزه امنیتی و نظامی از حضور سه پهپاد ام کیو ۴ سی در سیگونلا، شمار نامشخصی ام کیو ۹ با محل استقرار احتمالی اردن و سیگونلا، شش آواکس ئی ۳ جی و شش هواپیمای ارتباطی ئی ۱۱ ای در شاهزاده سلطان حکایت دارد. پنج فروند ئی ۲ دی نیز به دوناوگروه بوش و واشنگتن نسبت داده شده‌اند.

❖ در همین گزارش، دو هواپیمای جنگ الکترونیک ئی ای ۳۷ بی و چهار هواپیمای شناسایی آرسی ۱۳۵ در خانیا و مجموعاً نه هواپیمای گشت دریایی پی ۸ ای در جیبوتی و بحرین ذکر شده‌اند. ❖ ترکیب برخی تحرکات نظامی اخیر، نشان‌دهنده حفظ ابزارهای هشدار زود هنگام، شناسایی، ارتباطات و مراقبت دریایی است.

مؤلفه زمینی و دریایی ا بازآرایی تجهیزات و استمرار محدودیت کشتیرانی

❖ المیادین از انتقال تجهیزات و نفربرهای زرهی آمریکا از الانبار به سمت مرز اردن خبر داده و آن را به روند خروج ائتلاف از عراق مرتبط دانسته است. بخشی از کامیون‌ها نیز پیش‌تر از اقلیم کردستان به الانبار حرکت کرده بودند. این انتقال می‌تواند بخشی از بازآرایی منطقه‌ای باشد؛ مقصد نهایی و مأموریت تجهیزات برای ارزیابی دقیق تر ضروری است.

❖ در حوزه دریایی، گزارش‌های منتسب به سنتکام از افزایش شمار تجمعی کشتی‌های وادار شده

به تغییر مسیر از ۱۰۴ به ۱۰۵ فروند حکایت دارد. این افزایش، استمرار اجرای محدودیت را نشان می‌دهد؛ اما نباید با شمار توقیف‌های یک‌گشتی‌های متوقف‌شده در یک شبانه‌روز یکسان گرفته شود.

مؤلفه باب‌المنذب و آمادگی داخلی ایران احفاظت از تردد و سازماندهی نیروی انسانی

❖ گیدو کروزتو، وزیر دفاع ایتالیا، از آماده‌سازی نیروی دریایی برای حفاظت احتمالی از کشتی‌های ایتالیایی در باب‌المنذب سخن گفته و تأکید کرده تصمیم رم الزاماً در انتظار مأموریت اروپایی «آسپیدس» نمی‌ماند. پیوند این موضع با نگرانی از اختلال ورود کالا و افزایش هزینه‌ها، اهمیت اقتصادی امنیت دریایی را افزایش داده است؛ هرچند باید توجه داشت، اعلام آمادگی هنوز معادل آغاز عملیات جدید نیست.

❖ در ایران، رئیس سازمان بسیج نیز از سازماندهی صدها هزار ثبت‌نام‌کننده پویش «جان‌فدا» و آغاز الحاق آنان به گردان‌ها و یگان‌های دفاعی خبر داده است. آموزش‌های مقدماتی و تکمیلی نیز پیش‌بینی شده.

❖ از سوی دیگری بی‌اس به نقل از مقام‌های آمریکایی از سرنگونی دست‌کم دو پهپاد در روزهای اخیر گزارش داده است. نبود جزئیات روشن درباره محل، مدل و شرایط رخداد، ارزیابی اثر عملیاتی این خسارت‌ها را محدود کرده است.

جمع‌بندی و چشم‌انداز

برآورد غالب، تداوم حضور عملیاتی آمریکا از طریق گردش ناوگان و حفظ شبکه پشتیبانی است. ورود دسته‌های تازه به اروپا، خروج جنگنده‌های مستقر و استمرار پل ترابری، با این برداشت سازگارند؛ اما افزایش خالص توان رزمی هنوز از داده‌های موجود قابل اثبات نیست. در مقابل، سازماندهی نیرو در ایران و آمادگی دریایی ایتالیا، استمرار برنامه‌ریزی برای مواجهه‌ای طولانی‌تر را نشان می‌دهد. تأیید ورود جنگنده‌ها به پایگاه‌های منطقه، تحقق جایگزینی اف‌۱۵‌ئی‌ها، تغییر شمار سوخت‌رسان‌ها و تبدیل آمادہ‌باش دریایی به مأموریت اجرایی اهمیت دارد.

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ اعتبارزدایی از برگزاری رزمایش جانفدایان با همزمان سازی آن با بحران‌های اقتصادی و معیشتی، القای ترس ج.ا.ا. از بازگشت اعتراضات و اقدامی برای مهار اعتراضات و سرکوب مخالفان و معترضان داخلی
- ❖ دوگانه سازی رزمایش جانفدایان با مسابقه دوی مارا تن تهران با حضور گسترده زنان بی حجاب با طرح ادعای سیاست‌های دوگانه ج.ا.ا. در موضوع حجاب
- ❖ ادعای سوءاستفاده نظامی و ایدئولوژیک از کودکان و نوجوانان در رزمایش جانفدایان با برجسته سازی حضور نوجوانان در این رزمایش
- ❖ مقایسه سازماندهی نوجوانان در رزمایش جانفدایان با الگوهای آلمان نازی، ایتالیای موسیلینی و عراق دوره صدام در چارچوب «گفتمان مشترک حکومت‌های دیکتاتوری برای استفاده ابزاری از ایدئولوژی و کودکان»
- ❖ اعتبارزدایی از شرکت کنندگان رزمایش جانفدایان با برجسب‌هایی چون لات، اراذل و اوباش، سیاهی لشکر و نیروهای سازماندهی شده
- ❖ تقلیل رزمایش جانفدایان به نمایش خیابانی، عدد سازی و ویتترین ساختگی اقتدار و فاقد حمایت مردمی
- ❖ بازنمایی نیروهای حاضر در رزمایش جانفدایان به عنوان سپر انسانی و لایه حفاظتی نیروهای کادری و با سابقه
- ❖ برجسته سازی حضور نیروهای یمنی و افغانستانی در رزمایش جانفدایان و زیر سؤال بردن ماهیت مردمی و ایرانی آن
- ❖ لجن پراکنی جنسی علیه رزمایش جانفدایان با طرح گزاره‌های «پدوفیلی» و «جهاد نکاح» درباره تصاویر زنان و دختران حاضر در مراسم بالباس عروس در کنار مردان
- ❖ تمسخر نمایش لباس فرماندهان نظامی شهید در رزمایش جانفدایان و بازنمایی آن به عنوان «نمایشگاه دستاوردهای نتانیا هو»
- ❖ تعمیم ماجرای ویدئوی ضرب و شتم نوجوان تبریزی توسط چند مأمور فراجا به کلیت رفتار نهادهای انتظامی و امنیتی با بازداشت‌شدگان و فضای حاکم بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها
- ❖ تمرکز بر گزاره «آزار جنسی کودک» در ماجرای ویدئوی ضرب و شتم نوجوان تبریزی و پیوند آن با ادعای نقض حقوق کودکان با القای نا کارآمدی سازوکارهای حمایتی
- ❖ ادراک سازی از همزمانی انتشار ویدئوی ضرب و شتم نوجوان تبریزی با سالگرد فوت مهسا امینی

به منظور تقویت ادعای «تداوم خشونت پلیس در ایران»

❶ تداوم هجمه علیه بازگشت چهره‌های اپوزسیون به کشور با بازنمایی خبر بازگشت احتمالی مسعود بهنود به ایران به عنوان بخشی از پروژه امنیتی، تبلیغاتی ج.ا.ا. برای تطهیر نظام و مشروعیت بخشی به اقدامات خود

❷ پیوند اعلام خبر بازگشت احتمالی مسعود بهنود به ایران با وقایع دی ماه و اجرای احکام اعدام و زندان متهمان آن وقایع در چارچوب همراهی با ساختار سرکوب نظام

رصد و تحلیل

تصویرسازی منفی جریان معاند از برگزاری رزمایش ۳۱۳ هزار نفری جانفدایان در تهران در چارچوب همزمانی با بحران‌های اقتصادی، اقدامی برای مهار اعتراضات و نمایش اقتدار مصنوعی

برگزاری رزمایش جانفدایان ایران با حضور ۳۱۳ هزار نفر در تهران در کانون توجهات رسانه‌ای قرار گرفت. در این میان رصدها نشان می‌دهد رسانه‌ها و کاربران ضدانقلاب و معاند به شیوه‌های مختلفی در صدد اعتبارزدایی از این مراسم بودند و سعی داشتند آن را در چارچوب نمایش اقتدار مصنوعی، نظامی‌سازی جامعه، کنترل خیابان به دلیل ترس از خیابان و تشدید شکاف میان حاکمیت و مردم بازنمایی کنند. در ادامه برخی مهم‌ترین سرفصل‌های عملیات روانی و رسانه‌ای ضدانقلاب مرور می‌شود:

۱. همزمانی برگزاری رزمایش امنیتی-نظامی با شرایط اقتصادی و بازنمایی آن به عنوان ابزار مهار اعتراضات

بخش مهمی از رسانه‌های معاند، برگزاری رزمایش را در کنار استمرار مشکلات اقتصادی و معیشتی قرار داده و تلاش کردند میان این دو موضوع دوگانه‌سازی کنند. در ادامه این خط، رزمایش نه اقدامی برای آمادگی در برابر تهدید خارجی، بلکه نشانه نگرانی ج.ا.ا. از افزایش نارضایتی‌ها، بازگشت اعتراضات و تلاشی برای کنترل خیابان و ایجاد ارباب در جامعه بازنمایی شد.

۲. دوگانه‌سازی رزمایش جانفدایان با مسابقه دوی تهران و برجسته‌سازی تناقض در سیاست حجاب

رسانه‌های ضدانقلاب با قرار دادن همزمان برگزاری رزمایش جانفدایان و مسابقه دوی ۱۰ کیلومتری تهران با حضور گسترده زنان بی‌حجاب در کنار یکدیگر، تلاش کردند تصویری متناقض از سیاست‌های ج.ا.ا. ارائه کنند. این جریان با برجسته‌سازی حضور زنان بدون حجاب در مسابقه و

مقایسه آن با حضور نیروهای بسیج و سپاه در رزمایش، این گزاره را مطرح کردند که حاکمیت از یک سو در برخی فضاها آزادی محدود و کنترل شده نشان می‌دهد و از سوی دیگر ساختارهای امنیتی و انضباطی خود را حفظ می‌کند. در برخی محتواها این وضعیت با تعبیری مانند «چماق و هوپج» و «آزادی کنترل شده» بازنمایی شد.

۳. بازنمایی حضور کودکان و نوجوانان به عنوان بهره‌بردار نظامی و ایدئولوژیک از آنان

حضور کودکان و نوجوانان یکی از پرتکرارترین محورهای فضا سازی بود. رسانه‌های معاند با برجسته کردن تصاویر نوجوانان در لباس‌های نظامی و همراه با سلاح، مدعی سوءاستفاده ج.ا.ا. از کودکان برای اهداف نظامی و ایدئولوژیک شدند. صدای آمریکا با مقایسه این تصاویر با سازماندهی جوانان و نوجوانان در آلمان نازی، حکومت موسیلمانی در ایتالیا و صدام در عراق، در صدد القای «بهره‌برداری‌های ایدئولوژیک نظام‌های دیکتاتوری از جوانان تحت لوای وطن‌دوستی» برآمدند.

۴. اعتبارزدایی از ترکیب شرکت‌کنندگان با برچسب لات، ارادل، سیاهی‌لشکر و نیروهای سازماندهی شده

طیفی از رسانه‌ها و کاربران ضدانقلاب برای تضعیف وجه مردمی رزمایش، شرکت‌کنندگان را با تعبیری مانند «لات»، «ارادل و اوباش»، «سیاهی‌لشکر» و «نیروهای سازماندهی شده» توصیف کردند. برخی رسانه‌ها نیز مدعی پرداخت مبالغه‌روانه به بخشی از حاضران شدند تا مشارکت در رزمایش را نه ناشی از حمایت داوطلبانه، بلکه محصول سازماندهی و مشوق مالی بازنمایی کنند.

۵. تقلیل رزمایش به نمایش تبلیغاتی، عدد سازی و ویتترین ساختگی اقتدار مردمی

یکی دیگر از خطوط عملیات روانی، زیر سؤال بردن آمار ۳۱۳ هزار نفری و تقلیل کل مراسم به یک «نمایش خیابانی» بود. کاربران معاند با انتشار تصاویر محدود از بخش‌هایی از مراسم، مدعی شدند جمعیت حاضر بسیار کمتر از آمار اعلام شده بوده است. در کنار آن، تعبیری مانند «پروپاگاندا»، «نمایش پرهزینه» و «ویتترین ساختگی اقتدار» برای بی اعتبار سازی وجه مردمی رزمایش به کار گرفته شد.

۶. بازنمایی نیروهای جانفدا به عنوان سپر نیروهای کادری و باسابقه

برخی کانال‌های معاند ادعا کردند تشکیل و آموزش نیروهای جانفدا با هدف حفاظت از نیروهای حرفه‌ای تر و کادری صورت گرفته و داوطلبان رانیه‌هایی «ارزان و قابل جایگزینی» معرفی کرده و مدعی هستند ج.ا.ا. در تقابل‌های احتمالی آینده، از آنان به عنوان لایه حفاظتی برای نیروهای باسابقه و کادرهای اصلی خود استفاده خواهد کرد.

۷. برجسته سازی حضور نیروهای یمنی و افغانستانی در رزمایش

حضور افرادی با پوشش یمنی و پرچم‌های منتسب به حوثی‌ها، زمینه دیگری برای هجمه رسانه‌ای

فراهم کرد. رسانه‌های معاند با برجسته کردن این تصاویر، مدعی استفاده ج.ا.ا از نیروهای نیابتی خارجی ج.ا.ا برای حضور در رزمایش شدند. برخی دیگر ادعای حضور افغان‌های عضو فاطمیون را مطرح و این موضوع را در راستای زیر سؤال بردن ماهیت مردمی و ایرانی مراسم بازنمایی کردند.

۸. لجن پراکنی جنسی با سوءاستفاده از تصویر دختران خردسال حاضر در مراسم

بخشی از کانال‌های ضدانقلاب با تمرکز بر تصاویر زنان با لباس عروس در کنار مردان مسلح، ادبیاتی توهین آمیز و جنسی را به کار گرفتند و تعبیری مانند «پدوفیلی» و «جهاد نکاح» را مطرح کردند تا حضور این افراد به موضوعی برای تخریب اخلاقی و لجن پراکنی علیه برگزارکنندگان رزمایش تبدیل شود.

۹. تمسخر نمایش لباس فرماندهان نظامی و بازنمایی آن به عنوان «نمایشگاه دستاوردهای نتانیاها»

نمایش لباس فرماندهان نظامی شهید در رزمایش روز گذشته با موجی از تمسخر و ادبیات توهین آمیز توسط کاربران حامی اسرائیل در جریان ضدانقلاب را به همراه داشت. برخی کاربران معاند این بخش از مراسم را نه یادبود فرماندهان، بلکه نمادی از خسارت‌های وارد شده به ج.ا.ا معرفی کرده و با تعبیری مانند «نمایشگاه دستاوردهای نتانیاها» تلاش کردند کارکرد نمادین این بخش را معکوس و آن را به نشانه‌ای از ضعف و آسیب پذیری نظام تبدیل کنند.

سوءاستفاده جریان ضدانقلاب از جریحه دار شدن عواطف و احساسات عمومی در ماجرای ضرب و شتم نوجوان تبریزی توسط چند مامور افراجه برای تعمیم آن به کلیت فضای حاکم بر زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و نهادهای انتظامی و امنیتی

انتشار و وایرال ضرب و شتم یک نوجوان در تبریز توسط چند مامور فراجه در روز پنجشنبه واکنش‌های گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. فرمانده انتظامی آذربایجان با تایید اصل ویدئو، آن را برای خرداد ماه سال جاری دانست و اعلام کرد ماموران خاطی «تنبیه و انتظار خدمت» شده‌اند. علاوه بر آن سازمان قضایی نیروهای مسلح با ورود به پرونده مذکور، اعلام کرد که ماموران متخلف در این پرونده بازداشت شدند و خبرگزاری میزان نیز تاکید کرد که دستگاه نیز برای این ماموران پرونده قضایی تشکیل داده است.

جریان ضدانقلاب با بهره برداری از حساسیت موضوع و سوءاستفاده از جریحه دار شدن احساسات و عواطف کاربران و افکار عمومی نسبت به ویدئوی وایرالی، اقدام به انتشار فراخوانی برای برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل استانداری آذربایجان شرقی برای روز جمعه کرد. بنابر صداهای صورت گرفته در شبکه‌های اجتماعی فراخوان مذکور با عدم استقبال مردم تبریز و آذری زبان و بی‌اعتنایی آن‌ها همراه شد.

با این وجود رصد رسانه‌های ضدانقلاب نشان می‌دهد که با وجود اعلام رسمی برخورد قضایی و انتظامی با مأموران متخلف از سوی نهادهای قضایی نیروهای مسلح، تلاش برای فضا سازی علیه ج.ا.ا. با تعمیم برخورد صورت گرفته به کلیت فضای حاکم بر زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و نهادهای انتظامی و امنیتی انجام شده و این رسانه‌ها به دنبال معنا سازی از همزمانی این موضوع با سالگرد فوت مهسا امینی شدند.

تعمیم ماجرای تبریز به الگوی رفتاری در بازداشتگاه‌ها و نهادهای انتظامی و امنیتی

ایران اینترنشنال ماجرای نوجوان تبریزی را از رفتار چند مأمور فراتر برد و با ارجاع به ادعاهای پیشین درباره ضرب و شتم، تحقیر و خشونت جنسی علیه بازداشت‌شدگان در زندان‌ها، این اتفاق را رویه‌ای ساختاری در ج.ا.ا. تلقی کرد. آواتودی فارسی و بی‌بی‌سی فارسی با طرح این پرسش که «وقتی پلیس مقابل دوربین دست به چنین کارهایی می‌زند، معلوم نیست در بازداشتگاه و پشت درهای بسته چه به سر بازداشت‌شدگان می‌آورد.» همین خط رسانه‌ای را دنبال کرد.

تمرکز بر گزاره «آزار جنسی» در پیوند با مسئله حقوق کودک

ایران اینترنشنال همچنین پایین کشیده شدن لباس نوجوان تبریزی در این رخداد را ذیل پرونده «آزار جنسی کودک» صورت‌بندی و مباحثی درباره حقوق افراد زیر ۱۸ سال، حدود اختیارات پلیس و بلا تکلیفی «پلیس اطفال» مطرح کرد و مدعی شد اعلام برخورد با مأموران خاطی کافی نیست و مسئولیت را متوجه ساختار حکمرانی کرد.

پیوند ماجرای تبریز با سالگرد مهسا امینی و سوابق تاریخی بازداشت‌ها

صدای آمریکا انتشار ویدئوی تبریز را به چهارمین سالگرد فوت مهسا امینی پیوند زد و سپس با یادآوری برخی پرونده‌های جنجالی قدیمی و اتهام‌زنی‌های پیشین علیه نظام پیرامون افرادی چون زهراکاظمی و ستار بهشتی و همچنین زندان کهریزک، ماجرای تبریز را در امتداد این موارد قدیمی و سابق درباره رفتار با بازداشت‌شدگان صورت‌بندی کرد. بی‌بی‌سی فارسی نیز همزمانی انتشار ویدئوی تبریز با سالگرد مهسا امینی را نشانه‌ای برای طرح ادعای «تداوم خشونت پلیس» قرار داد.

تداوم هجمه طیف سلطنت‌طلب و حامی خارجی به ایران در جریان ضدانقلاب پیرامون بازگشت چهره‌های اپوزسیون به کشور به بهانه انتشار خبر بازگشت احتمالی مسعود بهنود به ایران

مسعود بهنود، تهیه‌کننده سابق بی‌بی‌سی فارسی که بیش از دودهمه قبل از ایران مهاجرت کرده بود، روز چهارشنبه در گفت‌وگو با «خبرآلین» با حمایت از ایران در جنگ با آمریکا و اسرائیل خبر داد که تا قبل از نوروز ۱۴۰۶ به ایران بازخواهد گشت. اعلام این خبر را باید در چارچوب سیاست

بازگشت برخی چهره‌های اپوزسیون نظام به ایران همچون قیصر، صدف طاهریان و محسن نامجو در ماه‌های اخیر دانست. با این حال رصدها از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نشان می‌دهد که **کاربران جنگ طلب و حامی حمله خارجی به ایران (علی‌الخصوص طیف سلطنت طلب و حامی رضا پهلوی) حمله و هجمه گسترده‌ای را علیه مسعود بهنود به راه انداختند.** این طیف از کاربران ضدانقلاب پیش از این نیز هجمه گسترده‌ای علیه مخالفان نظام که تصمیم به بازگشت به ایران را داشتند، ترتیب داده بودند.

کاربران مذکور در رابطه با بازگشت مسعود بهنود:

۱. بازگشت احتمالی بهنود را بخشی از پروژه نهادهای امنیتی ج.ا.ا برای بازگرداندن اپوزسیون و بهره‌برداری تبلیغاتی بازنمایی کرده و او را با ادبیاتی مانند «چهره‌های صادراتی» وابسته به حاکمیت معرفی می‌کنند.

۲. بازگشت بهنود را «پروژه تطهیر» ج.ا.ا نامیده و با مقایسه آن با بازگشت ماکسیم گورکی به شوروی، ادعای می‌کنند حاکمیت از این افراد برای خنثی‌سازی انتقادات استفاده می‌کند.

۳. با بازخوانی سوابق او از پخش تصویر امام خمینی در سال ۱۳۵۷ تا حضور کوتاه در حوزه علمیه، نداشتن مدرک دانشگاهی و دفاع از مواضع ج.ا.ا، تلاش کرده‌اند وابستگی دیرینه او به حاکمیت را القا کنند.

۴. با برجسته‌سازی اجرای احکام اعدام متهمان آشوب‌های دی ماه، زندان، مصادره اموال و مشکلات معیشتی آن‌ها، بازگشت امثال مسعود بهنود را همراهی با ساختار سرکوب و پروژه تطهیر نظام بازنمایی می‌کنند.

۵. با بازنشر ادعاهایی درباره اجرای اتوبوس ارمنستان در دهه هفتاد، بهنود را به همکاری اطلاعاتی با ج.ا.ا و وزارت اطلاعات متهم کرده و مدعی هستند مأموریت او اقناع نویسندگان و منتقدان برای بازگشت به ایران است.

۶. ادعای می‌کنند ج.ا.ا همزمان با تضعیف موقعیت خود، در پی جذب مخالفانی است که در جریان جنگ از ایران حمایت کرده‌اند تا از آنان برای مشروعیت بخشی سیاسی و امنیتی بهره بگیرد.

بررسی و ارزیابی روندهای اقتصادی و معیشتی

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

واکنش ها به اظهارات یاشار سلطانی درباره شبکه فروش نفت

جریان اصلاح طلب و رسانه های منتقد

- ❖ برجسته سازی نسبت خانوادگی روح الله رضوی با سخنگوی جبهه پایداری برای پیوند زدن ادعای فروش ۱۷ میلیارد دلار نفت با وابستگی سیاسی
- ❖ بازنمایی منافع شبکه های فروش نفت تحریمی به عنوان زمینه احتمالی مخالفت جریان های منتفع از تحریم با موفقیت دیپلماسی
- ❖ طرح ادعای انتفاع اقتصادی شبکه های فروش غیرشفاف نفت از برهم خوردن تفاهم اسلام آباد در چارچوب روایت «کاسبان تحریم و جنگ»
- ❖ پررنگ سازی ادعای فروش بیش از ۳۰ میلیارد دلار نفت توسط حسین شمشانی برای برجسته کردن جایگاه او در شبکه واسطه ها
- ❖ وزن دهی به پیوند پایداری، رانت نفتی و مخالفت با دیپلماسی در بازنشر گفت و گو، بیش از جزئیات فنی گردش پول

جریان اصولگرا

- ❖ بازتاب ادعاهای بدهی تراستی ها و نامشخص بودن سرنوشت درآمد نفت با تأکید بر ضرورت بررسی مسئله و بازگشت منابع
- ❖ انتقاد از تمرکز گزینشی سلطانی بر پایداری و شمشانی با تأکید بر تقلیل مسئله ساختاری تراستی ها به نزاع جناحی
- ❖ بازنمایی شبکه فروش نفت تحریمی به عنوان ساختاری چند جناحی با حضور وابستگان دولت های مختلف و مجموعه های امنیتی و اقتصادی
- ❖ بازخوانی نقش دولت روحانی و وزارت بیژن زنگنه در شکل گیری سازوکارهای واسطه ای برای تعدیل تمرکز اتهامات بر پایداری
- ❖ تشکیک در پیوند فساد تراستی ها با حمله به کشتی ها و انتقاد از اتصال پرونده اقتصادی به نتیجه گیری سیاسی سلطانی

جریان عدالت خواه

- ❖ طرح مطالبه انتشار تمامی اسامی، قراردادها و بدهی های تراستی ها با تأکید بر جلوگیری از محدود شدن رسیدگی به چهار نفر
- ❖ طرح مطالبه پیگیری ادعاهای مربوط به باوند، رضوی و شمشانی از مجلس و حسین صمصامی

در چارچوب پاسخ‌گویی نظارتی

❖ تأکید بر بررسی مستقل قضایی قراردادها، تضامین و گردش وجوه بدون ملاحظه نسبت خانوادگی، وابستگی جناحی و حاشیه امنیت

❖ برجسته‌سازی ضرورت تعیین میزان نفت تحویلی، زمان بازگشت درآمد و نهاد مسئول منابع وصول نشده به عنوان معیار رسیدگی به پرونده

❖ تشکیک در مستندات ارتباط فساد نفتی با حمله موشکی و تفاهم اسلام‌آباد با مطالبه تفکیک فسادستیزی از تحلیل اثبات نشده

کاربران و رسانه‌های انقلابی

❖ انتقاد از خودسرانه خواندن اقدام نظامی در روایت سلطانی با تأکید بر تقویت روایت آمریکا درباره علت فروپاشی تفاهم اسلام‌آباد

❖ بازنمایی حمله موشکی به کشتی‌ها به عنوان واکنش به نقض تفاهم و تحولات هرگز در برابر انتساب آن به تراستی‌ها

❖ تشکیک در انتفاع قطعی تراستی‌ها از جنگ و محاصره با برجسته‌سازی وابستگی درآمد نفتی به عبور نفتکش‌ها و استمرار تجارت

❖ برجسته‌سازی نگرانی از افشای اسامی و مسیرهای فروش نفت با تأکید بر تسهیل شناسایی شبکه دورزدن تحریم توسط آمریکا

❖ طرح مطالبه تبیین و بررسی قضایی ادعاهای مرتبط با عملیات نظامی با تفکیک آن‌ها از پیگیری فساد و بدهی تراستی‌ها

جریان معاند و برانداز

❖ تصویرسازی منفی از کلیت ساختار جمهوری اسلامی با تعمیم ادعاهای فساد چند شبکه فروش نفت به فساد ساختاری نظام

❖ برجسته‌سازی ادعاهای منفعت ۱،۵ میلیارد دلاری چهار فروشنده و نامشخص بودن سرنوشت ۱۰۰ میلیون بشکه نفت در پوشش ایران اینترنشنال

❖ مقایسه هزینه ادعایی چهار میلیون دلاری انتقال هر نفتکش با ارتباط بانکی عادی برای برجسته‌سازی هزینه‌های اقتصاد تحریمی

❖ بازنمایی تحریم به عنوان منبع رانت داخلی با کاربرد تعبیر «الیگارشی تحریمی» و القای ناکافی بودن تغییر افراد برای رفع فساد

❖ تحریف دامنه اظهارات سلطانی با الصاق عنوان «اختلاس ۴۱ میلیارد دلاری» در برخی کانال‌های معاند، بدون تصریح متن اصلی

- ❖ مقایسه سود ادعایی ۱٫۵ میلیارد دلاری چهار فروشنده نفت با ناتوانی مردم در تأمین دارو برای برجسته‌سازی شکاف معیشتی
- ❖ برجسته‌سازی ارقام فروش ۳۰ میلیارد دلاری و ادعای نفت گم‌شده در واکنش‌های عمومی، بیش از جزئیات نهادی فروش نفت
- ❖ طرح مطالبه روشن شدن متولی فروش و محل درآمدهای نفتی با محور پرسش «پول نفت کجاست؟» و اعتراض به فقدان پاسخ‌گویی
- ❖ القای تداوم شبکه‌های فساد با وجود جابه‌جایی افراد در بخشی از واکنش‌های بدبینانه کاربران به پرونده فروش نفت تحریمی
- ❖ تشکیک در منشأ اسناد سلطانی و علت انتشار گزینشی اسامی با پرسش درباره تمرکز رسانه‌ای بر چند فرد خاص
- ❖ برجسته‌سازی افزایش قیمت پیشنهادی مسکن تهران به متری ۲۲۴ میلیون تومان در گزارش رصدخانه، هم‌زمان با ضعف تقاضای مصرفی
- ❖ بازنمایی انصراف فروشندگان در آستانه قرارداد به عنوان پیامد انتظار افزایش قیمت و تردید درباره محل سرمایه‌گذاری وجوه حاصل از فروش
- ❖ برجسته‌سازی معامله آپارتمان ۱۶ میلیارد تومانی با دلار، طلا و خودرو برای نمایش نقش تبدیل دارایی در تحرک معاملات
- ❖ مقایسه کاهش قیمت دلاری مسکن با افزایش قیمت ریالی در روایت عبده تبریزی با تأکید بر چسبندگی قیمت و ضعف درآمد
- ❖ انتقاد از دسترسی نامتوازن به مسکن ملی با برجسته‌سازی سهم دوبرابری دهک دهم نسبت به اول و اقساط خارج از توان
- ❖ برجسته‌سازی گسترش تحریم آمریکا از بیت‌بانک به شرکت نرم‌افزاری و افراد مرتبط برای نمایش فشار بر زیرساخت مالی دیجیتال
- ❖ بازتاب ادعای خزانه‌داری آمریکا درباره انتقال صدها میلیون دلار بیت‌کوین به سپاه، همراه با اشاره به منتشر شدن جزئیات عمومی تراکنش‌ها
- ❖ بازخوانی لغو مجوز شعبه استانبول بانک ملت در امتداد محدودیت‌های پیشین سوئیفت و انتقال وجوه، با تفکیک ماهیت تصمیم ترکیه
- ❖ بازنمایی هم‌زمان دو پرونده در رسانه‌های معاند به عنوان تشدید انزوای مالی ایران و ضربه به مسیرهای ارتباط مالی خارجی

- ❖ برجسته‌سازی افزایش هزینه سوخت، کود و تجهیزات کشاورزی آمریکا در گزارش سی‌بی‌اس با محور قرارگرفتن تولیدکنندگان در «وضعیت بقا»
- ❖ بازتاب افزایش هزینه سوخت جت و کاهش ظرفیت برخی ایرلاین‌های اروپایی در گزارش رویترز به عنوان پیامد اقتصادی جنگ ایران
- ❖ مقایسه فشار هزینه بر کشاورزان آمریکایی با جبران بخشی از زیان ایرفرانس از طریق افزایش بلیت و درآمد سفرهای ممتاز
- ❖ برجسته‌سازی فاصله قیمت گوشت در بازار و میادین در پوشش تجارت نیوز با تمرکز بر فشار هزینه خوراک بر خانوار
- ❖ بازتاب مطالبه اتحادیه مرغداران برای فروش مرغ زنده با کف ۲۰۰ هزار تومان در چارچوب ادعای زیان تولیدکنندگان
- ❖ بازنمایی انباشت هزینه نوشت‌افزار، لباس و رفت‌وآمد در ایران اینترنشنال با پیوند زدن فشار اقتصادی خانوار به بازماندگی نوجوانان از تحصیل
- ❖ برجسته‌سازی شهریه‌های ۱۷۲ تا ۲۲ میلیون تومانی مدارس غیردولتی در کانال اعتراض مدنی بازار برای روایت طبقاتی شدن دسترسی به آموزش
- ❖ بازنمایی لپ‌تاپ‌های ۵۵ تا ۱۰۰ میلیون تومانی به عنوان مانع تأمین ابزار آموزشی، به ویژه برای خانواده‌های دارای چند فرزند
- ❖ طرح موضوع پیامد ممنوعیت واردات لوازم خانگی از مسیر ملوانی و کولبری بر قیمت مصرف‌کننده و معیشت مرزنشینان در اکوایران
- ❖ تحریک مخالفت سیاسی در رسانه سازمان مجاهدین خلق با پیوند زدن گرانی نوشت‌افزار به محرومیت تحصیلی و فشار بر خانواده‌ها
- ❖ بازنمایی کاهش برنت از ۱۰۵ به ۱۰۳ دلار در کنار استمرار فشار گاز و گازوئیل برای تفکیک وضعیت بازارهای انرژی
- ❖ برجسته‌سازی امید عربستان به احیای نیمی از ظرفیت خط لوله شرق-غرب در وال استریت ژورنال با تأکید بر دورزدن هرمز
- ❖ بازتاب کاهش کمتر از انتظار ذخایر نفت آمریکا و افزایش ذخایر فرآورده‌ها به عنوان عوامل تعدیل فشار صعودی قیمت نفت
- ❖ برجسته‌سازی دیزل ۲۱۰ دلاری اروپا و اعتراض ماهیگیران فرانسوی با تمرکز بر پیامد کاهش ظرفیت پالایش و محدودیت عرضه
- ❖ بازنمایی ذخایر ۶۷ درصدی گاز اروپا و اختلال صادرات قطر و امارات در مسیر اقتصاد با محور

- ❖ بازتاب افزایش صادرات فرآورده‌های چین و کاهش موقت مالیات سوخت آلمان در چارچوب تلاش برای جبران فشار عرضه و هزینه
- ❖ برجسته‌سازی تغییر برتری تقاضای ۱۸,۵ همتی ابتدای معاملات به غلبه عرضه در گزارش بورس ۲۴ برای نمایش ناپایداری شروع مثبت
- ❖ بازتاب گسترش افت بازار به ۶۲۷ نماد منفی و افزایش صف‌های فروش در اقتصاد نیوز با تأکید بر فراگیری فشار عرضه
- ❖ برجسته‌سازی عبور تعداد صف‌های فروش از ۵۰۰ مورد تا ساعت ۱۱ در کنار خروج ۵,۳ همت پول خرد
- ❖ بازتاب جمع‌آوری صف‌های فروش تاسیکو و ووهان با مشارکت حقوقی‌ها در بورس ۲۴ به عنوان حمایت موردی در میانه فشار عمومی
- ❖ برجسته‌سازی خروج نهایی ۶,۱ همت پول حقیقی و افت حدود ۱۰۹ هزار واحدی شاخص در کنار معاملات خرد ۴۶ همتی
- ❖ بازنمایی تهدیدهای ترامپ، نااطمینانی سیاسی و شناسایی سود پس از رشد هفته قبل به عنوان زمینه‌های فشار فروش در روایت رسانه‌ها
- ❖ بازتاب بازگشت دلار به ۲۲۸ هزار تومان و سکه به کانال ۲۳۵ میلیون تومان پس از عقب‌نشینی هفتگی بازارها
- ❖ برجسته‌سازی دوبرداشت توافق یا حمله مجدد از اظهارات ترامپ در تجارت نیوز به عنوان زمینه احتیاط و خودداری معامله‌گران از خرید سنگین
- ❖ مقایسه افزایش ابتدای هفته با افت هفتگی ۳,۷۲ درصدی طلای ۱۸ عیار برای تعدیل تصویر جهش یک‌طرفه قیمت‌ها
- ❖ بازنمایی اثر هم‌زمان تقاضای احتیاطی جهانی طلا و کاهش دلار داخلی بر محدود شدن انتقال رشد اونس به بازار ایران
- ❖ بازتاب دعوت پزشک‌های به صرفه‌جویی بنزین، گاز و برق با تأکید بر مشارکت پویش جان‌فدا برای جلوگیری از توقف کارخانه‌ها
- ❖ تشکیک سید حمید حسینی در کفایت افزایش نرخ سوم بنزین برای کاهش مصرف با مطالبه برنامه جامع اصلاح ساختار انرژی
- ❖ طرح پیشنهاد کارت انرژی خانوار توسط حسینی با محور تعیین سقف مصرف گاز و برق متناسب با مشخصات خانوار

- ❖ انتقاد محمد رشیدی از محدودیت واردات و کیفیت خودروهای داخلی با پیوند زدن کاهش مصرف سوخت به نوسازی ناوگان
- ❖ برجسته سازی هشدار یزدان پناه درباره سرایت اصلاح سریع قیمت انرژی به زنجیره های تولید با تأکید بر اهمیت سرعت و شیوه اجرا
- ❖ بازتاب تقابل رسول جلیلی و رشیدی کوچی درباره عقلانیت فیلترینگ با برجسته سازی دعوت به مناظره و اختلاف بر سر رفع محدودیت
- ❖ برجسته سازی ارزیابی رشیدی کوچی از خسارت فیلترینگ به کسب و کارها و اعتماد عمومی، فراتر از گردش مالی بازار فروش فیلتر شکن
- ❖ بازتاب مقایسه فیلترینگ با گشت ارشاد و نگرانی رشیدی کوچی از تداوم حضور صاحبان دیدگاه های تندرو در جایگاه های تصمیم گیری
- ❖ برجسته سازی روایت «کارشکنی در مسیر باز شدن اینترنت» در اقتصاد آنلاین با تمرکز بر اختلاف در ساختار تصمیم گیری، بدون معرفی جزئیات عاملان
- ❖ بازنمایی توقف رشد بازارهای آنلاین در گزارش پیوست تحت تأثیر جنگ، قطعی اینترنت، تورم و افزایش اتکاب به خرید اعتباری
- ❖ برجسته سازی اعلام کف افزایش ۳۰۰ هزار تومانی کالا برگ توسط وزیر اقتصاد در کنار نامشخص بودن دهک های مشمول و جزئیات اجرا
- ❖ بازتاب پیشنهاد کالا برگ ۱،۵ تا دو میلیون تومانی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با تأکید بر جبران نوسانات ارز و فشار اقتصادی
- ❖ طرح موضوع رقم ۲،۵ میلیون تومانی و پیشنهاد منابع ۷۵۰ همتی در اظهارات بابایی با تفکیک آن از تصمیم نهایی
- ❖ مقایسه اعتبار حمایتی با قیمت ادعایی سه میلیون تومانی کیسه برنج در کانال اعتراض مدنی بازار برای نمایش افت قدرت خرید
- ❖ برجسته سازی ناکافی بودن کالا برگ برای خرید یک کیلو گوشت منجمد در ایلنا با تمرکز بر فاصله حمایت اسمی و دسترسی غذایی
- ❖ بازنمایی فشار برای استیضاح وزیران اقتصادی به عنوان دعوای سیاسی در اظهارات پازوکی با مطالبه تمرکز مجلس بر نظارت سیاستی
- ❖ انتقاد پیمان قربانی از تخصیص ارز به گوشی های گران قیمت و خودروهای لوکس در شرایط جنگی و گرانی غذا و دارو
- ❖ تشکیک قربانی در حذف رانت از طریق افزایش نرخ ارز با دفاع از امکان تخصیص ارز ارزان تر به

نیازهای ضروری

- ❖ برجسته سازی فاصله نرخ پس انداز ۳۶ درصدی با سرمایه گذاری خالص منفی یا نزدیک صفر در اظهارات مدنی زاده برای توضیح ضعف سرمایه گذاری
- ❖ بازتاب معرفی صندوق های ارزی و ابزارهای پوشش ریسک توسط وزیر اقتصاد با هدف هدایت دارایی های مردم به سرمایه گذاری مولد

رصد و تحلیل

بازتاب گسترده اظهارات یاشار سلطانی درباره شبکه فروش نفت و مناقشه بر سر نقش تراستی ها در تفاهم اسلام آباد

یاشار سلطانی، روزنامه نگار افشاگر اصلاح طلب، در قسمت تازه برنامه یوتیوبی «راه دیگر» با عنوان «نفت در یک ایران معمولی چگونه فروخته می شود؟» به تشریح روایت خود از ساختار فروش نفت تحریمی، نقش تریدرها و تراستی ها، ورود نهادهای امنیتی به این فرایند و فقدان مسئولیت پذیری مشخص پرداخت. انتشار بخش هایی از این گفت و گواز ۲۷ شهریور، در کانال شخصی سلطانی و سپس در تلگرام، ایتا، اینستاگرام و ایکس، بازتاب قابل توجهی در میان طیف های اصولگرا، اصلاح طلب، عدالت خواه، انقلابی، جریان های معاند و کاربران عمومی پیدا کرده است.

جمع بندی کوتاه از واکنش ها

- ❖ اصولگرایان: اصل مسئله پرداختن به تراستی ها را جدی و اما تمرکز گزینشی بر پایداری و شمشانی راجحانی دانسته اند؛
- ❖ اصلاح طلبان: بخش های مربوط ارتباط تراستی ها به جریان پایداری، ادعاهایی پیرامون کاسبان تحریم و منافع مخالفان دیپلماسی را برجسته و گسترده بازنشر کرده اند؛
- ❖ عدالت خواهان: بر فراگیر بودن فساد، انتشار همه اسامی، پاسخ گویی نهادهای رسیدگی قضایی بدون ملاحظه جناحی تأکید کرده؛
- ❖ معاندین و براندازان: روایت را از فساد چند شبکه به فساد ساختاری کل نظام تعمیم داده اند؛
- ❖ جریان انقلابی: ادعای نقش تراستی ها در حمله موشکی به کشتی های تجاری در همزمان با اجرای تفاهم نامه اسلام آباد را رد و آن را تضعیف روایت دفاعی کشور دانستند؛
- ❖ و در نهایت کاربران عمومی: بیشتر بر ارقام نجومی ادعایی، اظهارات مرتبط با بخش گم شدن نفت، فاصله با معیشت و پرسش «پول نفت کجاست؟» متمرکز شدند؛

گزاره های مهم اظهارات یاشار سلطانی

سلطانی مدعی شد ساختار سالم فروش نفت باید یک متولی مشخص، خریدار معلوم،

مسیر روشن بازگشت پول و مسئول پاسخگو برای هر محموله داشته باشد. او گفت در ایران اطلاعات مربوط به میزان فروش، مشتریان، قیمت، واسطه‌ها، بدهکاران و درآمدهای وصول نشده محرمانه است و همین امر پاسخ‌گویی را تضعیف کرده است. سلطانی شکل‌گیری سازوکار فعلی را به سال‌های بازگشت تحریم در دولت روحانی نسبت داد و گفت کارگروه نفت شورای عالی امنیت ملی به تصمیم‌گیری وارد شد. به روایت او، حضور هم‌زمان وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، قوه قضائیه، مجلس، وزارت نفت و شرکت ملی نفت، مسئولیت را میان نهادهای متعدد پراکنده کرده است. او مدعی شد در شبکه‌های مرتبط با فروش تحریمی نفت، از شرکت‌های واسطه تا مجموعه‌های وابسته، حدود ۱۶۰۰ نفر را طی تحقیقات خود شناسایی کرده است. سلطانی گفت شمار تریدرهای فعال از حدود ۱۴۷ نفر به ۵۶ نفر کاهش یافت و در مرحله تازه، فروش عمده نفت به چهار نفر سپرده شده است. او نام حسین شمخانی، روح‌الله رضوی، علی بایندریان و محمد هادی مؤمنین را به عنوان چهار چهره فعال در تیم تازه فروش نفت ایران در سال‌های اخیر مطرح کرد. سلطانی مدعی شد حدود ۸۰ تا ۸۵ میلیون بشکه نفت در اختیار این چهار نفر قرار گرفته و تخفیف فروش، حدود ۱۰۵ میلیارد دلار منفعت ایجاد کرده است. او درباره روح‌الله رضوی، با اشاره به نسبت خانوادگی او با سخنگوی جبهه پایداری، مدعی شد حجم فروش نفت منتسب به وی به ۱۷ میلیارد دلار رسیده است. سلطانی درباره حسین شمخانی نیز مدعی شد او طی سال‌های گذشته بیش از ۳۰ میلیارد دلار نفت فروخته و در شبکه فروش تحریمی نقش برجسته داشته است. او به نقل از یک مقام نظارتی مدعی شد سرزشت حدود ۱۰۰ میلیون بشکه نفت صادراتی روشن نیست و معلوم نشده درآمد حاصل از آن کجا قرار دارد. سلطانی «خالی خوانی» را سازوکاری توصیف کرد که در آن تراستی وصول پول را اعلام می‌کند، اما وجه هنوز به بانک مرکزی تحویل نشده و دوباره به کار گرفته می‌شود. او گفت بازگشت پول نفت گاهی ۴۵ تا ۹۰ روز طول می‌کشد و تراستی‌ها در این فاصله از رسوب پول، کارمزد و تبدیل ارز منتفع می‌شوند. سلطانی مدعی شد هزینه کارمزد و انتقال هر نفتکش می‌تواند نزدیک چهار میلیون دلار باشد، در حالی که در ارتباط بانکی عادی، این هزینه به شدت کاهش می‌یابد. او درباره حمله به کشتی‌های عربستان و قطر ادعا کرد بخشی از شبکه‌های ذی‌نفع فروش نفت ممکن است از برهم خوردن تفاهم اسلام‌آباد منتفع شده باشند.

واکنش جریان اصلاح طلب و رسانه های منتقد

❖ در این طیف، بیشترین وزن رسانه ای نه به توضیحات فنی سلطانی درباره «خالی خوانی» یا نحوه گردش پول، بلکه به پیوند شبکه فروش نفت با جبهه پایداری و مخالفان دیپلماسی داده شد. «سهام نیوز»، برخی کانال های سیاسی و حساب های نزدیک به این فضای رسانه ای، بخش مربوط به روح الله رضوی، نسبت خانوادگی او با سخنگوی جبهه پایداری و ادعای فروش ۱۷ میلیارد دلار نفت را بار باز نشر کردند. عبارت هایی مانند «نقش پایداری ها در فروش نفت»، «داماد سخنگوی پایداری» و «کاسبان تحریم و جنگ» به عناصر اصلی این بازنمایی تبدیل شد.

❖ خط دوم، تبدیل موضوع فساد اقتصادی به مسئله سیاست خارجی بود. برخی از کاربران منتسب به جریان اصلاحات در واکنش به این گفت و گو، روایت سلطانی را به بحث منافع اقتصادی گروه هایی پیوند زدند که از تداوم تحریم منتفع می شوند و پرسیدند آیا این منافع می تواند انگیزه ای برای مخالفت با موفقیت دیپلماسی ایجاد کند. در این سطح از کنشگری این گزاره تقویت شد که برهم خوردن تفاهم اسلام آباد ممکن است برای شبکه هایی که از فروش غیرشفاف نفت و هزینه های ناشی از تحریم سود می برند، منفعت اقتصادی داشته باشد.

❖ در این چارچوب، روح الله رضوی بیش از دیگر اسامی به نماد اتصال «رانت نفتی» به یک جریان سیاسی تبدیل شد؛ در حالی که نام حسین شهمخانی بیشتر با حجم بالای فروش نفت و عدد «۳۰ میلیارد دلار» با زتاب یافت. نتیجه آن بود که بخش اصلاح طلب و منتقد، از میان یک گفت و گوی طولانی درباره ساختار حکمرانی نفت، به طور مشخص سه عنصر «پایداری»، «کاسبان تحریم» و «برهم زدن مسیر دیپلماسی» را برجسته کرد.

واکنش جریان اصولگرا

واکنش بخش قابل توجهی از کاربران و حساب های اصولگرا دوپاره بود:

❖ در لایه نخست، اصل وجود مسئله در ساختار تراستی ها و ضرورت بررسی بازگشت پول نفت انکار نشد. حتی برخی حساب های نزدیک به این طیف، ادعای «۱۰۰ میلیون بشکه نفت»، بدهی تراستی ها یا سود ۱۰۵ میلیارد دلاری چهار فروشنده را بدون رد اصل موضوع باز نشر کردند.

❖ اختلاف اصلی از جایی آغاز شد که سلطانی فساد تراستی ها را به جبهه پایداری و سپس به ماجرای حمله به کشتی ها پیوند داد. در واکنش های منتقد، این استدلال مطرح شد که شبکه تراستی ها محدود به یک جناح نیست و در دوره های مختلف، افراد نزدیک به دولت روحانی، مدیران سابق و مجموعه های گوناگون امنیتی و اقتصادی نیز در این ساختار حضور داشته اند. از این منظر، انتخاب روح الله رضوی و نسبت خانوادگی او با یک چهره پایداری، «تقلیل یک مسئله ساختاری به نزاع جناحی» توصیف شد.

❖ خط رسانه ای دیگر، بازگرداندن منشأ ساختار فعلی به دولت روحانی و وزارت بیژن زنگنه بود. منتقدان سلطانی بر همان بخش از گفت و گوی خود او تکیه کردند که شکل گیری کارگروه نفت و گسترش سازوکارهای واسطه ای رابه دوره بازگشت تحریم ها در دولت روحانی نسبت می داد. بنابراین، در این طیف تلاش شد تمرکز رسانه ای از «پایداری و شمخانی» به «ساختاری چندجناحی و ریشه دار از دولت روحانی تا امروز» منتقل شود.

واکنش عدالت خواهان

❖ عدالت خوان در طیف های مختلف نیز به این اظهارات واکنش نشان دادند اما در واکنش این طیف نه رد کلی سخنان سلطانی دیده می شود و نه پذیرش کامل نتیجه گیری سیاسی او. مسئله اصلی این گروه، مطالبه انتشار تمام اسامی، اسناد، قراردادها و بدهی ها بود.

❖ در همین راستا از مجلس و به طور مشخص از حسین صمصامی خواسته شده ادعاهای مربوط به باوند، رضوی، شمخانی و دیگر تراستی ها را پیگیری کند. در واکنش دیگری، تأکید شد اگر فهرست تراستی ها ۵ یا ۵۶ نفر است، تمرکز بر چهار نفر نباید موجب خارج شدن دیگران از دایره بررسی شود.

❖ همین نگاه در برخی کاربران عدالت خواه نیز منعکس شده است، کاربر «بنده خدا در ایکس» در مطلبی با عنوان «حمایت از یاشار سلطانی؛ آزمون شفافیت و عدالت» نیز دیده می شود؛ متنی که ضمن حمایت از حق روزنامه نگار برای طرح پرسش، خواستار بررسی مستقل قراردادها، تضامین، بدهی ها و گردش وجوه از سوی دستگاه قضایی شده و صراحتاً تأکید می کند رسیدگی نباید تحت تأثیر نام، نسبت خانوادگی، جناح یا حاشیه امنیت افراد قرار گیرد.

❖ بنابراین، محور این طیف بیش از آنکه «چه کسی از کدام جناح است» باشد، بر این پرسش متمرکز شده که چه مقدار نفت تحویل شده، پول آن چه زمانی بازگشته، تضامین چه بوده و چه نهادی مسئول عدم بازگشت منابع است. هم زمان بخشی از همین طیف (احسان رستگار، داوود مدرسیان و...)، پیوند دادن ماجرای فساد به حمله موشکی و تفاهم اسلام آباد را فاقد مستند کافی دانسته و خواستار جداسازی «فسادستیزی» از «تحلیل سیاسی اثبات نشده» شده است.

واکنش کاربران رسانه های انقلابی

❖ در این بخش، شدیدترین واکنش نه متوجه افشاگری های مالی، بلکه متوجه ادعای سلطانی درباره حمله به کشتی ها و نقش احتمالی شبکه های تراستی در برهم خوردن تفاهم اسلام آباد بود. این طیف از کاربران، سلطانی را متهم کردند که یک اقدام نظامی را «خودسرانه» خوانده و روایت طرف آمریکایی درباره علت فروپاشی تفاهم را تقویت کرده است.

❖ در این چارچوب، استدلال اصلی مخالفان این بود که اقدام موشکی، بنا بر روایت آنان، واکنش به نقض تفاهم و تحولات تنگه هرمز بوده و نسبت دادن آن به منافع اقتصادی چند تراستی فاقد سند

علنی است. برخی نیز یک تناقض اقتصادی مطرح کردند: تراستی فروش نفت برای کسب درآمد به عبور نفتکش و جریان تجارت نیاز دارد، بنابراین جنگ، محاصره و انسداد مسیر لزوماً به نفع او نیست. **خط دوم**، نگرانی از افشای جزئیات شبکه دورزدن تحریم بود. شماری از کاربران انقلابی نوشتند بیان اسامی، سازوکارها و مسیرهای فروش می تواند کار فروش نفت را دشوارتر کند و به شناسایی حلقه های واسطه توسط آمریکا کمک کند. گروه دیگری نیز خواستار «تبیین» و حتی بررسی قضایی ادعاهای مرتبط با عملیات نظامی شدند. در نتیجه، این طیف میان دو موضوع تفکیک ایجاد کرد: «فساد احتمالی و بدهی تراستی ها» که می تواند قابل پیگیری باشد و «انتساب اقدام نظامی به شبکه اقتصادی» که بدون ارائه سند، به شدت مورد تشکیک قرار گرفت.

واکنش جریان معاند و برانداز

خط اول در این میان رسانه هایی مانند ایران اینترنشنال و حساب های برانداز، سخنان سلطانی عمدتاً از سطح اتهام علیه چند تراستی فراتر رفت و به نقد کلی ساختار جمهوری اسلامی و اقتصاد تحریمی تعمیم داده شد. ایران اینترنشنال به طور مشخص دو عدد را برجسته کرد: ادعای واگذاری حدود ۸۰ میلیون بشکه نفت به چهار نفر با منفعت ۱.۵ میلیارد دلاری و ادعای نامشخص بودن سرنوشت ۱۰۰ میلیون بشکه نفت. همچنین مقایسه هزینه حدود چهار میلیون دلاری انتقال هر نفتکش با هزینه بسیار کمتر در شرایط ارتباط بانکی عادی در پوشش این رسانه برجسته شد.

خط دوم در بخش رادیکال تر این طیف، مضمون گفت و گو به این گزاره توسعه یافت که تحریم فقط یک محدودیت خارجی نیست، بلکه برای بخشی از ساختار داخلی به منبع رانت تبدیل شده است. برخی کاربران از تعبیر «الیگارشسی تحریمی» استفاده کردند و نتیجه گرفتند جابه جایی افراد بدون تغییر ساختار، موجب پایان این نوع فساد نخواهد شد.

خط سوم در موارد دیگری، ارقام و ادعاهای سلطانی با ادبیات شدیدتر باز نشر شد؛ برای نمونه برخی کانال های معاند عنوان «اختلاس ۴۱ میلیارد دلاری» را به مجموعه ارقام مطرح شده الصاق کردند، در حالی که چنین جمع بندی صریحی با همین عنوان در متن اصلی گفت و گو مستند نشده و بیشتر محصول بازپردازی رسانه ای است. این تفاوت میان اصل اظهارات سلطانی و توسعه روایت توسط رسانه های برانداز در ارزیابی بازتاب اهمیت دارد.

واکنش کاربران عمومی

خط اول در میان حساب های غیررسانه ای و کاربران عمومی، واکنش ها کمتر وارد جزئیات نهادی و سیاسی شد و بیشتر حول بزرگی اعداد و نسبت آنها با وضعیت روزمره مردم شکل گرفت. یکی از واکنش دهندگان در اینستاگرام، عدد ۱.۵ میلیارد دلار را کنار مسئله تأمین دارو قرار داد و نوشت «چهار نفر ۱.۵ میلیارد دلار سود کردند؛ مردم پول داروندارند». در شبکه های دیگر نیز «۳۰ میلیارد

دلار فروش نفت»، «۱۰۰ میلیون بشکه گم شده» و «چهار میلیون دلار هزینه هر نفتکش» بیش از توضیح درباره کارگروه شورای عالی امنیت ملی مورد توجه قرار گرفت.

❶ در همین طیف بخشی از کاربران با تعجب و خشم پرسیدند چگونه امکان دارد درباره چنین حجم بزرگی از فروش نفت، متولی و پاسخگو برای افکار عمومی روشن نباشد. بخشی دیگر، نتیجه‌گیری بدبینانه‌تری داشت و مضمون «افراد عوض می‌شوند اما شبکه باقی می‌ماند» را تکرار کرد.

❷ در مقابل، گروهی از کاربران عمومی نیز به خود سلطانی بدبین بودند و پرسیدند اسناد اواز کجا آمده، چرا همه اسامی منتشر نشده و چرا تمرکز رسانه‌ای روی چند فرد خاص قرار گرفته است. بنابراین حتی در سطح عمومی نیز واکنش یکدست نبود، اما اعداد بزرگ، فقدان شفافیت و نسبت درآمد نفت با مشکلات معیشتی بیشترین قابلیت وایرال شدن را داشت.

برآیند و جمع‌بندی تحلیلی

❶ الگوی این گفت‌وگو نشان می‌دهد یاشار سلطانی صرفاً در پی طرح یک پرونده درباره «چهار فروشنده نفت» نیست؛ مسئله‌ای که او تلاش می‌کند به مرکز بحث منتقل کند، ساختار تصمیم‌گیری غیرشفاف در اقتصاد تحریمی و نبود یک نقطه مشخص برای مسئولیت‌پذیری است. از همین رو گفت‌وگو از توضیح‌تریدر و تراستی آغاز می‌شود، به شورای عالی امنیت ملی و نهادهای امنیتی می‌رسد، سپس با نام بردن از اشخاص مشخص مصداقی می‌شود و در نهایت به سیاست خارجی و سرنوشت تفاهم اسلام‌آباد متصل می‌گردد. این طراحی، پرونده را از یک بحث تخصصی نفتی به یک مناقشه عمومی درباره نسبت تحریم، رانت، مراکز قدرت و سیاست خارجی تبدیل کرده است.

❷ در سطح رسانه‌ای، هدف محتمل سلطانی را می‌توان ساختن یک پرونده ادامه‌دار، شخص محور و در عین حال ساختار محور دانست؛ به این معنا که ابتدا با ارقام بزرگ و اسامی شناخته شده توجه عمومی را جلب می‌کند، اما موضوع نهایی را روی سازوکار انتخاب، تأیید، فروش و بازگشت پول قرار می‌دهد. استفاده مکرر از پرسش‌هایی مانند «چه کسی تصمیم می‌گیرد؟»، «چه کسی تأیید می‌کند؟» و «چه کسی پاسخگوست؟» نشان می‌دهد او در صدد تثبیت مفهوم فقدان مسئول مشخص در ساختارهای موازی به عنوان چارچوب اصلی روایت خود است. این برداشت با محتوای پیشین و جدید برنامه «راه دیگر» نیز همخوان است؛ سلطانی پیش‌تر اعلام کرده سری جدید این برنامه را برای بررسی «اشکالات ساختاری در حکمرانی» و موضوعات مختلف «بدون خط قرمز» ادامه خواهد داد.

❸ با این حال، ورود اواز فساد نفتی به ادعای نقش شبکه‌های ذی‌نفع در برهم زدن تفاهم اسلام‌آباد، نقطه‌ای است که از افشاگری مستند اقتصادی به تفسیر سیاسی و امنیتی عبور می‌کند و طبیعتاً بیشترین مقاومت را نیز ایجاد کرده است. در داده‌های رصدی، حتی برخی کسانی که اصل پرونده

تراستی‌ها را جدی گرفته‌اند، این رابطه علی‌راند پذیرفته‌اند. بنابراین ادامه اعتبار رسانه‌ای این پرونده تا حد زیادی وابسته به این خواهد بود که سلطانی در مراحل بعد میان «اسناد مالی و انتساب‌های قابل اثبات» و «تحلیل درباره انگیزه بازیگران سیاسی و امنیتی» چه میزان تفکیک برقرار کند.

❖ از نظر مسیر آینده پژوهی، خود سلطانی در کانال‌ش نوشته «درباره بایندریان و مؤمنین هم بعداً می‌نویسم»؛ در کنار سابقه برنامه «راه دیگر» و تأکید او بر ادامه بررسی ساختارهای حکمرانی، این نشانه وجود دارد که پرونده فعلی پایان یک افشاگری مقطعی نیست. محتمل‌تر است که او در ادامه، هریک از حلقه‌های شبکه فروش نفت را به پرونده‌های کوچک‌تر تبدیل کند؛ از اسامی و میزان فروش گرفته تا بدهی‌ها، تضامین، خالی‌خوانی و نقش نهادهای تأییدکننده.

❖ هم‌زمان، الگوی کنش و نشان می‌دهد احتمالاً پرونده نفت به قالبی برای سوژه‌های بعدی نیز تبدیل خواهد شد: انتخاب یک مسئله اقتصادی با پیچیدگی فنی، ساده‌سازی آن برای مخاطب عمومی، معرفی چند چهره مشخص، طرح ارقام قابل ویرال شدن و در نهایت اتصال آن به مسئله بزرگ‌تر «ساختار تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی». بنابراین جهت اصلی کنش آینده سلطانی رامی‌توان نه صرفاً استمرار حمله به یک جناح خاص، بلکه تلاش برای تثبیت جایگاه خود به عنوان تولیدکننده پرونده‌های افشاگرانه درباره شبکه‌های قدرت و اقتصاد سیاسی دانست؛ هرچند میزان اثرگذاری این راهبرد به کیفیت اسنادی که در مراحل بعد منتشر می‌کند و توان او در اثبات پیوندهای سیاسی و امنیتی ادعا شده بستگی خواهد داشت.

متن‌ها بر اساس مطالب فایل پیوست تنظیم شده‌اند؛ زمان و قیمت‌ها به گزارش‌های همان فایل مربوط است و ادعاها به گویندگان و رسانه‌های منتشرکننده نسبت داده شده‌اند.

بازنمایی افزایش قیمت مسکن در غیاب قدرت خرید مصرفی و گسترش معاملات غیرنقدی

رصد بازار مسکن نشان می‌دهد، این بازار هم‌زمان با افزایش قیمت پیشنهادی، تردید فروشندگان و ضعف تقاضای مصرفی مواجه است. گزارش‌های رصدخانه بازار مسکن و اکوایران نشان می‌دهد تحرک معاملات بیش از آنکه از بهبود درآمد خانوارها ناشی شده باشد، به جابه‌جایی دارایی، معاوضه و تلاش برای حفظ ارزش سرمایه وابسته است. در بخش مسکن حمایتی نیز افزایش آورده متقاضیان و اختلاف بر سر سهم دهک‌ها، فاصله میان ساخت واحد و خانه‌دار شدن پایدار اقشار کم‌درآمد را برجسته کرده است.

قیمت پیشنهادی در مسیر افزایش

رصدخانه بازار مسکن وابسته به گروه دنیای اقتصاد، متوسط قیمت پیشنهادی هر مترمربع آپارتمان تهران در هفته منتهی به ۲۷ شهریور را ۲۲۴ میلیون تومان اعلام کرده که نسبت به هفته

قبل یک درصد افزایش داشته است. بر اساس همین گزارش، میانگین قیمت پیشنهادهای در روزهای سپری شده شهریور حدود ۲۲ میلیون تومان بوده و چهار درصد بالاتر از مرداد قرار گرفته است.

فروشنده‌گانی که در آستانه قرارداد منصرف می‌شوند

در گزارش این رسانه، افزایش تعداد مالکانی که روز انعقاد قرارداد از فروش عقب می‌کشند یا پس از بازدید خریدار حاضر به ادامه مذاکره نیستند، مورد توجه قرار گرفته است. رصدها بازار مسکن، تردید درباره محل سرمایه‌گذاری پول حاصل از فروش و انتظار افزایش بهای آپارتمان را از دلایل این رفتار معرفی می‌کند. در مقابل، فروشنده‌گانی که قصد تبدیل ملک دارند، همچنان در بازار حضور دارند و معاملات آن‌ها بیشتر با خرید هم‌زمان واحد جایگزین همراه است.

خرید آپارتمان با دلار، طلا و خودرو

همین رسانه از معامله یک واحد ۱۶ میلیارد تومانی در جنوب تهران بدون پرداخت نقدی گزارش داده است؛ خریدار در برابر آپارتمان، دلار، طلا و یک خودروی نو مونتاژی به فروشنده واگذار کرده است. همچنین واسطه‌های ملکی از تقاضای برای آپارتمان‌های کوچک با قیمت کمتر از هفت میلیارد تومان خبر داده‌اند. در این روایت، حفظ دارایی و تبدیل سرمایه‌های موجود، بخش مهمی از معاملات را تشکیل می‌دهد و خریدار الزاماً با پس‌انداز نقدی حاصل از درآمد وارد بازار نمی‌شود.

کاهش قیمت دلاری در کنار افزایش قیمت ریالی

حسین عبده تبریزی در نشست «چشم‌انداز بازارهای دارایی» دنیای اقتصاد، متوسط قیمت دلاری مسکن تهران را از ۱۴۷ دلار در سال ۱۴۰۲ به ۱۱۱۷ دلار در مرداد ۱۴۰۵ مقایسه کرده است. او «چسبندگی قیمت» و «نبود تقاضای واقعی» را دو عامل مهم این وضعیت دانسته و گفته سطح قیمت ریالی مسکن نسبت به سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. به گفته وی، پایین بودن درآمد مردم باعث شده تقاضای موجود بیشتر جنبه بازرگانی داشته باشد.

اختلاف بر سر دسترسی محرومان به مسکن حمایتی

اکوایران نیز در بررسی نهضت ملی مسکن، افزایش هزینه ساخت و درخواست‌های مکرر برای آورده بیشتر را از نگرانی‌های متقاضیان عنوان کرده است. سعید اسلامی بیدگلی نیز در مطلب منتشر شده توسط رصدها بازار مسکن، با استناد به داده‌های تخصیص، گفته سهم دهک دهم از مسکن ملی دو برابر دهک اول بوده است. او اقساط خارج از توان خانوارهای کم‌درآمد را مانع ماندگاری آن‌ها در این واحدها می‌داند.

برجسته سازی محدود شدن مجاری مالی ایران با تحریم بیت بانک و لغو مجوز شعبه بانک

ملت در ترکیه

انتشار هم زمان خبر تحریم یک صرافی رمز ارزی ایرانی و لغو مجوز شعبه بانک ملت در استانبول، دو مسیر متفاوت انتقال پول را در کانون توجه رسانه ها قرار داده است. پرونده نخست، اقدام تحریمی خزانه داری آمریکا علیه زیر ساخت دارایی دیجیتال است؛ پرونده دوم، تصمیم نهاد ناظر بانکی ترکیه درباره مجوز فعالیت یک شعبه بانکی. بازتاب مشترک این دو خبر، بر محدود تر شدن گزینه های مالی ایران و افزایش فشار بر ارتباط با طرف های خارجی متمرکز شده است.

پرونده اول. تحریم صرافی و زیر ساخت نرم افزاری

روز گذشته رسانه های بین المللی گزارش دادند وزارت خزانه داری آمریکا، بیت بانک، شرکت تجارت الکترونیک پیشتاز سیمرغ و سه فرد مرتبط را به فهرست تحریم های اوفک افزوده است. در این گزارش ها، ثبت «ریسک تحریم های ثانویه» برای بیت بانک نیز مورد اشاره قرار گرفته است. اسامی افراد مذکور در گزارش های منتشر شده، حسین علی ذاکر حسین، محمد مهدی ذاکر حسین و عادل حیدری اعلام شده است.

برخی روایت ها در این رابطه علاوه بر خود صرافی، بر هدف قرار گرفتن شرکت توسعه دهنده نرم افزار و زیر ساخت فناوری آن تمرکز کرده اند. بر اساس اطلاعات آمریکا، ادعای واشنگتن به جابه جایی منابع مالی و ارتباط آن با سازوکاری تحت عنوان «سازمان خدمات دریایی ایمن هرمز» مربوط می شود. رسانه های اقتصادی در این رابطه نوشتند؛ خزانه داری آمریکا مدعی انتقال صدها میلیون دلار بیت کوین به سپاه است، اما جزئیات عمومی کیف پول ها و تراکنش های مبنای این رقم در اطلاعیه مورد اشاره منتشر نشده است.

پرونده دوم. پایان مجوز فعالیت شعبه استانبول

علاوه بر خبر مذکور رسانه های اقتصادی، خبر لغو مجوز شعبه بانک ملت در استانبول توسط نهاد تنظیم و نظارت بانکی ترکیه را بازتاب داده اند. در گزارش های رصد شده، سابقه فعالیت این شعبه به سال ۱۹۸۲ بازمی گردد و مبنای اعلام شده تصمیم، ماده ۷۱ قانون بانکداری ترکیه عنوان شده است.

این گزارش ها همچنین یادآور شده اند که بانک ملت پیش تر با محدودیت های ناشی از تحریم آمریکا، قطع دسترسی به سوئیفت و خروج از سامانه انتقال وجوه ترکیه مواجه بوده است. بنابراین، خبر جدید به لغو مجوز فعالیت شعبه مربوط می شود، نه اعلام نخستین محدودیت علیه بانک ملت.

سه شیوه بازتاب رسانه ای

رسانه های تخصصی فناوری و پرداخت، مانند پیوست و راه پرداخت، دامنه تحریم بیت بانک را از

صرافی به شرکت نرم افزاری و افراد مرتبط دنبال کرده اند.

❖ رسانه های اقتصادی داخلی، تصمیم ترکیه را با تمرکز بر شعبه استانبول و سابقه محدودیت های بانکی منتشر کرده اند.

❖ رسانه ها و کانال های معاند، دو خبر را در چارچوب تشدید انزوای مالی کناریکدیگر قرار داده اند؛ سهام نیوز تصمیم ترکیه را به دیگر محدودیت های ارتباطی پیوند داده و رسانه سازمان مجاهدین خلق تحریم بیت بانک را «ضربه» به زیرساخت مالی ایران نامیده است.

وجه مشترک اقتصادی این تحولات، افزایش دشواری حفظ ارتباط مالی با طرف های خارجی است. با این حال، از خبر تحریم یا لغو مجوز نمی توان به تنهایی میزان منابع مسدود شده، توقف کامل خدمات یا خسارت قطعی مشتریان را استخراج کرد. **اهمیت رسانه ای این پرونده، در انتقال فشار از مؤسسات مالی متعارف به زیرساخت های دیجیتال و شرکت های پشتیبان آن ها است.**

برجسته سازی سرریز هزینه های جنگ ایران به اقتصاد آمریکا و اروپا؛ فشار بر تولیدکنندگان آمریکایی و افزایش هزینه حمل و نقل اروپایی

گزارش های سی بی اس و رویترز نشان می دهد آثار اقتصادی جنگ ایران، از مسیر افزایش قیمت انرژی و اختلال در زنجیره های تأمین، به بخش های مختلف اقتصاد آمریکا و اروپا سرایت کرده است؛ هرچند توان جذب این شوک میان بخش ها یکسان نیست.

❖ سی بی اس با تمرکز بر کشاورزی آمریکا گزارش داده قیمت متوسط گازوئیل به حدود ۶.۴ دلار در هر گالن رسیده و هزینه سوخت برخی کشاورزان تقریباً دو برابر شده است. هم زمان، افزایش قیمت کود، تجهیزات و نهاده ها در کنار تعرفه های تجاری حاشیه سود تولیدکنندگان را به شدت کاهش داده؛ به گونه ای که برخی کشاورزان از قرار گرفتن در «وضعیت بقا» سخن می گویند.

در اروپا نیز رویترز از افزایش شدید هزینه سوخت جت، اختلال در الگوی سفر و کاهش ظرفیت برخی ایرلاین ها خبر داده است. با این حال، ایرفرانس از طریق افزایش نرخ بلیت و تمرکز بر مسافران پردرآمد توانسته بخشی از فشار را جبران کند و درآمد سفرهای ممتاز خود را ۱۱ درصد افزایش دهد.

برجسته سازی فشار هم زمان خوراک، آموزش و کالاهای ضروری بر بودجه خانوار بازنمایی گرانی در رسانه های داخلی و خارجی، به یک بازار یا یک قلم کالا محدود نشده است؛ هزینه خوراک روزانه با مخارج آغاز سال تحصیلی، ابزار آموزشی و کالاهای بادوام بر روی هم انباشه شده است. در این میان، رسانه های اقتصادی بیشتر قیمت ها و تصمیم های صنفی را گزارش می کنند، در حالی که رسانه ها و کانال های ضدانقلاب، همین مصادیق را به مسئله محرومیت، نابرابری و ناتوانی خانوارها در تأمین نیازهای پایه پیوند می زنند.

سبد خوراک؛ فاصله قیمت میادین و بازار

تجارت نیوز به نقل از خبرگزاری دانشجو، اظهارات مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره بار تهران را منتشر کرده که گفته است «هیچ گوشت خارجی در میادین عرضه نمی شود» و گوشت موجود تولید داخل است. در همین گزارش، قیمت ران گوسفندی حدود دو میلیون و ۳۴۰ هزار تومان و ران گوساله حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان عنوان شده، در حالی که گوشت مخلوط در میادین حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان عرضه می شود.

در خبری دیگر، تجارت نیوز به نقل از تسنیم، اعلام اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی را بازتاب داده که از تولیدکنندگان خواسته از شنبه ۲۸ شهریور، مرغ زنده را کمتر از کیلویی ۲۰۰ هزار تومان عرضه نکنند. اتحادیه گفته مرغداران طی ماه های گذشته، محصول خود را ۶ تا ۷۰ هزار تومان پایین تر از قیمت واقعی فروخته اند. همچنین از خرید و ذخیره سازی ۳۰ هزار تن مرغ توسط شرکت پشتیبانی امور دام برای جمع آوری مازاد بازار خبر داده شده است.

سبد مدرسه؛ نوشت افزار و شهریه در یک قاب

اقتصادنامه در مرور روزنامه ها، تیتراژ ملی را با عنوان «تراژدی گرانی لوازم التحریر برای دانش آموزان» برجسته کرده است. ایران اینترنشنال نیز گزارش جهان صنعت درباره افزایش هزینه نوشت افزار و ثبت نام مدارس را بازتاب داده و در گزارشی دیگر، مخارج لباس، رفت و آمد و نیاز خانواده به درآمد نوجوانان را در روایت بازماندگی از تحصیل کنار یکدیگر قرار داده است.

کانال اعتراض مدنی بازار نیز، در بازتاب سقف شهریه مدارس غیردولتی همراه با فوق برنامه، ارقام ۱۷۲ میلیون تومان برای ابتدایی، ۲۰۰ میلیون تومان برای متوسطه اول و ۲۲۰ میلیون تومان برای متوسطه دوم را مطرح کرده است. این کانال با مقایسه شهریه با درآمد خانوار، مسئله را ذیل طبقاتی شدن دسترسی به آموزش روایت کرده است.

ابزار آموزش؛ لپ تاپ به هزینه ای سنگین تبدیل شده است

اعتراض مدنی بازار در گزارشی دیگر، بهای لپ تاپ های اقتصادی دانش آموزی و دانشجویی را در محدوده ۵۵ تا ۱۰۰ میلیون تومان عنوان کرده است. در این روایت، نیاز به تحقیق، پروژه درسی و کلاس آنلاین در کنار هزینه شهریه، کتاب و رفت و آمد قرار گرفته و تأمین ابزار دیجیتال به عنوان یکی از دشواری های خانواده های دارای چند فرزند توصیف شده است.

کالاهای بادوام؛ اختلاف درباره محدودیت واردات

اکوایران در گفت و گویا احمد بیگدلی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، موضوع ممنوعیت واردات یخچال، یخچال فریزر، لباسشویی و ظرفشویی از مسیرهای ملوانی و کولبری را مطرح کرده است.

این رسانه، هدف حمایت از تولید داخلی را در کنار پرسش‌هایی درباره قیمت نهایی، قدرت خرید مصرف‌کننده و معیشت مرزنیسان قرار داده است.

جهت‌گیری رسانه‌ای

برخی رسانه‌های منتقد داخلی از احتمال جهش قیمت برخی مواد غذایی و کاهش قدرت خرید مردم گزارش داده‌اند. در سوی دیگر، رسانه سازمان مجاهدین خلق [منافقین]، گرانی نوشت افزار را به محرومیت تحصیلی و دعوت به مخالفت سیاسی پیوند زده است. حاصل این پوشش‌ها، انتقال بحث از «قیمت یک کالا» به توان خانوار برای حفظ هم‌زمان تغذیه، آموزش و کیفیت زندگی است؛ موضوعی که با انباشته شدن هزینه‌های ضروری، ظرفیت بیشتری برای بازتاب اجتماعی پیدامی‌کند.

بازنمایی شکاف میان تعدیل قیمت نفت و تشدید فشار گاز و گازوئیل در بحران خاورمیانه

بنابر گزارش‌های رسانه‌های داخلی - بین‌المللی، بازار انرژی در روزهای اخیر، رفتار یکسانی ندارد: نفت برنت از بخشی از افزایش قبلی عقب نشسته، اما گازوئیل و گاز همچنان با فشار عرضه و نگرانی مصرف‌کنندگان روبه‌رو هستند. این تفاوت، توجه رسانه‌ها را از قیمت نفت خام به ظرفیت پالایش، مسیرهای حمل و نقل و ذخایر سوخت منتقل کرده است.

نفت خام. برنت در محدوده ۱۰۳ دلار

❖ دنیای اقتصاد در مرور هفتگی بازارها، کاهش قیمت برنت از ۱۰۵ به ۱۰۳ دلار را گزارش کرده است. در وال استریت ژورنال نیز آمده عربستان امیدوار است حدود نیمی از ظرفیت خط لوله شرق - غرب را طی چند روز احیا کند، در حالی که تعمیر کامل حدود شش هفته زمان می‌برد. این خط لوله یکی از مسیرهای مهم انتقال نفت با دور زدن تنگه هرمز معرفی شده است.

❖ از سوی دیگر، داده‌های مرتبط با اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد ذخایر تجاری نفت خام این کشور در هفته منتهی به ۱۱ سپتامبر، ۶۴۰ هزار بشکه کاهش یافته و به ۴۲۳،۴ میلیون بشکه رسیده؛ کاهشی کمتر از انتظار بازار. افزایش ذخایر بنزین و فرآورده‌های تقطیری نیز در گزارش‌ها از عوامل تعدیل فشار صعودی نفت عنوان شده است.

گازوئیل. فشار بر حمل و نقل و تولید

❖ اخیراً انجمن خودروی آمریکا، میانگین قیمت گازوئیل را ۶،۳۹۹ دلار در هر گالن گزارش کرده است. در بازتاب دیگری از کوبیسی لتر، رقم ۶،۴۵ دلار و افزایش ۴۰ سنتی طی یک هفته برجسته شده است. همین گزارش‌ها، میانگین کالیفرنیا را ۸،۴۰ دلار اعلام کرده‌اند.

❖ در تحلیل رویترز نیز، معاملات دیزل اروپا در محدوده ۲۱۰ دلار برای هر بشکه قرار گرفته است. کاهش ظرفیت پالایشی در خاورمیانه و روسیه و محدودیت صادرات فرآورده‌ها، از عوامل فشار عرضه معرفی شده‌اند. گزارش رسانه‌های فرانسوی نیز از افزایش قیمت گازوئیل به بیش از ۲،۳ یورو در لیتر و اعتراض ماهیگیران در ورودی بنادر و انبارهای سوخت خبر داده‌اند.

گاز. نگرانی از ذخایر زمستانی اروپا

❖ مسیر اقتصاد، سطح پرشدگی ذخایر گاز اتحادیه اروپا را ۶۷ درصد گزارش کرده و آن را پایین‌تر از هدف ۸۰ درصدی آغاز زمستان دانسته است. این رسانه نوشته اختلال صادرات گاز مایع قطر و امارات، حدود ۳۶ میلیون تن عرضه را از بازار جهانی خارج کرده است.

❖ بر اساس همین گزارش، قیمت گاز مایع از حدود ۱۰ دلار پیش از جنگ به نزدیک ۳۰ دلار به ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا رسیده است. رقم ۴۰ دلار نیز به عنوان سناریوی احتمالی زمستان سرد مطرح شده است.

عرضه جایگزین و واکنش دولت‌ها

❖ رویترز، در گزارش دیگری صادرات فرآورده‌های نفتی چین در اوت را ۶،۱ میلیون تن و رشد سالانه آن را ۱۲،۷ درصد اعلام کرده است. صادرات گازوئیل چین نیز با افزایش ۴۲،۱ درصدی به ۱،۳۳ میلیون تن رسیده و در اروپا، خبر کاهش موقت مالیات بنزین و گازوئیل آلمان از اول اکتبر واکنش‌های گسترده‌ای را به خود جلب کرده است.

مجموع این روایت‌ها نشان می‌دهد بحران انرژی از مسیر هزینه پالایش، کمبود فرآورده و ناامنی حمل استمرار خواهد یافت؛ حتی زمانی که شاخص نفت خام موقتاً کاهش می‌یابد. اختلاف قیمت بازار فیزیکی و قراردادهای آتی نیز در همین چارچوب برجسته شده، بدون آنکه این دو قیمت الزاماً قابل جایگزینی باشند.

بازتاب چرخش بورس از برتری تقاضای ابتدای صبح به خروج بیش از شش همت پول حقیقی

معاملات شنبه ۲۸ شهریور، با برتری محسوس تقاضا آغاز شد، اما این وضعیت دوام نیاورد و بازار به تدریج زیر فشار عرضه قرار گرفت. گزارش‌های بورس ۲۴، اقتصاد نیوز، ایبنا و تجارت نیوز نشان می‌دهد، بازار سرمایه در معاملات امروز همراه با افت شاخص‌ها، افزایش تعداد نمادهای منفی، گسترش صف‌های فروش و خروج پول حقیقی همراه شده است. با این حال، ارزش بالای معاملات و خرید حقوقی‌ها نیز در طول روز مورد توجه فعالان بازار قرار داشت.

آغاز بازار تقاضای ۱۸,۵ همتی در برابر عرضه ۱,۳ همتی

❖ بورس ۲۴ در گزارش جمع بندی معاملات نوشته است بازار با ۱۸,۵ همت تقاضا در برابر ۱,۳ همت عرضه شروع شد. اقتصادنیوز نیز آغاز معاملات را «نسبتاً مثبت» توصیف کرده، اما از افزایش سریع عرضه ها خبر داده است. این برتری اولیه سفارش های خرید، در ادامه به روند مثبت فراگیر تبدیل نشد و فشار فروش در بخش بزرگی از نمادها افزایش یافت.

گزارش ابتدایی افت ۳۳ هزار واحدی شاخص کل

❖ ایبنا در یکی از نخستین گزارش های بازار، کاهش حدود ۳۳ هزار واحدی شاخص کل و رسیدن آن به محدوده هفت میلیون و ۵۲۴ هزار واحد را منتشر کرد. در همان مقطع، شاخص هم وزن نیز حدود ۱۱ هزار واحد پایین آمده بود. هم زمانی افت دو شاخص نشان می داد کاهش قیمت ها به چند سهم بزرگ محدود نمانده است.

ساعت ۱۰ افزایش تعداد نمادهای منفی

❖ اقتصادنیوز در گزارشی مبتنی بر آمار ساعت ۱۰ صبح، از ۱۹۷ نماد مثبت در برابر ۶۲۷ نماد منفی خبر داده است. در گزارش منتشر شده این رسانه، شاخص کل حدود ۹۸ هزار واحد کاهش یافته و به محدوده هفت میلیون و ۴۵۹ هزار واحد رسیده بود. شاخص هم وزن نیز حدود ۲۴ هزار و ۸۹۵ واحد افت داشت. همچنین تعداد صف های فروش ۴۴۹ مورد و خروج پول بیش از چهار همت عنوان شده است.

ساعت ۱۱ بیش از ۵۰۰ صف فروش

❖ بورس ۲۴ در این ساعت، ارزش معاملات خرد را ۳۸ همت و خروج پول خرد را ۵,۳ همت اعلام کرده است. بر اساس همین گزارش، بیش از ۵۰۰ صف فروش با ارزش تقریبی ۱۷ همت بر بازار سنگینی می کرد. در مقابل، ۱۲۴ صف خرید به ارزش ۹,۸ همت برقرار بود که چهار همت آن به نماد تابان اختصاص داشت.

در جریان معاملات حمایت موردی حقوقی ها

❖ بورس ۲۴ از جمع شدن صف فروش تاصیکو با مشارکت حقوقی ها و ورود پول حقیقی به این نماد خبر داده و در گزارش دیگری، جمع آوری صف فروش ومهان را ثبت کرده است. این حمایت ها در کنار فشار عمومی عرضه ادامه داشت. بهنام صمدی نیز پس از معاملات، به گردش حدود ۴۶ همتی بازار با وجود صف های فروش اشاره کرده است.

پایان معاملات اخروج ۶,۱ همت پول حقیقی

❖ در گزارش پایانی عمده رسانه های بورسی، ارزش معاملات خرد ۴۶ همت و خروج پول حقیقی ۶,۱

همت اعلام شده؛ حدود ۴,۵ همت از سهام و بیش از ۱,۵ همت از صندوق های سهامی. نسبت سفارش ها نیز به ۱۶,۵ همت عرضه در برابر ۹,۴ همت تقاضا تغییر کرده است. شاخص کل نیز افت حدود ۱۰۹ هزار واحد در محدوده هفت میلیون و ۴۴۹ هزار واحد قرار گرفت.

برداشت نهایی

بازار، پس از رشد هفته قبل، روزی همراه با شناسایی سود، نگرانی سیاسی و خروج نقدینگی حقیقی را پشت سر گذاشت. در روایت رسانه ها، تهدیدهای ترامپ و نا اطمینانی سیاسی و امنیتی از مهم ترین محرک های فشار فروش معرفی شده است.

بازتاب افزایش دوباره دلار و سکه پس از عقب نشینی هفتگی بازارهای طلا و ارز

بازار طلا و ارز در نخستین روز هفته، بخشی از کاهش روزهای قبل را پس گرفت؛ با این حال، دامنه حرکت دلار در گزارش های رسانه های اقتصادی محدود تر از تصویری است که برخی تیتروهای هیجانی از بازار ارائه می دهند. محور اصلی معاملات، انتظار برای روشن شدن پیام سیاسی اظهارات ترامپ و هم زمان، اثرپذیری طلا از نوسان اونس جهانی است. گزارش ها نشان می دهد افت هفتگی هنوز از حافظه بازار خارج نشده و معامله گران با دوبرداشت متفاوت از آینده جنگ مواجه اند.

تجارت نیوز در گزارش های ابتدایی خود دلار آزاد را ۲۲۸ هزار تومان اعلام کرده است؛ هزار تومان بیشتر از نرخ پایانی پنجشنبه. این گزارش می افزاید دلار در معاملات پشت خطی جمعه تا ۲۲۶ هزار تومان نیز پایین آمده بود، اما در شروع هفته دوباره مسیر افزایشی آرامی گرفته است. به نوشته تجارت نیوز، فعالان بازار در حال بررسی این موضوع اند که اظهارات اخیر ترامپ درباره پایان جنگ، نشانه حرکت به سوی توافق است یا مقدمه دور دیگری از حملات. این رسانه، همین دوگانگی را از دلایل احتیاط معامله گران و خودداری آن ها از ورود سنگین به بازار معرفی کرده است.

از سوی دیگر اقتصادنامه در گزارش بازار طلا و سکه، سکه طرح جدید را در کانال ۲۳۵ میلیون تومان، نیم سکه را ۱۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، ربع سکه را ۶۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و سکه گرمی را ۳۳ میلیون تومان ثبت کرده است. همین گزارش، قیمت هر مثقال طلا را ۱۰۲ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان و اونس جهانی را حدود ۴۳۷۸ دلار اعلام کرده است. این افزایش ها پس از هفته ای نزولی رخ داده است. دنیای اقتصاد نیز در مرور هفتگی خود نوشته بود طلای ۱۸ عیار از ۲۴ میلیون و ۲۵۸ هزار تومان به ۲۳ میلیون و ۳۵۵ هزار تومان رسیده و ۳,۷۲ درصد افت کرده است. سکه تمام نیز از ۲۴۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ۲۳۲ میلیون تومان کاهش یافته بود. در همان گزارش، دلار آزاد با افت ۳,۴۸ درصدی، از ۲۳۵ هزار و ۷۰۰ تومان به ۲۲۷ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده بود.

در بخش جهانی، دنیای اقتصاد از حفظ روند افزایشی طلا با وجود بازده بالای اوراق آمریکا خبر داده

و تقاضای احتیاطی ناشی از اختلال هرمزورسک زیرساخت‌های عربستان را برجسته کرده است. اکوایران نیز در بررسی بازارها، از اثر بازدارنده کاهش دلار داخلی بر انتقال کامل رشد اونس به بازار ایران سخن گفته است.

در نهایت و در بازار رسمی، ایبنا قیمت فروش حواله دلار در مرکز مبادله را ۱۶۶ هزار و ۳۷۶ تومان و نرخ خرید آن را ۱۶۴ هزار و ۸۷۹ تومان گزارش کرده است. قیمت فروش حواله یورونیز ۱۹۰ هزار و ۷۲۶ تومان اعلام شده است.

در نتیجه، تصویر موجود از بازار، بازگشت محدود قیمت‌ها پس از اصلاح هفتگی است. نوسان جهانی طلا و برداشت‌های متعارض از آینده تنش، هم‌زمان عمل می‌کنند و هنوز در گزارش‌های رسانه‌ای، نشانه‌ای از شکل‌گیری یک مسیر قطعی و یک طرفه دیده نمی‌شود.

بازتاب اختلاف دیدگاه‌ها درباره اثربخشی افزایش قیمت بنزین و هزینه اصلاحات انرژی

اختلاف کارشناسان حوزه انرژی در موضوع افزایش نرخ سوم بنزین، پیرامون سه محور هدف، ترتیب و دامنه اصلاحات انرژی استمرار یافته است. دولت بر مدیریت مصرف و همراهی مردم تأکید دارد؛ برخی کارشناسان، افزایش قیمت را تنها جزئی از یک برنامه گسترده‌تری دانند؛ منتقدان دیگر نیز مسئله خودروهای پرمصرف، محدودیت واردات و احتمال سرایت شوک هزینه به تولید را پیش می‌کشند. در این مناقشه، توافق بر وجود مشکل، الزاماً به توافق بر راه‌حل منجر نشده است.

روایت دولت اصرافه جویی برای حفظ تولید

❶ در اظهارات مسعود پزشکیان، صرفه جویی در مصرف بنزین، گاز و برق، راهی برای جلوگیری از توقف فعالیت کارخانه‌ها معرفی شده است. رئیس‌جمهور از اعضای پویش جان فدا خواسته در کنترل مصرف مشارکت کنند. هم‌زمان، خبر حضور وزیر نفت در پویش «یک روز در هفته بدون خودرو» منتشر شده و رفتن او به محل کار بدون خودرو، به عنوان همراهی عملی با مدیریت مصرف بازتاب یافته است.

دیدگاه سید حمید حسینی اقیمت به تنهایی کافی نیست

❷ سید حمید حسینی، عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق، در گفت‌وگو با بازارنیوز گفته افزایش نرخ سوم از پنج هزار به ۱۰ هزار تومان می‌تواند بخشی از درآمد دولت را افزایش دهد، اما به تنهایی اثر تعیین‌کننده‌ای بر کاهش مصرف ندارد. او افزایش قیمت را مرحله‌ای از اصلاحات دانسته که بدون برنامه جامع مدیریت مصرف و اصلاح ساختار انرژی، مسائل اصلی این بخش را حل نمی‌کند. حسینی همچنین پیشنهاد «کارت انرژی» را مطرح کرده است؛ سازوکاری که در آن برای هر خانوار، متناسب با عواملی مانند تعداد اعضا و مترáž، سقف مصرف گاز و برق تعیین شود. در توضیح او، اگر سهمیه‌بندی گازوئیل نیز اجرا شود، سهم مربوط می‌تواند در همین چارچوب تعریف شود.

انتقاد محمد رشیدی امسئله خودرو واردات

❖ محمد رشیدی، عضو هیئت رئیسه مجلس، در گفت و گو با تجارت نیوز، اثر افزایش نرخ سوم بر درآمد دولت را محدود دانسته و از عملکرد دولت در واردات خودرو و ارتقای کیفیت محصولات داخلی انتقاد کرده است. او گفته تا واردات خودرو به صورت جدی و با تعرفه پایین و منطقی برای استفاده عموم انجام نشود، اسقاط خودروهای فرسوده نیز پیش نمی رود. رشیدی، «رد پای مافیای خودرو» را در مسیر تولید و واردات مطرح کرده و بر لزوم توجه به منافع عمومی در اجرای اسقاط تأکید داشته است. در این موضع، کاهش مصرف سوخت به کیفیت ناوگان و امکان جایگزینی خودرو پیوند می خورد.

هشدار محسن یزدان پناه اسرایت هزینه به زنجیره تولید

❖ مسیر اقتصاد، بخشی از سخنان محسن یزدان پناه در برنامه ایران تا ۲۹ مرداد را باز نشر کرده است. او هشدار داده اصلاح سریع و بدون ملاحظه قیمت انرژی، فقط صنایع انرژی بر را متاثر نمی کند و می تواند به زنجیره های مختلف تولید سرایت کند. یزدان پناه، اصلاح را ناگزیر می داند، اما درباره سرعت و شیوه اجرای آن اختلاف دارد.

جمع بندی و برآیند

مناقشه موجود صرفاً بر سر موافقت یا مخالفت با گران شدن بنزین نیست. یک طرف، رفتار مصرف کننده را برجسته می کند؛ طرف دیگر، کیفیت خودرو و ساختار عرضه را؛ و گروه سوم، هزینه انتقال ناگهانی قیمت انرژی به تولید را. همین تفاوت در تشخیص مسئله، مبنای اختلاف درباره کفایت سیاست فعلی شده است.

بازتاب تقابل سیاسی بر سر فیلترینگ با محور خسارت کسب و کارها و اعتماد عمومی

اختلاف درباره فیلترینگ در بازتاب های تازه، از بحث دسترسی به شبکه های اجتماعی فراتر رفته و به هزینه فعالیت اقتصادی و مسئولیت تصمیم گیران رسیده است. اظهارات رسول جلیلی و پاسخ جلال رشیدی کوچی، در رسانه هایی مانند جماران، عصر اقتصاد، بورس نیوز و چند ثانیه باز نشر شده است. هم زمان، گزارش های مربوط به بازار آنلاین، از دشواری حفظ فروش و افزایش اتکای کسب و کارها به خرید اعتباری حکایت دارد.

❖ در گزارش جماران، موضع رسول جلیلی، عضو شورای عالی فضای مجازی، با مضمون غیر عقلانی بودن رفع فیلترینگ بازتاب یافته است. جلال رشیدی کوچی، نماینده سابق مجلس، در واکنش به این موضع، از او برای مناظره دعوت کرده و گفته است: «اتفاقاً آن چیزی که برخلاف عقلانیت بود، فیلترینگ بود و هنوز هم آقایان نمی خواهند این را قبول کنند.»

❖ رشیدی کوچی در ادامه، آسیب فیلترینگ را به مشکلات ایجاد شده برای کسب و کارها و کاهش

اعتماد مردم مرتبط کرده است. او گفته گردش مالی فروش فیلتر شکن ها، حتی اگر در مقایسه با بودجه کشور رقم بزرگی نباشد، همه ابعاد خسارت را نشان نمی دهد؛ زیرا آسیبی که به فعالیت اقتصادی و اعتماد عمومی وارد شده، بسیار سنگین تر است. در بخش دیگری از همین گفت و گو، وی با اشاره به باقی ماندن صاحبان دیدگاه های تند رو در جایگاه های تصمیم گیری، نگرانی خود را بیان کرده است. مقایسه فیلترینگ با گشت ارشاد نیز در اظهارات او و تیر رسانه های باز نشر کننده برجسته شده است. عصر اقتصاد و بورس نیوز، این بخش را در کنار انتقاد از «غیر عقلانی» خواندن رفع محدودیت ها منتشر کرده اند.

❖ اقتصاد آنلاین نیز ویدئویی با عنوان «روایت معاون دفتر رئیس جمهور از کارشکنی ها در مسیر باز شدن اینترنت» منتشر کرده است. در این ویدئو، جزئیات عاملان و سازوکار این کارشکنی ها ارائه نشده، اما عنوان انتخاب شده، اختلاف درون ساختار تصمیم گیری درباره باز شدن اینترنت را برجسته می کند.

❖ در سوی اقتصادی ماجرا، مجله پیوست در بررسی نیم سال نخست بازارهای آنلاین، توقف رشد کسب و کارها، سخت گیر تر شدن خریداران و تمرکز فروشندگان بر گردش موجودی را از تغییرات مهم معرفی کرده است. در این گزارش، جنگ، قطعی اینترنت، تورم و محدودیت های تجاری به عنوان شرایط اثرگذار بر فعالیت فروشندگان کنار یکدیگر قرار گرفته اند. فعالان این حوزه همچنین از افزایش توجه به ابزارهای خرید اعتباری سخن گفته اند. بر اساس روایت پیوست، استفاده از اعتبار برای خرید، بخشی از تلاش فروشندگان برای زنده نگه داشتن فعالیت اقتصادی است. این ابزار می تواند بر اندازه سبد خرید، تبدیل بازدیدکننده به مشتری و دسترسی به کالاهای گران تر اثر بگذارد؛ موضوعی که نشان می دهد مسئله کسب و کارها، هم محدودیت دسترسی است و هم افت توان خرید مشتریان.

جمع بندی

منتقدان فیلترینگ، هزینه سیاست را با فروش از دست رفته، دشواری ارتباط با مشتری و فرسایش اعتماد توضیح می دهند. در مقابل، مخالفت با رفع محدودیت همچنان در سطح تصمیم گیری حضور دارد. بازتاب این تقابل در رسانه های اقتصادی، اختلاف را به این پرسش منتقل کرده که مسئولیت هزینه های تحمیل شده بر فعالیت روزمره کسب و کارها بر عهده کدام سیاست و کدام تصمیم گیر است.

برجسته سازی فاصله وعده افزایش کالابرگ با مطالبه حفظ قدرت خرید خانوار

پرونده کالابرگ در تولیدات رسانه های عمومی و اقتصادی، میان اعلام حداقل افزایش از سوی دولت، پیشنهاد ارقام بالاتر در مجلس و انتظار خانوارها برای جبران افت قدرت خرید قرار گرفته

است. تعدد عده‌های منتشرشده، بدون اعلام نهایی زمان اجرا و دامنه مشمولان، به یکی از محورهای پوشش رسانه‌ای تبدیل شده است. در این فضا، مسئله اصلی برای مخاطب، میزان کالایی است که اعتبار جدید تأمین می‌کند.

عدد نخست؛ افزایش حداقل ۳۰۰ هزار تومانی

❖ اقتصاد ۲۴ به نقل از سید علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد، نوشته کف افزایش اعتبار کالا برگ ۳۰۰ هزار تومان است. در همین گزارش تصریح شده جزئیات نهایی همچنان در حال بررسی است و دهک‌های مشمول مشخص نشده‌اند. این رسانه همچنین به وعده رئیس جمهور و سخنگوی دولت درباره افزایش اعتبار اشاره کرده و انتظار مردم برای عملی شدن آن در مهرماه را بازتاب داده است.

عدد دوم؛ پیشنهاد یک و نیم تادو میلیون تومان

❖ تسنیم به نقل از بابایی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، گزارش داده موضوع افزایش مبلغ کالا برگ به دو میلیون تومان در جلسات مشترک با وزیر تعاون و در صحن مجلس با حضور قالیباف مطرح شده است. این خبر در دنیای اقتصاد، اقتصاد آنلاین، اقتصاد نیوز و بورس ۲۴ نیز باز نشر شده است. بابایی گفته با توجه به نوسانات ارز، تغییر درآمدهای ارزی و مشکلات اقتصادی، پیشنهاد شده در مقطع فعلی مبلغی بین یک میلیون و ۵۰۰ هزار تادو میلیون تومان در نظر گرفته شود.

عدد سوم؛ دو و نیم میلیون تومان و منابع ۷۵۰ همتی

❖ رئیس کمیسیون اجتماعی، در همان گفت و گو با تسنیم، مبلغ دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را به پیش بینی‌ها و مقررات سال ۱۴۰۵ نسبت داده و از پیشنهاد تخصیص ۷۵۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت مستقیم به مردم سخن گفته است.

مطالبه خانوار؛ اعتبار با قیمت کالا سنجیده می‌شود

❖ کانال اعتراض مدنی بازار، روایتی از خرید برنج منتشر کرده که در آن یک مخاطب، قیمت یک کیسه برنج هندی را حدود سه میلیون تومان عنوان می‌کند و از کاهش مقدار کالای قابل خرید با اعتبار حمایتی می‌گوید. محور این روایت، مقایسه مبلغ یارانه در طول زمان نیست، بلکه کاهش تعداد اقلامی است که خانواده می‌تواند با آن تهیه کند.

❖ ایلنا نیز در مطلبی درباره بازار گوشت، بر نا کافی بودن مبالغ کالا برگ برای خرید حتی یک کیلو گوشت منجمد تأکید کرده است.

برآیند این پوشش‌های رسانه‌ای، فاصله میان وعده اسمی حمایت و دسترسی مؤثر به کالا است. تازمانی که مبلغ نهایی، جامعه مشمول و شیوه اجرا روشن نشود، ارقام متفاوت می‌توانند انتظار عمومی را افزایش دهند، بی‌آنکه تصویر روشنی از میزان جبران فشار معیشتی ایجاد کنند.

بازتاب اختلاف درباره مسئولیت بحران اقتصادی میان مطالبه پاسخگویی و مخالفت با استیضاح سیاسی

اختلاف درباره عملکرد اقتصادی دولت، در مطالب تازه به دو پرسش متفاوت رسیده است: کدام سیاست‌ها مسئول وضعیت موجودند و آیا تغییر وزیران می‌تواند آن سیاست‌ها را تغییر دهد؟ در یک سوی بحث، منتقدانی قرار دارند که از نحوه تخصیص ارز و مدیریت منابع در شرایط جنگی انتقاد می‌کنند؛ در سوی دیگر، مهدی پازوکی بخشی از فشار مجلس برای استیضاح راسیاسی می‌داند و نسبت به محدود کردن نظارت به جابه‌جایی اشخاص اعتراض دارد.

تجارت‌نیوز به نقل از فرارو، اظهارات پازوکی را با تیتراژ «به جای قلع و قمع وزرا، مجلس سراغ چراهای اقتصاد برود» منتشر کرده است. این اقتصاددان گفته بسیاری از نمایندگان که خواهان استیضاح وزرای اقتصادی هستند، بیش از آنکه با وزیران مخالفت داشته باشند، مخالف دولت‌اند. پازوکی، آنچه میان مجلس و برخی وزیران دولت‌پزشکیان جریان دارد را «بیشتر شبیه دعوای سیاسی» توصیف کرده است. او همچنین گفته موضوعاتی که مجلس می‌تواند از طریق وظیفه نظارتی پیگیری کند، بسیار فراتر از استیضاح است و نمایندگان این بخش از مسئولیت خود را فراموش کرده‌اند. در این موضع، ناکارآمدی اقتصادی انکار نمی‌شود، اما ابزار مواجهه با آن مورد مناقشه قرار می‌گیرد. در مقابل، پیمان قربانی، معاون اسبق بانک مرکزی، در گفت‌وگو با «اقتصاد ۱۲۰»، نقد خود را متوجه تصمیم‌های ارزی کرده است. او پرسیده وقتی کشور با گرانی دارو و مواد غذایی مواجه است، چرا منابع ارزی برای واردات گوشی‌های بسیار گران‌قیمت و خودروهای لوکس مصرف می‌شود. قربانی با اشاره به عرضه سریع گوشی‌های تازه رونمایی شده در بازار ایران، نحوه اولویت‌بندی منابع در شرایط جنگی را زیر سؤال برده است. در بخش دیگری از گفت‌وگو، او این استدلال را به چالش کشیده که افزایش نرخ ارز الزاماً رانت‌رازی بین می‌برد و پرسیده آیا پس از افزایش قیمت، رانت و فساد حذف شده است. وی همچنین از امکان تخصیص ارز ارزان‌تر برای غذا و دارو دفاع کرده است.

در سوی دولت، مدنی‌زاده در مراسم آغاز پذیره‌نویسی نخستین صندوق درآمد ثابت ارزی، مسئله راز زاویه تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری مولد مطرح کرده است. او نرخ پس‌انداز را حدود ۳۶ درصد اعلام کرده، اما سرمایه‌گذاری خالص را منفی یا نزدیک صفر دانسته است. وزیر اقتصاد همچنین از خروج بخشی از پس‌اندازها از چرخه اقتصاد سخن گفته است. مدنی‌زاده، ایجاد ابزارهایی برای پوشش ریسک تورم و نوسان را از راه‌های هدایت سرمایه معرفی کرده و تأسیس صندوق‌های ارزی را بخشی از این برنامه دانسته است. او گفته برای استفاده از ظرفیت دارایی‌های مردم، از ارز و طلا تا دیگر دارایی‌ها، برنامه‌هایی در دستور کار قرار دارد.

در این مناقشه، سه سطح بحث کنار یکدیگر قرار گرفته است:

الف) مسئولیت سیاسی وزیر

ب) کیفیت سیاست تخصیص منابع

ج) توان ابزارهای مالی برای جذب سرمایه

اختلاف اصلی زمانی روشن تر می شود که تغییر اشخاص با تغییر سیاست یکسان فرض نشود. فضا سازی های اخیر، بیش از ارائه یک پاسخ مشترک، رقابت بر سر تعیین منشأ نا کارآمدی و مسئول آن را نشان می دهند.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی مأموریت احتمالی وزیر کشور پاکستان در تهران برای کاهش فشار انصارالله بر سعودی و احیای میانجی‌گری اسلام‌آباد
- ❖ برجسته‌سازی کارآمدی فشار حداکثری آمریکا با ادعای انباشت ۶۰ میلیون بشکه نفت ایران و افت صادرات به چین
- ❖ مقایسه عدم حضور علنی رهبری با انفعال احمدشاه پس از کودتای ۱۲۹۹ رضا خان و طرح سناریوی چیرگی تدریجی نظامیان
- ❖ احتمال محدودسازی پروازهای ایرانی به عراق در ادامه تنگ‌ترشدن مسیرهای ارتباطی ایران و ضرورت تحرک دیپلماتیک پیش‌دستانه تهران
- ❖ وزن‌دهی به نقش مستقیم چین در مدیریت هم‌زمان بحران هرمز و باب‌المندب و افزایش میانجی‌گری احتمالی پکن میان تهران و واشنگتن
- ❖ بازتاب چرخش ریاض به سوی آتش‌بس در سایه تشدید حملات انصارالله و افزایش هزینه‌های تقابل
- ❖ تحلیل المانیتور از تحولات یمن با طرح موضوع موازنه دشوار تهران میان بهره‌برداری از قدرت انصارالله و جلوگیری از گرفتارشدن در بحرانی مهارناپذیر
- ❖ بازتاب نخستین مواضع عبدالملک الحوثی پس از پیروزی‌های میدانی با تأکید بر تداوم تقابل با ریاض و نقش ویژه واشنگتن و تل‌آویو در مناقشه یمن
- ❖ بازنمایی حملات انصارالله به عنوان آزمون زود هنگام پیمان مکه و آشکارشدن محدودیت تعهدات ترکیه و پاکستان
- ❖ بازنمایی جنگ ایران به عنوان فرصتی برای کاهش اهمیت تنگه هرمز و محدودسازی اهرم ژئوپلیتیکی تهران
- ❖ بازخوانی جنگ ایران به عنوان نقطه تغییر محاسبات امنیتی کویت و زمینه‌ساز عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی
- ❖ برجسته‌سازی درخواست عاصم منیر از تهران برای مهار انصارالله با هدف وزن‌دهی به نقش ایران در کنترل تحولات میدانی یمن
- ❖ ادراک‌سازی از قرارگرفتن تهران در مرکز تلاش‌های پاکستان برای مهار هم‌زمان بحران یمن و احیای مذاکرات متوقف‌شده ایران و آمریکا
- ❖ برجسته‌سازی افت واردات نفت ایران توسط چین از ۱.۴ میلیون به ۴۴۰ هزار بشکه برای اعتباربخشی

به اثربخشی فشار حداکثری آمریکا

- ❖ پررنگ سازی انباشت ۶۰ میلیون بشکه نفت منتسب به ایران روی نفتکش های تحریم شده برای القای محدود شدن توان تهران در فروش نفت
- ❖ برجسته سازی تغییر مسیر ۱۰۵ کشتی تجاری توسط سنتکام برای بازنمایی اثرگذاری محاصره دریایی بر شبکه تجارت خارجی ایران
- ❖ تشکیک در مشروعیت رهبری با برجسته سازی عدم حضور عمومی و طرح ابهام درباره مرکز واقعی تصمیم گیری و میزان استقلال در اعمال رهبری
- ❖ ادراک سازی از تلاش برای جبران فقدان حضور عمومی رهبر انقلاب از طریق برجسته سازی سوابق امنیتی و سیاسی و روایت های مربوط به سلامت ایشان
- ❖ آینده هراسی از شکل گیری «جمهوری اسلامی سوم» با طرح سناریوی انتقال تدریجی مرکز ثقل قدرت از ولایت فقیه به ساختار امنیتی و سپاه
- ❖ فضا سازی درباره شکل گیری حلقه محدودیت هوایی پیرامون ایران با پیوند تحریم های هوانوردی آمریکا به محدودیت پروازهای ماهان در عمان و ترکیه
- ❖ برجسته سازی درخواست عربستان از چین برای اعمال نفوذ بر تهران با هدف بازنمایی ایران به عنوان بازیگر مؤثر بر حملات و پیشروی انصارالله
- ❖ وزن دهی به نقش چین به عنوان میانجی احتمالی ایران و آمریکا با برجسته سازی سفر عراقچی به پکن و تماس متعاقب وانگ یی باروبیو
- ❖ طرح ادعای دسترسی ایران به تصاویر ماهواره ای نهادهای چینی پیش از حمله به پایگاه موفق السلطی برای افزایش هزینه همکاری راهبردی پکن با تهران
- ❖ طرح موضوع «پارادوکس موفقیت» انصارالله برای القای احتمال تبدیل اهرم فشار یمن به بحرانی مهارناپذیر و پرهزینه برای تهران
- ❖ برجسته سازی ضرورت ایجاد خطوط لوله و کریدورهای جایگزین هرمز برای کاهش وابستگی کشورهای عربی و محدود سازی بلند مدت اهرم ژئوپلیتیکی ایران
- ❖ بازنمایی ایران به عنوان تهدید مشترک کشورهای خلیج فارس و اسرائیل برای قبح زدایی از عادی سازی روابط کویت و توسعه پیمان ابراهیم

رصد و تحلیل

برجسته سازی مأموریت احتمالی وزیر کشور پاکستان در تهران برای کاهش فشار انصارالله بر سعودی و احیای میانجی گری اسلام آباد

گمانه زنی ها درباره سفر محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، به تهران در شرایطی افزایش یافته که تشدید نبرد یمن، حملات به زیرساخت های انرژی عربستان و بن بست مذاکرات ایران و آمریکا، اسلام آباد را هم زمان در برابر دو پرونده میانجی گرانه قرار داده است. العربیه والحدث به نقل از منابع آگاه، راینزی درباره تنش ریاض و انصارالله را از محورهای اصلی سفر احتمالی نقوی اعلام کرده اند. مهم ترین هدف احتمالی این سفر رامی توان تلاش برای متوقف کردن حملات و پیشروی انصارالله از طریق راینزی با تهران دانست. خبرگزاری آنا تولی به نقل از منابع دولتی پاکستان گزارش داده عاصم منیر، فرمانده ارتش این کشور، پیش تر مستقیماً از عباس عراقچی خواسته بود ایران از نفوذ خود برای توقف حملات انصارالله به تأسیسات نفتی و اقتصادی عربستان استفاده کند. همان گفت و گو همچنین به احیای مذاکرات متوقف شده تهران و واشنگتن اختصاص داشته است؛ پرونده ای که پاکستان طی ماه های جنگ از میانجی های اصلی آن بوده است.

هم زمان، رویترز گزارش داده عربستان از چین نیز خواسته تهران را برای مهار انصارالله تحت فشار قرار دهد و پکن متعاقباً این موضوع را با ایران مطرح کرده است؛ اقدامی که از نگرانی فزاینده ریاض نسبت به پیشروی انصارالله، امنیت باب المندب و زیرساخت های انرژی سعودی حکایت دارد. گزارش مذکور در رسانه های عبری از جمله تایمز اسرائیل نیز بازتاب یافته است. در مجموع، سفر احتمالی نقوی رامی توان در امتداد تلاش اسلام آباد برای مهار جبهه یمن و هم زمان بازگرداندن تهران و واشنگتن به مسیر مذاکره ارزیابی کرد.

برجسته سازی کارآمدی فشار حداکثری آمریکا با ادعای انباشت ۶۰ میلیون بشکه نفت ایران و افت صادرات به چین

در امتداد رویکرد اعتباربخشی به سیاست فشار حداکثری ترامپ، الجزیره در گفتگو با یک منبع آمریکایی مجموعه ای از آمارها را درباره وضعیت صادرات نفت و تجارت خارجی ایران مطرح کرده که در مجموع، در چارچوب ادعای واشنگتن درباره افزایش کارآمدی تحریم ها و فشار اقتصادی علیه تهران قابل ارزیابی هستند. براساس این روایت، هم زمانی فشار بر صادرات انرژی، شبکه بانکی، حمل و نقل هوایی و کشتیرانی، مسیرهای دورزدن تحریم ها را محدودتر کرده است.

این منبع مدعی شده حدود ۶۰ میلیون بشکه نفت ایران یا نفت مشکوک به منشأ ایرانی، روی نفتکش های تحریم شده باقی مانده و کشتی های مستقر خارج از محدوده محاصره نیز با خطر

رهگیری مواجهه‌اند؛ وضعیتی که به ادعای وی، سرعت تخلیه و فروش محموله‌ها را کاهش داده است. بر مبنای ادعای این مقام آمریکایی، واردات چین از نفت ایران یا محموله‌های منتسب به ایران، به حدود ۴۴ هزار بشکه در روز رسیده است. برای مقایسه و القاب کارآمدی فشار حداکثری آمریکایی‌ها، الجزیره در گزارشی جداگانه رقم واردات چین از نفت ایران در سال ۲۰۲۵ را حدود ۱.۴ میلیون بشکه در روز ذکر کرده است.

در امتداد همین فشار، سخنگوی وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز از اقدامات سخت‌گیرانه علیه بانک‌ها و شبکه‌هایی در امارات و ترکیه مرتبط با حمایت از ماهان ایر سخن گفته است. وزارت خزانه‌داری طی هفته‌های اخیر نیز چند مرحله تحریم علیه شبکه‌های مالی و واسطه‌های مرتبط با ایران و ماهان ایر اعمال کرده و هدف اعلامی آن را قطع مجاری مالی و تجاری تهران عنوان کرده است. هم‌زمان با انتشار داده‌های یاد شده، الجزیره به نقل از سنتکام مدعی شده از زمان از سرگیری محاصره دریایی، مسیر ۵۰۰ کشتی تجاری را تغییر داده است. مجموع این ادعاها، در راستای تصویری است که واشنگتن از اثرگذاری هم‌زمان فشار مالی، نفتی و دریایی برای محدودسازی درآمدهای خارجی و شبکه‌های تجاری ایران ارائه داده و با بازنشر آن در رسانه‌ها از اثرپذیری و موفقیت رویکرد فوق خبر داده است.

مقایسه عدم حضور علنی رهبری با انفعال احمدشاه پس از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و طرح سناریوی چیرگی تدریجی نظامیان

رازیمت، پژوهشگر ارشد اسرائیلی حوزه ایران، در یادداشتی با عنوان «رهبر ناپدید شده؛ جدال برای مشروعیت (آیت‌الله) مجتبی خامنه‌ای»، عدم حضور رهبر انقلاب در عرصه عمومی را نقطه عزیمت برای طرح ادعای بحران مشروعیت و احتمال تغییر تدریجی ماهیت ساختار قدرت در جمهوری اسلامی قرار داده است. زیمت با هدف ایجاد تشکیک در این زمینه نوشته است که انتشار پیام‌ها، احکام و بیانیه‌ها به نام رهبر انقلاب، بدون انتشار تصویر یا حضور عمومی، زمینه افزایش ابهامات درباره وضعیت جسمانی، قدرت تصمیم‌گیری و میزان استقلال ایشان در اعمال رهبری را فراهم کرده است.

طرح ادعای تشدید تلاش‌ها برای تثبیت مشروعیت رهبر انقلاب در سایه غیبت از عرصه عمومی

زیمت افزایش روایت‌های رسانه‌ای درباره سوابق، توانمندی‌ها و نقش آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در ساختار تصمیم‌گیری طی دوران رهبری حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را نشانه تلاش برای ایجاد «حضور عمومی از طریق واسطه‌ها» ارزیابی می‌کند. وی به اظهارات فریدالدین حداد عادل

استناد کرده که آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای رافردی ساده‌زیست معرفی و مدعی شده‌وی حدود ۲۵ سال در موضوعات امنیتی، نظامی و سیاسی دستیار پدرش بوده است. روایت منتسب به سردار علی فدوی مبنی بر اینکه آیت‌الله خامنه‌ای درباره دستورات فرزندش گفته بود «حرف آقا مجتبی، حرف من است» نیز از نگاه زیمت بخشی از فرایند اثبات سابقه اقتدار وی پیش از رهبری است. نویسندگان همچنین برجسته‌سازی سلامت کامل رهبر انقلاب، ادعای حضور ایشان در مراسم تشییع پدر و روایت‌هایی درباره اطلاع کامل او از تحولات کشور را در همین چارچوب تحلیل می‌کند. زیمت در سطح مذهبی نیز به سخنان آیت‌الله محمد مهدی میرباقری درباره تشبیه «غیبت» رهبر انقلاب با مفهوم غیبت در سنت شیعی می‌پردازد و آن را تلاشی برای تبدیل یک آسیب سیاسی و ارتباطی به منبع مشروعیت دینی می‌خواند. زیمت در کنار این موارد، جانشینی پسر پس از پدر، محدود بودن سابقه رسمی و جایگاه حوزوی آیت‌الله مجتبی‌خامنه‌ای را سه محور اصلی آسیب‌پذیری مشروعیت ایشان معرفی کرده است.

القای حرکت «جمهوری اسلامی سوم» از ولایت فقیه به محوریت ساختار امنیتی و سپاه

بخش محوری تحلیل زیمت از توصیف وضعیت موجود فراتر رفته و به ترسیم مسیر احتمالی ساختار قدرت اختصاص دارد. وی دوره پس از شهادت رهبر معظم انقلاب را «جمهوری اسلامی سوم» نامیده و مدعی است تداوم غیبت رهبر انقلاب می‌تواند تعیین مرکز واقعی تصمیم‌گیری، داوری میان مراکز قدرت و میزان وابستگی رهبری به مشاوران و فرماندهان ارشد سپاه را با ابهام بیشتری مواجه کند.

زیمت در نهایت این وضعیت را با دوره قدرت‌گیری رضاخان پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ مقایسه می‌کند؛ دوره‌ای که افزایش تدریجی قدرت نظامی و سیاسی رضاخان در ساختار قاجار، سرانجام به کنار رفتن احمدشاه، انقراض قاجاریه و تأسیس سلطنت پهلوی انجامید. بر همین مبنا، نویسندگان سناریویی را مطرح می‌کنند که در آن چارچوب رسمی ولایت فقیه حفظ می‌شود، اما کانون واقعی قدرت به تدریج به نهادهای امنیتی و سپاه منتقل خواهد شد و نهایتاً می‌تواند به شکل متفاوتی از تمرکز شخصی قدرت منتهی شود.

هسته استدلال زیمت، تبدیل «غیبت رهبر انقلاب» از یک وضعیت امنیتی موقت به نشانه‌ای از بحران مشروعیت و جابه‌جایی ساختاری قدرت است. این نویسنده صهیونیست مجموعه روایت‌های منتشر شده درباره سوابق، سلامت و صلاحیت رهبر انقلاب را قرینه تلاش برای جبران فقدان حضور عمومی می‌گیرد و سپس با قیاس تاریخی رضاخان، امکان انتقال مرکز ثقل نظام از رهبری دینی به ساختار نظامی-امنیتی را مطرح می‌کند. سناریو مذکور مختص به زیمت نبوده و از زمان شهادت رهبر شهید و به منظور اعتبارزدایی از جمهوری اسلامی و ماهیت دینی آن، کراراً از سوی

محافل صهیونیستی مطرح شده؛ رویکردی که دست کم واجد دو دستاورد برای آنان خواهد بود: (۱) ناامیدی بدنه مذهبی حامی جمهوری اسلامی با طرح ادعای عبور از نظام فقهی به نظامی میلیتاریستی؛

(۲) برانگیختن حساسیت نیروهای غیرمذهبی جامعه نسبت به پیامدهای استقرار حکومتی خودکامه توسط نظامیان.

هشدار احتمال محدودسازی پروازهای ایرانی به عراق در ادامه تنگ‌تر شدن مسیرهای ارتباطی ایران و ضرورت تحرک دیپلماتیک پیش‌دستانه تهران

راهبرد فشار آمریکا علیه ایران در طول هفته‌های اخیر و پس از ناکامی واشنگتن در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در جنگ و به منظور حصول نتیجه مطلوب پیش از انتخابات کنگره در حال عبور از تحریم‌های متعارف مالی و نفتی و حرکت به سمت محدودسازی هم‌زمان مسیرهای دریایی، زمینی و هوایی کشور است. در حوزه هوانوردی، تحریم‌های تازه وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه شرکت‌های هواپیمایی ایرانی و مجموعه‌ای از شرکت‌های خارجی ارائه‌دهنده خدمات به آنها، به محدودیت اخیر پروازهای ماهان به عمان و ترکیه همراه شده است. تداوم این روند، خطر سرایت محدودیت‌ها به دیگر همسایگان و شکل‌گیری تدریجی حلقه فشار پیرامون ارتباطات هوایی ایران را افزایش می‌دهد.

در همین بستر، منابع غیررسمی و شماری از حساب‌های شناخته‌شده عراقی در شبکه‌های اجتماعی از احتمال تعلیق پرواز شرکت‌های هواپیمایی ایرانی به عراق طی دو هفته آینده خبر داده‌اند. بر اساس این ادعا، بغداد ممکن است تحت فشار واشنگتن فعالیت شرکت‌های ایرانی را محدود کند، در حالی که شرکت‌های غیرایرانی همچنان امکان جابه‌جایی مسافر میان ایران و عراق را داشته باشند. این ادعا تاکنون از سوی مقام‌های رسمی عراق تأیید نشده است و از این رو باید به عنوان یک هشدار اولیه و سناریویی با احتمال وقوع بالا از سوی مسئولین مربوطه مورد توجه قرار گیرد. اهمیت موضوع فوق‌زمانی افزایش می‌یابد که رفتار اخیر بغداد در مرزهای زمینی نیز در نظر گرفته شود. انسداد موقت برخی گذرگاه‌های مرزی عراق با ایران پس از بحران ناشی از حمله به خط لوله عربستان نشان داد دولت عراق در شرایط افزایش فشارهای امنیتی و سیاسی منطقه‌ای، امکان اعمال سریع محدودیت بر مسیرهای ارتباطی با ایران را مدنظر قرار می‌دهد. هرچند این محدودیت‌ها موقت بود و نمی‌توان آن را به تنهایی نشانه تبعیت بغداد از واشنگتن دانست، تکرار چنین الگویی در حوزه هوایی می‌تواند اهمیت متفاوتی پیدا کند.

از این منظر، انتظار برای اعلام رسمی احتمالی بغداد می‌تواند هزینه مدیریت مسئله را افزایش دهد. رایزنی‌های پیش‌دستانه و ترجیحاً غیرعلنی تهران با مقامات عراقی، فعال‌سازی ظرفیت‌های

سیاسی و اقتصادی روابط دو کشور و تبیین پیامدهای محدودیت پروازی برای تجارت، زیارت و رفت و آمد شهروندان، از گزینه‌های قابل بررسی است. هم‌زمان ضروری است دستگاه‌های مسئول، سناریوی محدود شدن مسیر هوایی عراق را از هم‌اکنون در محاسبات خود وارد کرده و برای حفظ ظرفیت جابه‌جایی مسافر، مسیرهای جایگزین و کاهش آسیب‌پذیری شبکه هوایی تمهیدات لازم را پیش‌بینی کنند.

به واقع اگرچه خبر تعلیق پروازها همچنان در حد گمانه‌زنی باقی مانده و مورد تأیید منابع رسمی قرار نگرفته است، اما قرار گرفتن آن در کنار تحریم‌های تازه هوانوردی، محدودیت ماهان در عمان و ترکیه و تجربه انسداد موقت مرزهای عراق، آن را به هشدار قابل اعتنا درباره احتمال انتقال فشار آمریکا به حلقه عراقی تبدیل می‌کند. در صورت تحقق این سناریو، مسئله صرفاً توقف چند مسیر پروازی نخواهد بود، بلکه می‌تواند مقدمه‌ای برای افزایش هزینه ارتباطات منطقه‌ای ایران و تشویق سایر شرکا به اقدامات مشابه باشد. از این رو، اقدام دیپلماتیک پیش‌دستانه و طراحی تمهیدات جایگزین پیش از تبدیل فشار سیاسی به تصمیم اجرایی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

وزن دهی به نقش مستقیم چین در مدیریت هم‌زمان بحران هرمز و باب‌المندب و افزایش میانجی‌گری احتمالی پکن میان تهران و واشنگتن

تداوم منازعه منطقه‌ای پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، طولانی شدن جنگ و افزایش هزینه‌های اقتصادی آن، به تدریج توجه بخشی از بازیگران منطقه‌ای را به ظرفیت چین برای ایفای نقشی فعال‌تر معطوف کرده است. دشواری واشنگتن در دستیابی به یک پایان سیاسی روشن، ناخرسندی برخی متحدان آمریکا از نحوه مدیریت بحران و روابط حسنه پکن با تهران و کشورهای عربی خلیج فارس، چین را در موقعیتی متفاوت قرار داده است. پیشروی اخیر انصارالله در سواحل دریای سرخ نیز این روند را تشدید کرده؛ زیرا اکنون بحران هرمز و باب‌المندب، دو مسیر حیاتی انرژی چین، بیش از گذشته به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

از تشدید نگرانی‌ها پیرامون منازعه «دوتنگه» تا درخواست ریاض برای مداخله دیپلماتیک پکن

رویتز به نقل از سه منبع ایرانی گزارش داده است که عربستان پس از پیشروی انصارالله در ساحل دریای سرخ و اطراف باب‌المندب، از چین خواسته برای مهار این گروه وارد عمل شود. متعاقب آن، پکن خصوصی از تهران خواسته از نفوذ خود برای جلوگیری از گسترش درگیری استفاده کند. یکی از منابع رویتز درباره موقعیت جدید منطقه گفته است: «چین به هر دو وابسته است»؛ اشاره‌ای به هرمز و باب‌المندب که هم‌زمان شریان‌های انتقال نفت ایران و کشورهای عربی به شرق آسیا را تحت

فشار قرار داده‌اند.

این گزارش بلافاصله در تایمز آو اسرائیل و وای نت نیز برجسته شد؛ وای نت درخواست ریاض از پکن را نشانه اهمیت موقعیت خاص چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران و هم‌زمان شریک مهم کشورهای خلیج فارس توصیف کرد. المانیتور نیز در تحلیل مجزایی به قلم جویس کرم با عنوان «چین در یمن از خلأ امنیتی آمریکا بهره می‌برد و هم‌زمان به دنبال مهار حوثی‌هاست»، بحران کنونی را برای پکن «دولبه» دانسته است؛ از یک سو تضعیف اعتماد به معماری امنیتی آمریکا، فضای بیشتری برای نفوذ دیپلماتیک چین ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، تضعیف عربستان و اختلال طولانی در انرژی مستقیماً علیه منافع پکن عمل می‌کند. این رسانه نتیجه می‌گیرد که مسئله، جایگزینی فوری چین با آمریکا نیست، بلکه ظهور تدریجی نظم امنیتی پراکنده‌تری است که پکن می‌تواند از طریق تعامل با بازیگرانی که واشنگتن قادر یا مایل به مدیریت آنان نیست، در آن نفوذ بیشتری کسب کند.

سفر عراقچی و فعال شدن هم‌زمان خطوط تهران و واشنگتن

در چنین فضایی، سفر عباس عراقچی به پکن اهمیت مضاعف یافته است. وانگ یی در دیدار ۱۶ سپتامبر، علاوه بر تأکید بر «حفظ حقوق و منافع مشروع ایران»، از تهران و واشنگتن خواست به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بازگردند، سازوکار مذاکره را احیا کنند و برای بازگشایی هرمز اقدام شود. او تصریح کرد ادامه جنگ ایران و آمریکا «در راستای منافع مشترک طرف‌ها و جامعه بین‌المللی نیست» و چین آماده ایفای «نقشی سازنده» است. عراقچی نیز از افزایش نقش چین در صلح و ثبات منطقه استقبال کرد.

اهمیت این دیدار زمانی بیشتر شد که وانگ یی تنها یک روز پس از دیدار با عراقچی با مارکوروبیو، وزیر خارجه آمریکا، تماس گرفت و دو طرف علاوه بر روابط دوجانبه درباره تحولات خاورمیانه تبادل نظر کردند. نورالدین الدغیر خبرنگار الجزیره در تهران در توئیتی در این خصوص نوشته است:

«صحبت‌های ترامپ درباره حمله به ایران، به اعتقاد من تلاشی برای زمینه‌سازی جهت مذاکره با ایران است؛ چراکه این موضع‌گیری‌ها بلافاصله پس از سفر عراقچی به پکن مطرح شد. همچنین تماس تلفنی میان وزرای خارجه چین و آمریکا نشان می‌دهد که چین در حال سنجش تمایل ایران و واشینگتن نسبت به هرگونه اقدام چین برای حل و فصل اختلافات میان آن‌هاست، و ایران نیز در جستجوی کسی است که تضمین‌های لازم را ارائه دهد.»

هم‌زمان المانیتور نوشته است پکن اکنون مستقیماً با پیامدهای اختلال دو مسیر اصلی نفت خود مواجه است؛ نفت ایران در هرمز و نفت سعودی در دریای سرخ. الجزیره نیز افزایش قیمت بنزین در چین را با کاهش شدید جریان نفت از هرمز مرتبط دانسته است.

در سطحی کلان‌تر، المجله در تحلیلی به قلم امیر هندی جانی با عنوان «فقط چین، هند و روسیه می‌توانند جنگ ایران را پایان دهند»، استدلال کرده است که واشنگتن برای یافتن مسیر خروج از جنگ ممکن است به رقبای خود نیاز پیدا کند. نویسنده سهم چین را عمدتاً اقتصادی می‌داند؛ پکن هم خریدار اصلی نفت ایران است و هم قادر است بخشی از پشتوانه اقتصادی مورد نیاز یک توافق را فراهم کند. هندی جانی جمع‌بندی می‌کند که برای واشنگتن، «کوتاه‌ترین مسیر ممکن است نه مستقیماً از تهران، بلکه از دهلی‌نو، مسکو و پکن بگذرد.»

از حمایت سیاسی در شورای امنیت تا اتهام مشارکت اطلاعاتی

هم‌زمان با طرح میانجی‌گری چین، سوی دیگری از نقش پکن نیز در رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی برجسته شده است. چین و روسیه قطعنامه آمریکا برای تمدید مأموریت هیأت کارشناسان ناظر بر تحریم‌های ایران را وتو کردند؛ اقدامی که واشنگتن آن را ایجاد خلأ در نظارت بر تحریم‌ها خواند، در حالی که مسکو و پکن اساس حقوقی بازگشت تحریم‌ها را زیر سؤال برده‌اند.

مهم‌تر از آن، وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شده ایران پیش از حمله ۱۷ ژوئیه به پایگاه موفق السلطی اردن، به تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بالای تهیه شده توسط نهادهای چینی دسترسی داشته است. با این حال، مقام‌های آمریکایی دولت چین را مستقیماً به مشارکت در حمله متهم نکرده‌اند و پکن نیز ادعای مذکور را رد کرده است. این ادعا اکنون وارد منازعه سیاسی واشنگتن نیز شده؛ جان مولنار، رئیس جمهوری خواه کمیته ویژه چین مجلس نمایندگان، در آستانه دیدار ترامپ و شی خواستار برخورد سخت‌تر با پکن به دلیل حمایت‌دعایی از ایران شده است. در کنار آن، گزارش‌های پیشین درباره تأمین قطعات دو منظوره، مواد مورد استفاده در صنایع موشکی و شبکه‌های تأمین فناوری نیز به خط رسانه‌ای افزایش هزینه همکاری پکن با تهران افزوده شده‌اند. تراکم این نشانه‌ها حاکی از آن است که چین بیش از گذشته به متن بحران خاورمیانه کشیده شده است؛ نه صرفاً به عنوان شریک اقتصادی تهران، بلکه به عنوان بازیگری که ریاض برای مهار انصارالله، تهران برای پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک و واشنگتن برای یافتن مسیر احتمالی کاهش تنش ناچار به محاسبه نقش آن هستند. وابستگی چین به انرژی منطقه، افزایش وزن بین‌المللی پکن و تردید برخی شرکای آمریکا درباره کارآمدی تضمین‌های واشنگتن، فضای این نقش‌آفرینی را گسترش داده است. با این حال، پکن میان دو ضرورت متعارض قرار دارد: حفظ روابط راهبردی با ایران و جلوگیری از آنکه فشار هم‌زمان بر هر رمز و باب‌المنذب، امنیت انرژی و مناسباتش با کشورهای عربی را تهدید کند. از این رو آزمون اصلی، تبدیل نفوذ اقتصادی و سیاسی چین به قدرت واقعی برای مدیریت بحران «دوتنگه» خواهد بود.

بازتاب چرخش ریاض به سوی آتش بس در سایه تشدید حملات انصارالله و افزایش هزینه‌های تقابل

هم‌زمان با تداوم پیشروی‌های انصارالله و حملات موشکی و پهپادی به عمق عربستان، جروزالم پست، الاخبار و المیادین از تلاش ریاض برای دستیابی به آتش بس دو هفته‌ای با انصارالله از طریق میانجی‌گری عمان خبر داده‌اند؛ اقدامی که در صورت تأیید رسمی، می‌تواند نشانه‌ای از دشواری ادامه مسیر نظامی برای سعودی‌ها و تلاش برای مهار خسارات منازعه باشد.

الاخبار به نقل از منابع خود مدعی شده پیشنهاد سعودی پس از رایزنی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تدوین شده و شامل آتش بس دو هفته‌ای، مذاکرات مستقیم با رهبران انصارالله و بررسی «پرونده انسانی» با هدف حرکت به سوی توافق جامع است. المیادین نیز اصل درخواست ریاض از مسقط برای انتقال پیشنهاد آتش بس را تأیید کرده است. جروزالم پست نیز با بازتاب این گزارش‌ها، اقدام عربستان را حرکت از کانال نظامی به مسیر دیپلماتیک توصیف کرده است.

در همین راستا، گزارش اخیر رویترز مبنی بر تلاش عربستان برای استفاده از کانال چین و درخواست از پکن برای رایزنی با تهران جهت کاهش شدت حملات و پیشروی انصارالله، می‌تواند قرینه‌ای در جهت افزایش احتمال صحت گزارش‌های مربوط به تلاش ریاض برای کاهش تنش تلقی شود؛ هرچند عربستان تاکنون جزئیات پیشنهاد آتش بس را رسماً تأیید نکرده است.

تمایل احتمالی ریاض به آتش بس را می‌توان در مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان جست‌وجو کرد:

- ❖ آسیب به خط لوله شرق - غرب؛
 - ❖ حملات به تأسیسات آرامکو و مراکز اقتصادی؛
 - ❖ نگرانی از انتقال نبرد به داخل خاک سعودی؛
 - ❖ خودداری آمریکا از ورود مستقیم به جنگ و بی‌میلی ترامپ به گشودن جبهه‌ای تازه
 - ❖ آشکار شدن محدودیت عملی پیمان مکه در تأمین حمایت فوری ترکیه و پاکستان.
- مجموع این عوامل هزینه ادامه تقابل را برای ریاض افزایش داده و مسیر مذاکره را به گزینه‌ای جدی‌تر تبدیل کرده است.

تحلیل المانیتور از تحولات یمن با طرح موضوع موازنه دشوار تهران میان بهره‌برداری از قدرت انصارالله و جلوگیری از گرفتار شدن در بحرانی مهارناپذیر

المانیتور در تحلیلی پیرامون تحولات یمن، مدعی شده پیشروی‌های انصارالله در سواحل دریای سرخ و حملات به زیرساخت‌های نفتی عربستان، تهران را در برابر یک معادله ژئوپلیتیکی دووجهی قرار داده است؛ بهره‌برداری از افزایش فشار بر ریاض، و اشنگتن و تل‌آویو بدون آنکه موفقیت‌های میدانی یمن به تصاعدی خارج از کنترل منجر شود. در این چارچوب، نویسنده از شکل‌گیری اهرمی

برای اعمال فشار هم‌زمان در هرمز و باب‌المندب سخن می‌گوید.

ادعای تبدیل یمن به اهرم فشار غیرمستقیم تهران در معادله دو تنگه

تحلیل المانیتور با وجود اشاره به تکذیب هرگونه دخالت ایران از سوی وزارت خارجه، مدعی است سال‌ها حمایت تسلیحاتی و مستشاری، امکان بهره‌گیری از ظرفیت انصارالله در سطحی پایین‌تر از مداخله مستقیم را فراهم کرده است. از این منظر، حملات به تأسیسات آرامکو و خط لوله شرق به غرب عربستان، ضمن افزایش هزینه‌های ریاض، می‌تواند محاسبات آمریکا و اسرائیل را نیز پیچیده‌تر سازد. نویسنده همچنین پیشروی‌های انصارالله را عاملی برای تقویت موقعیت چانه‌زنی تهران در ترتیبات امنیت دریایی منطقه می‌داند و تعویق نشست مسقط درباره امنیت هرمز را در همین فضای رقابتی تفسیر می‌کند.

هشدار درباره تبدیل مزیت راهبردی انصارالله به بحران مهارناپذیر برای ایران

محور دوم تحلیل بر «پارادوکس موفقیت» استوار است. به ادعای نویسنده، جذابیت انصارالله برای تهران در هزینه‌سازی برای رقبای بدون ورود مستقیم ایران به جنگ نهفته است؛ اما همین مزیت در صورت پیشروی به سوی باب‌المندب یا ایجاد اختلال جدی در جریان‌های نفتی می‌تواند معکوس شود. المانیتور احتمال واکنش گسترده عربستان یا آمریکا را مهم‌ترین ریسک این وضعیت می‌داند؛ سناریویی که در آن انصارالله از یک ابزار بازدارندگی به بازیگری با پویایی مستقل و مولد بحران تبدیل می‌شود و تهران ناچار خواهد شد میان حفظ دستاورد ژئوپلیتیکی و جلوگیری از گسترش جنگ، موازنه‌ای دشوار برقرار کند.

بازتاب نخستین مواضع عبدالملک الحوثی پس از پیروزی‌های میدانی با تأکید بر تداوم تقابل با ریاض و نقش ویژه واشنگتن و تل‌آویو در مناقشه یمن

عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله، در نخستین سخنرانی پس از پیروزی‌های گسترده نیروهای یمنی در جبهه داخلی، ضمن تثبیت روایت «دفاع در برابر تجاوز»، مهم‌ترین خطوط سیاسی و نظامی انصارالله در مرحله جدید را تشریح کرد. بخش عمده سخنان وی بر تداوم تقابل با عربستان، رد روایت‌های ریاض درباره جنگ و برجسته‌سازی نقش آمریکا و اسرائیل در پشتیبانی از عملیات علیه یمن متمرکز بود.

تأکید بر ماهیت دفاعی عملیات انصارالله و معرفی عربستان به عنوان آغازگر دور جدید درگیری: الحوثی پیروزی‌های اخیر را ادامه ایستادگی یمن در جنگی دانست که به گفته وی وارد دوازدهمین سال شده است. او تأکید کرد انصارالله در «موضع دفاع ضروری» قرار دارد و عربستان آغازگر دور اخیر تنش با بمباران فرودگاه صنعا بوده است. بر مبنای اظهارات رهبر انصارالله، ریاض در دوره کاهش

تنش نیز به جای حرکت به سوی صلح، بر ایجاد تشکل های نظامی و افزایش فشار علیه یمن متمرکز بوده است.

برجسته سازی تداوم محاصره یمن و متهم کردن ریاض به هدف قرار دادن زیرساخت های غیرنظامی: رهبر انصارالله، ادامه محدودیت بر فرودگاه ها و ورود کالا را یکی از مسائل اصلی حل نشده با ریاض خواند. وی با مرور حملات سال های گذشته، عربستان را به هدف قرار دادن بازارها، منازل، بیمارستان ها، مدارس، آثار تاریخی و بیش از دو هزار مسجد متهم و تأکید کرد انصارالله اسناد این حملات را در اختیار دارد.

رد ادعای هدف قرار دادن مکه و متهم کردن ریاض به بهره برداری سیاسی از مقدسات: بخش قابل توجهی از سخنان الحوثی به تکذیب ادعای هدف قرار دادن مکه مکرمه اختصاص یافت. وی این موضوع را «بهتان» خواند و مدعی شد عربستان از این روایت برای جلب حمایت منطقه ای و بین المللی و مشروعیت بخشی به ادامه عملیات علیه یمن استفاده می کند. الحوثی در مقابل بر جایگاه مکه و مقدسات اسلامی نزد یمنی ها تأکید کرد.

تأکید بر نقش ویژه واشنگتن و تل آویو در حمایت از ریاض و مدیریت عملیات علیه یمن: الحوثی همچنین اظهار داشت که مجموعه ای متشکل از ۲۰۰ نظامی و کارشناس آمریکایی در مدیریت عملیات علیه یمن نقش دارد و کارشناسان آمریکایی، اسرائیلی و انگلیسی نیز در این روند مشارکت دارند. از نگاه وی، تلاش عربستان برای افزایش مشارکت خارجی نشان دهنده حرکت ریاض به سمت بین المللی و منطقه ای کردن مستقیم تر جنگ یمن است.

بازنمایی حملات انصارالله به عنوان آزمون زود هنگام پیمان مکه و آشکار شدن محدودیت تعهدات ترکیه و پاکستان

تداوم پیشروی و حملات انصارالله علیه عربستان، بار دیگر کارآمدی «پیمان دفاع مشترک مکه» میان ریاض، آنکارا و اسلام آباد را به یکی از محورهای رسانه های صهیونیستی تبدیل کرده است. جروزالم پست در تحلیلی به قلم ست فرانتزمن نوشته است که برداشت اولیه مبنی بر اینکه این پیمان باید به اعزام فوری نیرویاسامانه های دفاعی ترکیه و پاکستان برای حمایت از عربستان منجر شود، احتمالاً با ماهیت واقعی توافق سازگار نیست.

این رسانه با مرور بازتاب های اخیر از وای نت، ان دی تی وی، تایمز اسرائیل، میدل ایست آی و ژاپن تایمز نشان می دهد حملات انصارالله به محکی برای سنجش فاصله میان ادعای «دفاع جمعی» و ظرفیت عملی پیمان تبدیل شده است. با این حال، فرانتزمن با مقایسه توافق مکه با ناتو استدلال می کند حتی پیمان های دفاع جمعی نیز الزاماً اعضا را به مشارکت در تمامی جنگ های یکدیگر وادار نمی کنند؛ همان گونه که ناتو وارد جنگ ویتنام یا فاکلند نشد. وی جنگ یمن را برای

عربستان تاحدی مشابه ویتنام برای آمریکا توصیف و انصارالله را از منظر دشواری شکست یک نیروی شورشی با ویت کنگ مقایسه می‌کند.

در بخشی از گزارش جروزالم پست مدعی شده که هنگام امضای توافق، نشانه‌ای وجود نداشت که پاکستان و ترکیه موظف به اعزام نیرو به یمن یا استقرار فوری پدافند در عربستان باشند. این ارزیابی با گزارش پیشین میدل ایست آی درباره تکمیل نشدن سازوکارهای حقوقی، دبیرخانه و هماهنگی عملیاتی پیمان هم جهت است.

در مجموع، پس از آنکه بخشی از محافل صهیونیستی حملات انصارالله را نشانه ناکامی نخستین آزمون پیمان مکه و دلیلی بر محدودیت ترتیبات امنیتی فاقد رژیم صهیونیستی معرفی کرده و به تمسخر آن پرداختند، تحلیل جدید جروزالم پست تلاش دارد سطح انتظار از توافق را تعدیل کند. با این حال، خود گزارش نیز عملاً تأیید می‌کند پیمان مکه در وضعیت کنونی بیش از آنکه سازوکاری برای واکنش سریع نظامی باشد، آغاز یک فرایند بلند مدت دفاعی است و توان آن برای ایجاد بازدارندگی عملی همچنان محل پرسش است.

بازنمایی جنگ ایران به عنوان فرصتی برای کاهش اهمیت تنگه هرمز و محدودسازی اهرم ژئوپلیتیکی تهران

یوئل گوزانسکی، پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، در یادداشتی با عنوان «فردای هرمز؛ آیا خلیج فارس می‌تواند خود را از گلوگاه رها کند؟» مدعی شده است که جنگ رمضان نشان داده وابستگی کشورهای عربی به تنگه هرمز صرفاً یک آسیب‌پذیری انرژی نیست، بلکه ارتباط بخش مهمی از اقتصاد خلیج فارس با تجارت جهانی را نیز در معرض اختلال قرار می‌دهد. به نوشته وی، هدف واقع‌بینانه حذف هرمز نیست، بلکه ایجاد «معماری افزونگی» متشکل از چندین خط لوله، بندر و کریدور جایگزین است.

برجسته‌سازی ابعاد وابستگی خلیج فارس به هرمز: گوزانسکی می‌نویسد پیش از جنگ روزانه حدود ۲۱ میلیون بشکه نفت خام از هرمز عبور می‌کرد، اما این رقم در سه ماهه دوم ۲۰۲۶ به حدود ۴.۹ میلیون بشکه کاهش یافت. انتقال بخشی از نفت عربستان به یمن نیز جریان باب‌المنندب را از ۵.۴ به ۸.۱ میلیون بشکه افزایش داد؛ اما محاصره اعلامی انصارالله، آسیب‌پذیری مسیر جایگزین را آشکار کرد.

طرح عمان به عنوان حلقه کلیدی معماری جایگزین: نویسنده توسعه خط لوله شرق به غرب عربستان و مسیر حبشان-الفجیره امارات را ضروری اما ناکافی می‌داند. پیشنهاد اصلی وی، احداث خط لوله‌ای از شرق عربستان از طریق عمان به دریای عرب است که هرمز و باب‌المنندب را هم‌زمان دور زده و مستقیماً به بازارهای آسیایی متصل شود. دقم و فجیره نیز به عنوان ورودی‌های جایگزین برای

کریدور هند - خاور میانه - اروپا مطرح شده‌اند.

تأکید بر دشواری دوزدن هرمز برای قطر: گوزانسکی تأکید دارد برخلاف نفت، برای صادرات ال‌ان‌جی قطر تقریباً هیچ جایگزین عملیاتی وجود ندارد و ایجاد خطوط انتقال و ظرفیت مایع‌سازی خارج از خلیج فارس مستلزم سرمایه‌گذاری‌های بسیار گسترده خواهد بود.

در مجموع، این پیشنهادها در چارچوب دیدگاه نویسنده و مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل مطرح می‌شوند که کاهش وابستگی منطقه به هرمز را در راستای کاهش توان ایران برای تبدیل موقعیت جغرافیایی خود به اهرم فشار اقتصادی و راهبردی ارزیابی می‌کند. در این نگاه، توسعه مسیرهای زمینی و دریایی جایگزین می‌تواند در بلندمدت از وزن ژئوپلیتیکی تهران بکاهد و پیوندهای زیرساختی کشورهای عربی با یکدیگر و مسیرهای منطقه‌ای خارج از ایران را تقویت کند. با این حال، خود گوزانسکی نیز بی‌اهمیت شدن هرمز ظرف دو سال را دور از واقعیت می‌داند.

بازخوانی جنگ ایران به عنوان نقطه تغییر محاسبات امنیتی کویت و زمینه‌ساز عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی

طرح مکرر احتمال عادی‌سازی روابط کویت و اسرائیل در رسانه‌های عبری، این بار با گزارش‌های کان و اسرائیل هیوم وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ روندی که محور آن، بازتعریف ایران به عنوان تهدید اصلی کشورهای عربی و هم‌زمان اعتبار بخشی به رژیم صهیونیستی به عنوان شریک امنیتی اعراب است.

اسرائیل هیوم در گزارش «کویت در سایه تهدید ایران، بی‌سروصدابه اسرائیل نزدیک می‌شود» به قلم دنی زاکن، جنگ ایران و تحولات یمن را عامل تغییر محاسبات امنیتی کشورهای عرب خلیج فارس معرفی کرده است. این رسانه مدعی است همکاری اطلاعاتی و پدافندی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه در جریان جنگ رمضان، از جمله ارائه هشدارهای زودهنگام و استقرار سامانه گنبد آهنین در امارات، نگاه برخی دولت‌های عربی به تل‌آویو را تغییر داده است. در همین چارچوب، ادعای آغاز بررسی اصلاح برخی قوانین ضد اسرائیلی کویت و سخنان یوسی شلی درباره احتمال پیوستن کویت به پیمان ابراهیم طی چهار تا شش ماه آینده برجسته شده است؛ هرچند گزارش اذعان دارد تصمیم رسمی در این باره اعلام نشده است.

شبکه کان نیز با هدف ضریب‌دهی به ادعای مذکور با طرح ادعای انجام گفت‌وگوهای محرمانه صهیونیست‌ها با کویتی‌ها، به نقل از یک وزیر پیشین ناشناس کویتی، همکاری با تل‌آویو علیه «تهدیدهای مشترک» را به سود کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دانسته و این گزاره را برجسته کرده که پس از حملات ایران، دیگر نباید درباره اینکه «ایران یا اسرائیل دشمن کشورهای خلیج فارس است» تردید داشت.

برآیند این دو گزارش، انتقال جایگاه رژیم صهیونیستی از عامل منازعه به شریک دفاعی و انتقال جایگاه ایران به دشمن نخست اعراب است؛ چارچوبی که ضمن کمرنگ کردن نقش اسرائیل در آغاز و گسترش جنگ و همچنین نادیده انگاشتن سیاست‌های توسعه طلبانه ارضی صهیونیست‌ها در منطقه، در مسیر قبح‌زدایی از روابط اعراب با تل‌آویو و هموارسازی افکار عمومی برای توسعه پیمان ابراهیم گام برداشته است. تکرار نام کویت در رسانه‌های عبری، در کنار فقدان اعلام تصمیم رسمی از سوی کویت، بیش از آنکه اثبات‌کننده عادی‌سازی قریب الوقوع باشد، فعلاً نشان‌دهنده تلاش برای ساختن زمینه سیاسی و رسانه‌ای چنین تحولی است.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ بازنمایی دوگانه ترامپ از تهدید به تشدید حملات و آمادگی برای توافق با هدف افزایش فشار هم‌زمان نظامی و مذاکراتی بر ایران
- ❖ ادراک سازی ترامپ از شکست هم‌زمان مالی و نظامی ایران برای القای برتری آمریکا و قرارگرفتن تهران در موضع نیازمند توافق
- ❖ توجیه ترامپ از افزایش قیمت سوخت در آمریکا با برجسته‌سازی جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران و وعده کاهش قیمت‌ها پس از پایان جنگ
- ❖ برجسته‌سازی گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره برخورد با اعتراضات ایران برای طرح احتمال ارتکاب جنایت علیه بشریت
- ❖ بازتاب مسئولیت آمریکا در حملات میناب و لامرد و طرح عنوان جنایت جنگی در کنار انتقادات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی
- ❖ بازنمایی رزمایش ۳۱۳ هزار نفری «جائنفدایان ایران» به عنوان نمایش هم‌زمان بازدارندگی در برابر آمریکا و کنترل نارضایتی‌های داخلی
- ❖ وزن دهی رسانه‌های غربی به فشار اقتصادی و احتمال بازگشت اعتراضات در تفسیر بسیج اجتماعی و نمایش آمادگی نظامی ایران
- ❖ طرح ادعای گاردین درباره فشار رسانه‌ای و نهادی بر لاله مرزبان پس از سخنرانی و نیز با تمرکز بر وضعیت زنان ایران
- ❖ وزن دهی وال استریت ژورنال به نقش تحریم‌ها در تضعیف توان نظامی ایران و توصیه به استمرار محاصره و فشار اقتصادی تهران
- ❖ اعمال فشار برای تشدید محدودیت شبکه‌های مالی ایران در ترکیه، امارات و عراق و کاهش دسترسی تهران به اقلام حساس از چین
- ❖ ادراک سازی هیل از بحران آب به عنوان پیامد حکمرانی ناکارآمد و پیوند آن با ضرورت تغییر سیاسی و اصلاحات ساختاری در ایران
- ❖ اعتبار بخشی هیل به رضا پهلوی و «پروژه شکوفایی ایران» برای مدیریت گذار سیاسی و تدوین نقشه راه اصلاح بحران آب کشور
- ❖ متهم سازی ایران و چین به بهره‌گیری سازمان یافته از هوش مصنوعی برای ایجاد حساب‌های جعلی و اثرگذاری بر افکار عمومی آمریکا

رصد و تحلیل

بازنمایی دوگانه تهدید نظامی و آمادگی برای توافق در اظهارات ۴۸ ساعت اخیر ترامپ

دونالد ترامپ طی ۴۸ ساعت گذشته در مصاحبه با اکسیوس، نیوزنیشن، گفت و گو با خبرنگاران در کاخ سفید و مطالب منتشر شده در تروث سوشال، مجموعه‌ای از مواضع درباره ایران مطرح کرده که از احتمال از سرگیری حملات گسترده و ادعای برتری نظامی و اقتصادی آمریکا تا تأکید بر تمایل تهران به توافق و نزدیک بودن پایان جنگ امتداد دارد. در کنار این مواضع، ترامپ تلاش کرده افزایش قیمت سوخت راهزینانه موقتی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای معرفی کند.

مهم‌ترین اظهارات ترامپ

احتمال تشدید عملیات نظامی علیه ایران

تصمیم بزرگی پیش رو دارم. آیا می‌خواهم وارد عمل شوم و آن‌ها [ایران] را نابود کنم یا نه؟ تصمیم بزرگی است. هر اتفاقی ممکن است برای من بیفتد.

رایزنی با کشورهای عربی خلیج فارس

می‌خواهم بفهمم در چه وضعیتی هستند و اوضاعشان چطور است. ما خیلی از آن‌ها محافظت کرده‌ایم.

محاصره دریایی ایران

از وقتی شروع کردیم، حتی یک کشتی هم به ایران نرفته است. تلاش کردند و ما آن‌ها را منفجر کردیم.

ادعای تمایل ایران به توافق

در حال حاضر آن‌ها می‌خواهند توافق کنند. اگر توافق، توافق مناسبی نباشد، حتی به آن فکر هم نمی‌کنم. اما در حال حاضر آن‌ها می‌خواهند توافق کنند، چون از هر جهت در حال باختن هستند.

وضعیت اقتصادی و نظامی ایران

آن‌ها از هر جهت در حال باختن هستند؛ از نظر مالی و نظامی. ایران با همه روش‌ها، اقتصادی و نظامی، شکست می‌خورد.

برنامه هسته‌ای ایران

این چیزی است که به آن بسیار افتخار می‌کنم. ایران سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. اگر مردم می‌توانستند بین قیمت پایین‌ترین و اجازه دادن به ایران برای داشتن سلاح هسته‌ای رأی بدهند، فکر می‌کنم نتیجه با اختلاف بسیار زیادی روشن بود. مردم نمی‌خواهند ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد.

پایان جنگ

جنگ ایران به زودی پایان خواهد یافت.

قیمت سوخت پس از پایان جنگ

قیمت‌های سوخت پس از پایان جنگ ایران کاهش خواهد یافت.

ارزیابی خود از نتیجه جنگ

ما بسیار آسان در جنگ با ایران پیروز می‌شویم.

جمع‌بندی

مجموع مواضع ۴۸ ساعت اخیر نشان می‌دهد ترامپ هنوز تصمیم قطعی درباره ورود به مرحله تازه‌ای از عملیات گسترده علیه ایران را علنی نکرده و هم‌زمان دو مسیر فشار و مذاکره را باز نگه داشته است. برجسته‌سازی «تمایل ایران به توافق» در کنار تهدید به «نابودی»، می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای افزایش اهرم فشار پیش از ریزنی با کشورهای عربی خلیج فارس باشد. در سطح داخلی نیز ترامپ می‌کوشد افزایش قیمت انرژی را با هدف اعلامی جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران توجیه کند و وعده کاهش سریع قیمت سوخت پس از پایان جنگ را به بخشی از روایت خود درباره نزدیک بودن خاتمه درگیری تبدیل سازد.

بازنمایی هم‌زمان تشدید برخورد با اعتراضات و مسئولیت آمریکا در حملات میناب و لامرد

در گزارش جدید هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل

هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران در گزارش ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲، دو پرونده اصلی را بررسی کرده است: اعتراضات آغاز شده از ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ و پیامدهای جنگ ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶. ویژگی مهم گزارش، طرح هم‌زمان اتهام «جنایت علیه بشریت» علیه جمهوری اسلامی در ارتباط با نحوه برخورد با اعتراضات و «جنایت جنگی» علیه آمریکا در دو حمله میناب و لامرد است. هیئت برای تهیه گزارش با ۷۳ نفر مصاحبه کرده و تصاویر ماهواره‌ای، ویدئوها، اسناد پزشکی و نظر کارشناسان را مورد بررسی قرار داده است.

محورهای اصلی گزارش

اعتراضات گسترده‌تر و پرهزینه‌تر از سال ۲۰۲۲

هیئت حقیقت‌یاب می‌گوید اعتراضات از مشکلات اقتصادی آغاز و به مطالبات سیاسی گسترش یافت و بیش از ۲۰۰ شهر در تمام ۳۱ استان را دربر گرفت. براساس ارزیابی گزارش، شمار کشته‌ها حدود پنج و نیم برابر و تعداد مجروحان دست‌کم سه و نیم برابر اعتراضات ۲۰۲۲ بوده است.

اختلاف درباره ابعاد تلفات

دولت ایران شمار کشته شدگان را ۳,۰۳۸ نفر و مجروحان را حدود ۲۵ هزار نفر اعلام کرده است. هیئت این آمار رانمایی نمی داند و معتقد است رقم واقعی احتمالاً بالاتر است؛ با این حال خود نیز به دلیل اختلاف منابع، رقم مستقلی برای تلفات اعلام نکرده است.

استفاده از نیروی مرگبار و ساچمه های فلزی

گزارش مدعی است در ۸ و ۹ ژانویه نیروهای امنیتی در برخی شهرها از مهمات مرگبار، سلاح خودکار و ساچمه های فلزی استفاده کرده اند. آسیب های گسترده چشمی نیز برجسته شده و به مراجعه بیش از ۷۰۰ مصدوم چشمی به بیمارستان فارابی طی دو روز استناد شده است.

پذیرش وقوع خشونت از سوی بخشی از معترضان

هیئت حقیقت یاب روایت جمهوری اسلامی ایران درباره خشونت را کاملاً رد نکرده و می گوید شواهدی از آتش زدن کیوسک های پلیس، پرتاب اشیاء به نیروهای امنیتی و استفاده موردی از شعله افکن دست ساز مشاهده کرده است؛ اما معتقد است این موارد توجیه کننده سطح نیروی به کار رفته در بسیاری از صحنه ها نبوده است.

قطع اینترنت به عنوان ابزار کنترل و محدود سازی

بر اساس گزارش، قطع اینترنت از ۸ ژانویه آغاز و محدودیت های ارتباطی در مقطعی نزدیک پنج ماه ادامه یافت. هیئت می گوید این اقدام علاوه بر محدود کردن گردش اطلاعات، دسترسی مجروحان به خدمات درمانی و امکان دریافت هشدارهای مربوط به حملات هوایی را نیز مختل کرده است.

تمرکز بر کودکان و مراکز درمانی

یک سازمان حقوق بشری مورد استناد هیئت حقیقت یاب، نام ۲۲۱ کودک کشته شده را ثبت کرده است؛ هیئت این عدد را آمار مستقل نهایی خود معرفی نکرده است. همچنین مدعی شده حضور نیروهای امنیتی در بیمارستان ها و احتمال بازداشت مجروحان، بخشی از آسیب دیدگان را از مراجعه به مراکز درمانی منصرف کرده است.

افزایش استفاده از مجازات اعدام

هیئت حقیقت یاب می گوید از ابتدای ۲۰۲۶ دست کم ۵۸ نفر در پرونده های امنیتی اعدام شده اند که ۲۹ نفر آنان با اعتراضات اخیر مرتبط بوده اند. بیش از ۷ نفر دیگر نیز بنا بر گزارش در معرض حکم اعدام قرار دارند. محور انتقادی اصلی، سرعت دادرسی، محدودیت دسترسی به وکیل و ادعای اخذ اعتراف تحت فشار است.

حمله به مدرسه میناب و انتساب آن به آمریکا

گزارش نتیجه گرفته مدرسه ابتدایی **شجره طیبه میناب** در ۲۸ فوریه مستقیماً هدف قرار گرفته و صرفاً

قربانی خطای اصابت به تأسیسات سپاه در مجاورت خود نبوده است. براساس آمار دادستان میناب، ۱۵۶ نفر شامل ۱۲۰ دانش آموز کشته شدند.

شناسایی موشک تاماهاوک در پرونده میناب

هیئت حقیقت یاب با بررسی تصاویر و بقایای مهمات، نوع موشک را **تاماهاوک** تشخیص داده و با استناد به تحقیقات مقدماتی ارتش آمریکا و اظهارات فرمانده سنتکام، «دلایل معقول» برای انتساب حمله به آمریکا یافته است. گزارش، استفاده از اطلاعات هدف گیری قدیمی رایکی از عوامل احتمالی حادثه می داند.

حمله لامرد ورد روایت سنتکام

در حمله به مجموعه ورزشی لامرد، ۲۲ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی گزارش شده اند. سنتکام مسئولیت حمله را رد و مهمات را مشابه موشک هوپره ایران معرفی کرده بود؛ اما هیئت این روایت را نپذیرفته و موشک مورد استفاده را **پرسیژن استرایک آمریکایی** ارزیابی کرده است.

«جنایت علیه بشریت» در پرونده اعتراضات

هیئت حقیقت یاب نتیجه گرفته مجموعه ای از اقدامات منتسب به حکومت ایران، از جمله قتل، بازداشت گسترده، شکنجه و محدودیت شدید آزادی ها، در صورتی که در چارچوب حمله گسترده و نظام مند علیه جمعیت غیرنظامی بررسی شود، می تواند واجد عناصر **جنایت علیه بشریت** باشد.

«جنایت جنگی» در پرونده آمریکا

درباره میناب و لامرد، گزارش معتقد است آمریکا اصول تفکیک، احتیاط و حفاظت از اهداف غیرنظامی را رعایت نکرده است. هیئت هر دو حمله را در چارچوب حملات کور منجر به مرگ و جراحت غیرنظامیان ارزیابی و واجد عناصر جنایت جنگی دانسته است.

جمع بندی

مهم ترین ویژگی گزارش جدید، گسترش دامنه مسئولیت سازی از حکومت ایران به آمریکا است. هیئت همچنان برخورد با اعتراضات را در چارچوب تشدید سرکوب و احتمال ارتکاب جنایت علیه بشریت صورت بندی می کند، اما هم زمان دو حمله آمریکا به میناب و لامرد را نیز در سطح جنایت جنگی قرار داده است. این دوگانه، ظرفیت استفاده سیاسی متفاوتی ایجاد می کند: مخالفان جمهوری اسلامی بر بخش اعتراضات و تهران بر بخش مربوط به آمریکا تمرکز خواهند کرد. در عین حال، عدم دسترسی هیئت به ایران و پاسخ ندادن آمریکا و اسرائیل به درخواست های اطلاعاتی همچنان یکی از محدودیت های مهم روش شناختی گزارش است.

نسخه حدود ۲۰۰ کلمه ای با تمرکز بر اختلاف آمار تلفات، ابهام در شیوه ثبت کشته ها و تبعات

سیاسی جنگ برای دولت ترامپ:

بازنمایی رزمایش ۳۱۳ هزارنفری «جائنفدایان ایران» در تقابل روایت بازدارندگی مردمی و کنترل نارضایتی داخلی

رزمایش و راهپیمایی ۳۱۳ هزارنفری «جائنفدایان ایران» در تهران در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌ای یافته و در دو چارچوب اصلی روایت شده است: از یک سو نمایش بسیج اجتماعی، آمادگی دفاعی و پیام بازدارندگی به آمریکا و اسرائیل و از سوی دیگر، تلاش حکومت برای نمایش کنترل داخلی در شرایط فشار اقتصادی و احتمال بازگشت اعتراضات. اغلب رسانه‌ها این تجمع را بزرگ‌ترین نمایش سازمان یافته حامیان حکومت از آغاز جنگ در فوریه توصیف کرده‌اند.

اسوشیتدپرس با تیتراژ «صدها هزار نفر در بزرگ‌ترین تجمع سازمان یافته دولتی ایران از آغاز جنگ شرکت کردند» نوشت این برنامه، نمایش «سرپیچی» ایران پس از ماه‌ها جنگ بوده است. این رسانه بر آمار بیش از ۶۰۰ هزار ثبت نام کننده و پیش بینی آموزش بیش از یک میلیون نفر تمرکز کرد و نمایش پهپادها، سامانه‌های ضد هوایی و تسلیحات رابخشی از پیام قدرت دانست. هم‌زمان، اسوشیتدپرس با برجسته کردن سابقه بسیج در مهار اعتراضات، تشکیل این نیروی داوطلب را دارای کارکرد احتمالی در کنترل ناآرامی‌های آینده نیز ارزیابی کرد.

وال استریت ژورنال با تیتراژ «صدها هزار نفر در ایران در بحبوحه فشار جنگ و اقتصاد تجمع کردند»، رزمایش را عمدتاً از زاویه پیام دوگانه خارجی و داخلی بررسی کرد. این روزنامه حضور گسترده نیروهای مسلح، شعارهای ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی و نمایش پهپادها را تلاش تهران برای نمایش توان بسیج توصیف کرد، اما هم‌زمان بر هم‌زمانی تجمع با فشار ناشی از محاصره دریایی، افزایش قیمت سوخت، اعتصاب‌های محدود و سالگرد اعتراضات ۲۰۲۲ تأکید داشت. علی‌و‌اعظ نیز به این روزنامه گفته پیام اصلی به واشنگتن این است که «ما کنترل اوضاع را در دست داریم و شما قادر به تضعیف ما از داخل نخواهید بود».

الجزیره انگلیسی روایت متفاوتی ارائه کرد و تجمع را بیشتر در چارچوب راهبرد دفاع همه‌جانبه و همبستگی ملی قرار داد. این شبکه ضمن اشاره به حضور ۳۱۳ هزار نفر، ثبت نام زنان و نوجوانان و آموزش‌های نظامی و امدادی، تأکید کرد نیروی جدید به عنوان یک لایه پشتیبان در کنار سپاه و بسیج تعریف شده است. خبرنگار الجزیره در تهران هدف برنامه را نمایش این پیام دانست که جامعه ایران در برابر تهدید خارجی «متحد» است و آمادگی دفاع از کشور را دارد.

نیویورک پست با ادبیاتی انتقادی‌تر، تجمع را فراخوان صدها هزار غیرنظامی برای «فدا کردن جان برای ایران» توصیف کرد و بر نظامی سازی نیروهای داوطلب، آموزش کار با سلاح و نمایش تجهیزات نظامی تمرکز داشت. این روزنامه در عین حال نقل قول یک زن شرکت کننده را برجسته کرد که خطاب به ترامپ گفته بود ایرانیان «از تهدیدهای او نمی‌ترسند».

ایندیپندنت نیز تجمع را مستقیماً به اظهارات اخیر ترامپ پیوند زد و آن را نمایش حمایت از حکومت در برابر تهدید «نابودی» ایران خواند. این رسانه بیش از ساختار رزمایش، بر تقارن زمانی آن با تهدید تازه ترامپ برای احتمال از سرگیری حملات گسترده و گزارش اخیر سازمان ملل درباره سرکوب اعتراضات تمرکز کرد. **ان بی سی نیوز** نیز روایت اسوشیتد پرس از تجمع را بازتاب داده است.

جمع بندی

برآیند پوشش رسانه ای نشان می دهد اصل مقیاس بسیج ۳۱۳ هزار نفری و آمادگی برای آموزش نظامی کمتر محل اختلاف بوده و تفاوت اصلی در تفسیر کارکرد آن است. رسانه هایی مانند الجزیره، این رخداد را عمدتاً در چارچوب همبستگی و بازدارندگی اجتماعی قرار داده اند؛ در مقابل، اسوشیتد پرس، وال استریت ژورنال و نیویورک پست هم زمان بر کارکرد داخلی بسیج، فشار اقتصادی و پیشگیری از بازگشت اعتراضات تأکید دارند. در مجموع، رزمایش در فضای رسانه ای خارجی به عنوان تلاش تهران برای ارسال هم زمان دو پیام بازتاب یافته است: افزایش هزینه هرگونه تشدید نظامی برای طرف خارجی و نمایش حفظ کنترل سیاسی و اجتماعی در داخل.

طرح ادعای اعمال فشار رسانه ای و نهادی بر لاله مرزبان پس از سخنرانی جشنواره ونیز درباره زنان ایران

گاردین در گزارشی با عنوان «بازیگر ایرانی لاله مرزبان پس از سخنرانی در جشنواره ونیز با تهدیدهای شدید مواجه شده است» نوشت، اظهارات این بازیگر پس از دریافت جایزه بهترین بازیگر بخش افق های ونیز، با واکنش منفی نهادهای رسمی و رسانه های وابسته به حاکمیت در ایران روبه رو شده است.

مرزبان که برای بازی در فیلم «خانه در حال سقوط» ساخته محسن قرایی جایزه گرفت، آن را به «زنان کشورم که برای کوچک ترین میزان آزادی، بالاترین بهار پرخاش می کنند» تقدیم و تأکید کرد ایرانیان در روزهای دشواری قرار دارند اما نباید امید خود را از دست بدهند.

گاردین تأکید کرده است شورای عالی انقلاب فرهنگی سخنان او را «روایتی یک جانبه از جامعه پرافتخار ایران» توصیف کرده است. هم زمان بر اساس این گزارش شماری از چهره ها و رسانه های وابسته به صداوسیما خواستار برخورد با مرزبان یا محدود شدن فعالیت حرفه ای او شده اند.

این روزنامه فیلم «خانه در حال سقوط» را نیز روایتی درباره تقابل زنان با ساختار سنتی و اقتدار پدرسالارانه در خانواده ایرانی معرفی کرده است.

وزن دهی به نقش تحریم‌ها در تضعیف توان نظامی ایران و توصیه به حفظ محاصره اقتصادی تهران

میعاد ملکی، مقام ارشد سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا در حوزه تحریم‌ها و پژوهشگر کنونی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، در یادداشتی برای وال استریت ژورنال با عنوان «احتمالاً جنگ ایران را وارونه فهمیده‌اید» استدلال کرده که محاصره دریایی نه جایگزین تحریم‌ها، بلکه مرحله تشدید شده همان فشار اقتصادی است.

ملکی مدعی است محدودیت چندساله دسترسی ایران به سرمایه، فناوری و قطعات، مانع نوسازی نیروی هوایی و پدافندی شده و زمینه برتری هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ را فراهم کرده است. به روایت او، تحریم‌ها شرایط مزمن آسیب‌پذیری اقتصادی و نظامی و محاصره شوک‌حادر ایجاد کرده است.

وی همچنین از کاهش صادرات نفت، محدود شدن تجارت با چین و دشوارتر شدن تأمین قطعات موشکی به عنوان آثار محاصره یاد کرده و هشدار داده رفع زودهنگام تحریم‌ها می‌تواند منابع لازم برای بازسازی توان موشکی و پدافندی ایران را فراهم کند. ملکی بر همین اساس خواستار تشدید فشار بر شبکه‌های مالی ایران در ترکیه، امارات، عراق و ریزنی با چین برای محدود کردن انتقال اقلام حساس شده است.

ادراک‌سازی از بحران آب به عنوان چالش ساختاری ایران با اعتباربخشی به رضا پهلوی برای مدیریت گذار سیاسی و زیست‌محیطی

هیل در مطلبی به قلم محمدنایب یزدی و با عنوان «بحران آب ایران به چیزی فراتر از تغییر رژیم نیاز دارد» مدعی شده است بحران آب ایران بیش از آنکه صرفاً حاصل تغییرات اقلیمی باشد، محصول چند دهه حکمرانی ناکارآمد، برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی و سیاست خودکفایی کشاورزی است؛ روندی که به افت سفره‌های آب، فرونشست گسترده زمین و افزایش فشار بر جوامع روستایی منجر شده است.

نویسنده تأکید می‌کند حتی در صورت تغییر سیاسی، آبخوان‌های تخلیه شده، الگوی کشاورزی پرمصرف و زیرساخت‌های فرسوده فوراً قابل اصلاح نیستند و هر دولت آینده ناچار به کاهش برداشت آب، اصلاح الگوی کشت، بازنگری یارانه‌ها و جلب اعتماد عمومی خواهد بود.

نویسنده هیل در ادامه، با پیوند زدن مسئله آب به آینده سیاسی ایران، رضا پهلوی را چهره‌ای مناسب برای تسهیل گذار معرفی کرده و از «پروژه شکوفایی ایران» به عنوان نمونه‌ای از تلاش برای تدوین نقشه راه‌های تخصصی یاد می‌کند. این مطلب نتیجه می‌گیرد حل بحران آب، علاوه بر تغییر سیاسی، مستلزم اصلاح نهادی، سرمایه‌گذاری خارجی و مدیریت یک گذار منظم و باثبات است.

متهم سازی ایران و چین به بهره گیری از هوش مصنوعی برای اثرگذاری سازمان یافته بر افکار عمومی آمریکا

نیویورک تایمز در گزارشی با عنوان «ایران و چین نخستین کارزارهای نفوذ خودکار مبتنی بر هوش مصنوعی را ایجاد کردند» مدعی شد ایران، چین و دو شرکت خصوصی اسرائیلی با ترکیب مدل های متن باز چینی و عامل های هوش مصنوعی، بخشی از چرخه عملیات نفوذ در شبکه های اجتماعی را خودکار کرده اند.

بر اساس این گزارش، عامل های هوش مصنوعی قادر بوده اند حساب های جعلی ایجاد کنند، محتوا بسازند، پیام ها را هماهنگ کنند و با کاربران تعامل داشته باشند؛ اقدامی که سرعت و مقیاس عملیات را با دخالت انسانی محدود افزایش می دهد.

نیویورک تایمز به نقل از مقام های آمریکایی مدعی شد کارزار منتسب به ایران، مخاطبان آمریکایی را هدف گرفته و حساب ها با معرفی خود به عنوان شهروندان عادی آمریکا، درباره سیاست داخلی این کشور محتوا منتشر کرده اند؛ شبکه ای که مجموعاً نزدیک به ۸۰ هزار دنبال کننده داشته است. گزارش همچنین می گوید استفاده از مدل های متن باز، به دلیل امکان اجرا روی زیرساخت خصوصی و حذف محدودیت های شرکت های سازنده، کنترل و مهار این نوع عملیات را دشوارتر کرده است.

جمع‌بندی نهایی

برآیند گزارش نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی فضای موجود، نه غلبه یک پرونده خاص، بلکه هم‌زمانی و اتصال متقابل چند خط بحران و منازعه است.

در سطح سیاست داخلی، موضوعات اقتصادی، فرهنگی و قضایی به صورت فزاینده‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ توصیه به صرفه‌جویی از یک بحث اقتصادی به منازعه درباره مسئولیت دولت و مردم منتقل شده، ماراتن تهران از یک رویداد ورزشی به نماد تقابل دو الگوی کنش جمعی تبدیل شده و پرونده تاج‌زاده نیز از موضوعی قضایی به عرصه رقابت بر سر تعریف «اپوزیسیون داخلی» و حدود مدارا کشیده شده است. حاصل این روند، افزایش ظرفیت رخدادهای روزمره برای تبدیل شدن به مناقشه سیاسی و نمادین است.

در سطح امنیتی-نظامی، دوروند موازی قابل مشاهده است. از یک سو، گردش ناوگان آمریکا، استمرار شبکه پشتیبانی هوایی و اطلاعاتی، محدودیت دریایی، تحرکات زمینی و سازماندهی نیرو در ایران نشان می‌دهد منطق حفظ آمادگی برای یک مواجهه طولانی‌تر همچنان فعال است؛ هرچند داده‌های گزارش برای اثبات افزایش خالص توان نظامی یا قریب‌الوقوع بودن دور تازه حملات کافی نیست. از سوی دیگر، همین وضعیت به ماده اولیه جنگ روایت‌ها تبدیل شده است؛ به ویژه در بخش رسانه‌های معاند و ضدانقلاب که رزمایش جان‌فدایان با بحران معیشتی، اعتراضات، سیاست حجاب و ادعای نظامی‌سازی جامعه پیوند داده شده، در حالی که ماجرای نوجوان تبریزی و بازگشت برخی چهره‌های خارج‌نشین نیز برای گسترش روایت‌های ساختاری درباره رفتار حاکمیت مورد استفاده قرار گرفته است.

در حوزه اقتصادی، وجه مشترک اغلب پرونده‌ها، افزایش نااطمینانی و فشار بر قدرت خرید و تصمیم‌گیری اقتصادی است. از مسکن و کالاهای اساسی تا بورس، ارز، طلا، انرژی، کالا برگ و فیلترینگ، مسئله اصلی صرفاً تغییر قیمت نیست؛ بلکه تأثیر جنگ، تحریم، نوسان ارز، اختلال در تجارت و اختلاف بر سر سیاست‌های اصلاحی بر رفتار خانوار، بنگاه و سرمایه‌گذار است. هم‌زمان، پرونده شبکه فروش نفت نشان می‌دهد چگونه یک موضوع اقتصادی می‌تواند با فساد، تحریم، دیپلماسی و حتی تصمیمات امنیتی پیوند بخورد و به منازعه‌ای چندسطحی تبدیل شود.

در حوزه منطقه‌ای، یمن و دو گلوگاه هرمز و باب‌المندب به محور بازاریابی محاسبات تبدیل شده‌اند. فشار انصارالله بر عربستان، فعال شدن پاکستان و چین، احتمال محدودیت‌های بیشتر عراق، تلاش برای ایجاد مسیرهای جایگزین هرمز و طرح تغییر ترتیبات امنیتی کشورهای عربی، نشان‌دهنده تلاش بازیگران برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر یک بحران طولانی است.

در حوزه بین‌الملل نیز دوگانه تهدید نظامی و بازگذاشتن مسیر توافق در مواضع آمریکا، همراه با

فشار تحریمی، هزینه‌های روبه افزایش جنگ، مباحث حقوق بشری و جنگ روایت‌ها درباره توان ایران ادامه دارد. بنابراین، چشم‌انداز ترسیم‌شده در فایل بیش از آنکه به سمت حل سریع بحران حرکت کند، به سوی تداوم فشار چندلایه، بازآرایی تدریجی بازیگران و افزایش پیوند میان تحولات داخلی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی متمایل است؛ وضعیتی که می‌تواند هر تحول محدود را به محرک یک موج گسترده ترسیاسی، اقتصادی یا رسانه‌ای تبدیل کند.

مرکز رصد و پایش ق. رسانه